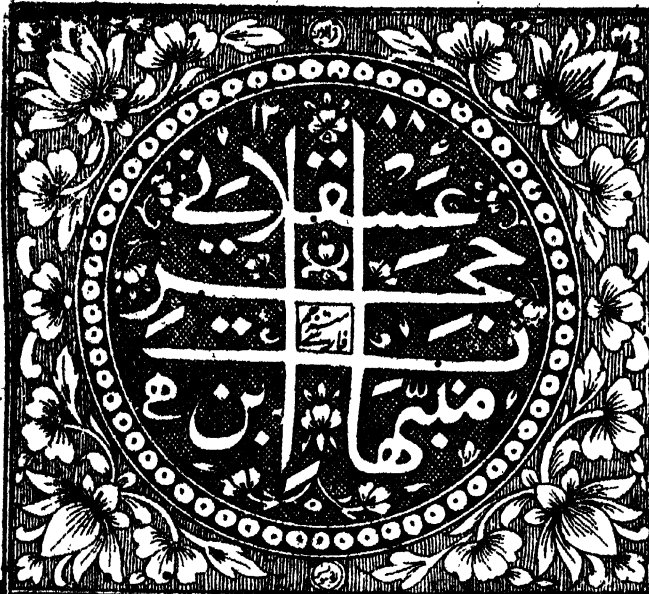


P. Cal.

127

وَمَا جَاءَ بِالْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ

سَدِّدُوا لَهَا كِتَابًا بِرَبِّكَ الْكِتَابُ لِمَنْ عَمِلَ الصَّالِحَاتِ



سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

الطَّبْعُ الْمُجْتَمِعُ الْوَاتِقَةُ الْهَدَىٰ

فهرست ابواب کتاب منها ابن حجر عسقلانی

۳۴	باب التشافی دوران بست و پنج مجموعه کلام است و هر یک مشتمل بر حدیث است
۳۵	باب التشافی و دوران شدت و شش مجموعه کلام است و هر یک مشتمل بر مجموعه حدیث است
۳۶	باب الرباعی و دوران شی و شش مجموعه کلام است و هر یک مشتمل بر چهار مطالب است
۳۷	باب التشافی و دوران بست و شش مجموعه کلام است و هر یک مشتمل بر پنج مطالب است
۳۸	باب السداسی و دوران شش و نه مجموعه کلام است و هر یک مشتمل بر شش مطالب است
۳۹	باب السباعی و دوران ده مجموعه کلام است و هر یک مشتمل بر هفت مطالب است
۴۰	باب التشافی و دوران پنج مجموعه کلام است و هر یک مشتمل بر شش مطالب است
۴۱	باب التشافی و دوران پنج مجموعه کلام است و هر یک مشتمل بر شش مطالب است
۴۲	باب التشافی و دوران نه مجموعه کلام است و هر یک مشتمل بر ده مطالب است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 الحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله الصلوة والسلام على النبي وآله
 محمد النبي الذي بعثه هاديا للجهول والظلم وجعل بين الانبياء الشبه بينهم
أولها حاشية ابن مسعود بن بخش سکن قصبة سکار و در صلح مظفر نگر میگوید که درین زمان بنی
 توان یعنی ماه حرم الحرام که امیری بنوی صلی الله علیه وآله و صحابه وسلم حسب ایش شفق
 شیخ ناصر علی صاحب تاج کتب متوطن شهر دلی تهریزید سباط صاحب ارباب علمین و مدارج عظمی امور و
 الطاف سردی منظر فتوحات ایزدی نجیح اخلاق عبدالرزاق منضم مطبع مجتبیائی دلی ناسبت
 شمس کاتیم ترجمه کتاب افاضت انساب یعنی منبهات ابن حجر عسقلانی بفارسی کرده شد
 باین لحاظ که مترجم اردو دوران دبار که سکان اسکا ازین زبان بهره نداشتند میسر
 می بود و انگستان از فوائد چنین کتاب محروم می مانند اکنون از ذوات باری تعالی
 عزاء امید قوی است که فارسی لسانان هم از ان بهره بردارند و بنده را بدعای خیر
 یاد فرماید و اگر به مقتضای بشریت جائی غلطی و سهوشده باشد بدین عطف
 بپوشند **۱** از کر میان کار راه دشوار نیست **۲** و واضح باد که
 حق تصنیف ترجمه کتاب مذکوره اصد در بشیخ ناصر علی صاحب موصوف داد و انگ
 طبع آن کرده شد بعد ازین مارا در طبع آن حق نیست و غانده دیگر ایل مطابع

بے اجازت مومی یا قصد طبعش نفرمایند



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهَا كُفْرًا وَاقْتَارَ وَالصَّلَاةُ عَلَى سُوْلِهِ شَرْفٌ وَمُخْلَقٌ
 وَكَرِيْمٌ هَذِهِ مِنْهَا مَا صَنَفَ الشَّيْخُ شَهَابُ الدِّينِ وَابْنُ
 مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ الْعَسْقَلَانِي الْأَصْلِي ثُمَّ الْمَصْرِي الشَّافِعِي
 الشَّهِيرُ بِابْنِ الْحَجَرِ عَلَى الْإِسْتِعْدَادِ يَوْمَ الْعَادِ فَإِنَّ مِنْهَا مَا يَكُونُ
 مَتْنًا وَمِنْهَا مَا يَكُونُ تَلَاتِيًّا إِلَى التَّمَامِ الْعَشْرُ بِابْنِ التَّنَوُّسِي
 فَمِنْهَا مَا رَوَى عَنْ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهَا قَالَتْ
 بَعْضُ أَزْوَاجِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَوَيْتُ كَرْدًا وَخَدَّهَا مِثْلُهَا كَرْدًا وَنَمُوْدَ صُلْبِهَا كَرْدًا

بَعْضُ أَزْوَاجِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَوَيْتُ كَرْدًا وَخَدَّهَا مِثْلُهَا كَرْدًا وَنَمُوْدَ صُلْبِهَا كَرْدًا

لا شئ افضل منها الايمان بالله والنفع للمسلمين وخصلة
که از ان هر دو ايچ خير بالشرعيت بيان بر خدا و نفع دادن مسلمانان را در خصوصت

لا شئ اخبت منها الشرك بالله والنصر بالمسلمين وقال عليه السلام
که ايچ خير بيدتر از ان است شريک با خدا و ضرر رسانيدن مسلمانان او فرمود عليه السلام

عليكم عجايب الية العلماء واستعاء كل اولي الحكماء فان الله تعالى
لازم گيريد بر خود منشنه علماء و شنيدن کلام علماء اولي الحكماء فان الله تعالى

لحي القلب ليت بنور الحكمة كما يحي الارض لينة بماء المطر
دل مرده از نور حکمت زنده ميشود چنانکه زمين مرده که از آب باران زنده ميشود

ومن ابى بكر الصديق من دخل لغيره لثرا فكم اثار كالجحش
و از ابو بكر صديق هم روايت است که هر کس در گور رفت که چنان است که سفره دريا

بل سفينة ومن عمر بن الخطاب بالمال وعن الاخرة بصاله
بله گشته کرد و از عمر بن خطاب روايت است که عورت دنيا از مال است عورت اخيرت از حال بيوکه

العلم وعن عثمان بن عفان الذي اظلم في القلب وهم الاخرة نور
و از عثمان بن عفان روايت است که عمر دنيا تاريکي است در دل و عمر اخيرت نور ي

والقدوة عن علي بن ابي طالب كان في طلب العلم كان في الجنة في طلبه من كان
در دل و از علي بن ابي طالب روايت است که در تلاش علم خواهد بود جنت در تلاش او خواهد بود هر که

في طلب المعصية كانت النار في طلبه وعن يحيى بن معاذ قال
در تلاش گناه خواهد بود دوزخ در تلاش او خواهد بود و از يحيى بن معاذ روايت است که هر که

الله كبريه وما اثر الدنيا على الاخرة حكيم وعن ابي عبيد بن جابر
نا زمانی خدا نکرده و ايچ حکيم دنيا را با عفت پسندند است فتا و از ابي عبيد بن جابر روايت است که

راسم الي التقوى كل الاكس من وصفه في دينه ومن كان
اصل مال او بر مبرگاري باشد زيارت با از بيان نواب دين او علما چنانچه

Handwritten marginal notes on the left side of the page, including phrases like 'وخصلة' and 'وخصلة'.

Handwritten notes at the bottom of the page, including 'اصل مال او بر مبرگاري' and 'علما چنانچه'.

باب ۴ التثانی

وَأَسْمَاءُ كَانَتْ أَلْسُنَ عَن وَصْفِ خَسْرٍ أَدْبِيهِ وَعَمْرٍ
اصل نال او دنیا باشد زبانها از میان خاره دین او ها خوانند و از
سَفِيَانِ النَّوْرِيِّ كُلِّ مَعْصِيَةٍ عَن شَهْوَةِ فِأَنَّهُ يُرْجَى عَفْرَانَهَا
سفیان نوری روایت است هر معصیتی که از خواهش نفس عمل آید پس بیشک بجز این
وَكُلِّ مَعْصِيَةٍ عَن الْكِبْرِ فَإِنَّهُ لَا يُرْجَى عَفْرَانَهَا لَا مَعْصِيَةَ
در هر معصیتی که از روی تکبر بعمل آید پس بیشک بجز این آن امید نیست ای که
أَبْلَسَ كَزِ اصْلَها مِنَ الْكِبْرِ وَزَلَّةُ آدَمَ كَانَ أَصْلَها مِنَ
تا قرمانی ابلیس در اصل از روی تکبر بود و لغزش آدم علیه اسلام در اصل از روی
الشَّهْوَةِ وَعَمَّنْ بَعْضُ الزَّاهِدِينَ مِنْ أَذْنِبِ ذُنُوبِها وَهُوَ يُخَذَلُ
خواهش نفس بود فلذا قاز بعضی زاهدان منقول است هر که نافرمانی کرد و خندان ماند
فَإِنَّ اللَّهَ يَدْخُلُهُ النَّارَ وَهُوَ بَيْكِي وَمَنْ أَطَاعَ وَهُوَ بَيْكِي
پس بیشک خدا تعالی او را بدوزخ فرستد با نجا که خواهد گرفت و هر که اطاعت کرد در آستان
فَإِنَّ اللَّهَ يَدْخُلُهُ الْجَنَّةَ وَهُوَ بَيْضُكَ وَعَمَّنْ بَعْضُ الْحُكَمَاءِ
پس بیشک خدا تعالی او را بهشت فرستد در نجا که خندان باشد قاز بعضی حکما منقول است که
لَا تُحْمَرُ وَالذُّنُوبُ الصَّغَارُ فَإِنَّهَا تَنْشَعِبُ مِنْهَا الذُّنُوبُ الْكُبْرَى
گناهان صغیره را حقیق و کثر مدارید از نیک گناهان کبیره از آن پیدا میشوند
وَمَنْ صَلَّى لِلَّهِ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِاصْفِرَةِ مَعَ الْأَصْرَارِ
و از نبی صلی الله علیه وسلم روایت است گناه صغیره که بر آن اوست که صغیره است
وَأَكْبَرَةِ مَعَ الْأَسْتِفَارِ قَبْلَ هُمُ الْعَارِفُ وَالْمُتَنَبِّئُ وَهُمْ
و گناه کبیره که بر آن استغفار یعنی توبه است و توبه را پیش از آنکه توبه کند عارف به تمام است قصد
الزَّاهِدُ الدَّاعِي لِأَنَّ هُمُ الْعَارِفُ لِنَفْسِهِ وَهُمْ الزَّاهِدُ نَفْسَهُ
مردان را دعای باشد زیرا که مطهر و در عارف رب است و مقصود مرد را بر ابراد ذات است

این سخن از شیطان است
 و در حدیث آمده است
 که هر که از روی تکبر
 عمل کند خداوند او را
 بدوزخ فرستد
 و هر که از روی
 خواهش نفس عمل کند
 خداوند او را بهشت
 فرستد
 و هر که از روی
 تکبر عمل کند
 خداوند او را بدوزخ
 فرستد
 و هر که از روی
 خواهش نفس عمل کند
 خداوند او را بهشت
 فرستد

باب

أَتَبِعُوا رِضْوَانَ اللَّهِ تَعَالَى وَاجْتَمَعُوا فِيهِ قِيلَ لَا خَيْرَ تَبَلُّغِ الْفَاضِلِ
كُلٌّ وَأَمَّا مَنْ لَمْ يَأْتِهَا قَبِيلٌ مِنْ كَانِ بِالطَّاغُوتِ عِنْدَ اللَّهِ فَرِيمًا كَانِ يَتَرَبَّصُ
بِالنَّاسِ عَرِيبًا قَبِيلٌ حُرُوكَةُ الطَّاغُوتِ دَلِيلٌ لِمَنْ عَرَفَ كَيْسَانَ حُرُوكَةَ
بِحَسَمٍ دَلِيلٌ لِلْحَيَوةِ قَالِ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَوَّلُ مَا جُمِعَ

*ترجمه اولی این است که: ای کسانی که از رضا خدا تعالی پیروی کرده اند و در آنجا جمع شده اند...
 و کلاً و من لَمْ یَأْتِهَا قَبِیلٌ مِنْ کَانَ بِالطَّاغُوتِ عِنْدَ اللَّهِ فَرِیمًا کَانَ یَتَرَبَّصُ بِالنَّاسِ عَرِیبًا قَبِیلٌ حُرُوکَةُ الطَّاغُوتِ دَلِیلٌ لِمَنْ عَرَفَ کِیْسَانَ حُرُوکَةَ غُوبِ یُکَرِّدُ یُکَوِّنُ حرکت کردن برای طاعت دلیل معرفت است چنانکه حرکت
 حَسَمٍ دَلِیلٌ لِلْحَیَوةِ هِت فَما سی مصلی الله علیه وسلم فرمود
 بِنَیاد مَعْلَمُ کَانَ اِن*

بِحَسَمٍ دَلِيلٌ لِلْحَيَوةِ قَالِ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَوَّلُ مَا جُمِعَ
لِلْخَيْرِ كَيْسَانَ دُنْيَا وَأَوَّلُ مَا جُمِعَ الْفِئْتَنُ مِنْهُ الْعَشْرُ وَالزُّكُوةُ قَبِيلٌ
لِقَبْرِهَا بِالنَّقْصِيرِ ابْدَاءُ حَمْدُ وَالْإِقْرَارُ بِالنَّقْصِيرِ عِلْمَةٌ الْقَبُولِ
قَبِيلٌ كَفْرَانِ النِّعْمَةِ لَوْمٌ وَصِحْبَةٌ الْأَحْمَقُ شَوْمٌ قَالِ الشَّاعِرُ اشْعَاءُ

*مَحَبَّتِ دُنْيَا هِت دَمَجِ جِلْدَةً فَمَدَّانِ عَشْرَةَ وَفَدَّانِ زُكُوةً هِتَا یُکَوِّنُ
 اَوَّلُ مَا جُمِعَ لِقَبْرِهَا بِالنَّقْصِيرِ ابْدَاءُ حَمْدُ وَالْإِقْرَارُ بِالنَّقْصِيرِ عِلْمَةٌ الْقَبُولِ اَوَّلُ مَا جُمِعَ لِقَبْرِهَا بِالنَّقْصِيرِ ابْدَاءُ حَمْدُ وَالْإِقْرَارُ بِالنَّقْصِيرِ عِلْمَةٌ الْقَبُولِ هِت
 قَبِيلٌ كَفْرَانِ النِّعْمَةِ لَوْمٌ وَصِحْبَةٌ الْأَحْمَقُ شَوْمٌ قَالِ الشَّاعِرُ اشْعَاءُ یُکَوِّنُ اَکْثَرُ كَرُونَ لِزَعْفَرِ قَبْلِ سَمْرَسَانِ هِت وَنَمِثِیْنَهُ نَادَانِ بَدْرَسَمِي هِت شَاعِرِ یُکَوِّنُ شَارِ*

قَدِغْرَةٌ طُولِ الْأَمَلِ
حَتَّى دَنَا مِنْهُ الْأَجَلَ
وَالْقَبْرِ صِنْدًا وَوَقَّ الْعَمَلِ
لَا مَوْتَ إِلَّا بِالْأَجَلِ

*بِیَنَکِ فَرِیبِ اِدَّةً هِت اَوَّلُ اِدْرَازِی هِت اِدْرَازِی هِت اِدْرَازِی هِت
 تا آنکه اجل از تو نزدیک شد
 دَوِّغُورُ مَهْدَقِ عَمَلِ هِت
 مَوْتِ نِمِثِیْنَهُ مَگَرِ اَزِ اَجَلِ*

يَا مَنْ بَدْنِيَاةٌ اشْتَغَلَ
أَوْلَامٌ يُبْزَلُ فِي غَفْلَةٍ
أَمَّوتِ يَا تَبِي بَغْتِ
أَحْمَدُ عَلَى أَهْوَالِهَا

*اِی اَنکِه مَهَارُ عَزْوِ شَوْعِلِ هِت
 اِمَامِ اَمِ در غفلت گرفتارنده هِت
 مَوْتِ اَهْمَانِ یُکَرِّدِ
 اَكْثَرُونَ بِرِجَادُونَ اَكْ صَبَرُ مَکْرَهَ*

*ترجمه این است که: ای کسی که دنیا را بدین اشتغال...
 اولام بيزل في غفلة اي امام در غفلت گرفتارنده است
 اموت يا تبي بغت موت اهلان يكرد
 احمد على احوالها اکنون بر جادان که صبر مکراه*

این شعر از اشعری است

باب الثلاثين روى عن النبي صلى الله عليه وسلم

انه قال من اصبه وهو يشك وضوءه لعاشر كما في استنوره

ومن اصبه لا مولا الله يخرينها فقد اصبه ساخطا على الله

من تواضع لغنى لغناه فقد هب ثلثا دينه وعن ابي بكر

الصديق قلت لا يدرك ثلث الغنى بالمنى والشباب ايضا

والصحة بالادوية وعن عمر حسن التودد الى الناس ضعف

العقل فحسن السؤال انصف العلم وحسن التذبير انصف المعيشة

وعن عثمان من ترك الدنيا احبها الله تعالى ومن ترك

الدنيا احبها الملائكة ومن حسم الظم عن المسلمين احبهم

المسلمون وعن علي ان من يعبد الله يفيك الاسلام

نعمة وان من الشغل يفيك الطاعة شغلا وان من العبد

من اصبه وهو يشك وضوءه لعاشر كما في استنوره
من اصبه لا مولا الله يخرينها فقد اصبه ساخطا على الله
من تواضع لغنى لغناه فقد هب ثلثا دينه
والصحة بالادوية
عن عمر حسن التودد الى الناس
العقل فحسن السؤال انصف العلم
وحسن التذبير انصف المعيشة
وعن عثمان من ترك الدنيا احبها الله تعالى
ومن ترك الدنيا احبها الملائكة
ومن حسم الظم عن المسلمين احبهم المسلمون
وعن علي ان من يعبد الله يفيك الاسلام
نعمة وان من الشغل يفيك الطاعة شغلا
وان من العبد

که فرمود هر که صبح درین حال بر خیزد که شکایت علی گذرن از نماز یا که نماز کند و نماز کند
و من اصبه لا مولا الله يخرينها فقد اصبه ساخطا على الله
هر که صبح بر خیزد که برای امور دنیاوی غمناک باشد پس بشک صبح کرد که برضا غمناک است
من تواضع لغنى لغناه فقد هب ثلثا دينه
هر که تواضع را بجهت ثروت یا ثروت بخواهد پس بشک هب شد از او بود که صدق را بگردد
والصحة بالادوية
که سه چیز از سه چیز است یعنی آید و ثمری
عن عمر حسن التودد الى الناس
صحیح از دو عالمی و از هر مردی روايت است که دوستی با مردم با مردم نصف
العقل فحسن السؤال انصف العلم
علمی باشد و پرسیدن بر طرز خجسته و گفتن علمی باشد در گفتن تدبیری نصف معاش می باشد
وعن عثمان من ترك الدنيا احبها الله
و از عثمان روايت است هر که دنیا را ترک کرد الله
الدنيا احبها الملائكة
فرشتگان او را بپسندند و هر که
ومن حسم الظم عن المسلمين احبهم المسلمون
از مسلمانان طمع بر مسلمانان او را دوست
وعن علي ان من يعبد الله يفيك الاسلام
و از علی روايت است هر که از نعمتهای دنیا کفایت میکند و به نعمت
نعمة وان من الشغل يفيك الطاعة شغلا
انسان از مشغله کفایت میکند مشغله عبادت و بیشک برای جنت پذیرد

باب الثاني والثلاثون

بِنِيَامٍ وَأَمَّا الْكُفْرَاتُ فَأَسْبَغُ الْوُضُوءَ فِي الْمَسْبَرَاتِ وَنَقَلَ

در خواب باشد و کفار و کفار آنرا پس وضو آن کردن در سردی و در دم
الاقْدَامَ إِلَى الْجَمَارَاتِ وَانْتَظَرَ الصَّلَاةَ بَعْدَ الصَّلَاةِ وَقَالَ جَبْرَائِيلُ

برداشتن بر آس جومات نماز و انتظار نماز بپسیدن بعد از نماز و جبرئیل گفت
يَا مُحَمَّدُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَشْرًا شَبَّتَ فَإِنَّكَ مَيِّتٌ وَحَبِيبٌ

ای محمد صلی الله علیه و سلم بزرگ تا آنکه خواهی پس آنوقت بیستین مرتبه هستی تا با هر که خواهی صحبت
شَبَّتَ فَإِنَّكَ مَفَارِقُهُ وَعَمَلٌ مَا شَبَّتَ فَإِنَّكَ هَجْرِيٌّ بِقَوْلِ

گزین پس بیستین نواز و جدا شوند و کن هر چه خواهی پس بیستین جزی آن خواهی بافت
النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ثَلَاثًا تَفَرُّظُهُمُ اللَّهُ تَحْتَ ظِلِّ

بنی صلی الله علیه و سلم سه مرتبه که تمام کسان اند که خدا سایه خواهد داد آنان را زیر سایه
عَرْشِهِ يَوْمَ رَاحِلِ الْأَضْلَى الْمُتَوَصَّى فِي مَكَارِهِ وَالْمَأْتِي إِلَى

عرش آن روز که بیخ سایه نخواهد بود و جزی سایه آن و شو کننده در تکلیفات و درنده سوسه
الْمَسْجِدِ فِي الظُّلِّ وَمَطْعُ الْجَائِعِ وَقَبِيلُ لِبَرَاهِيمَ لَيْ شَيْءٌ

مسجد در تاریکیها و غذایانده طعام گرسنه و آزار بر امیم علیه السلام پس بیست مرتبه عمل
أَخَذَكَ اللَّهُ خَيْلًا قَالَ بَثَلْتُهُ أَشْيَاءَ أَخَذَتْ أَمْرَ اللَّهِ تَعَالَى

الله تعالی ترا خلیل ساخت جواب داد از شدت عمل بر گردیم حکم الهی را
عَلَى أَمْرِ غَيْرِهِ وَوَأَهْتَمَّتْ بِمَا تَكْفُلُ اللَّهُ لِي وَأَقْسَمْتُ

بر حکم غیر خودی و دعت برنگی شتم بر آس چیزیکه الله تعالی برای من قرار داده است و خودم را
وَأَتَعَدَّيْتُ الْأَمْعَ الضَّيْفِ وَعَنْ بَعْضِ الْحُكَمَاءِ بَثَلْتُهُ أَشْيَاءَ

و در طعام چاشت گریامان در بیخه عکس استغفول است
تَفْرِيحِ الْعَصَصِ كَرَّمَ اللَّهُ تَعَالَى وَلِقَاءِ أَوْلِيَانِهِ وَكَلِمَاتِ الْحُكَمَاءِ

که بکشت نیاید اندوه ارا با آوردن الله تعالی را و ملاقات کردن با دوستان او و اقوال حکیمان

فصل فی بعض احوال و شرفین
در بعض احوال و شرفین
در بعض احوال و شرفین

الشَّيْطَانُ فَلَيْسَ بِرَفِيقِ الْمُؤْمِنِينَ وَلَا نُوْحًا وَلَا فُلَيْسَ حَمْرًا

شیطان من گواہین رفیق مؤمنان نیست هیچکس اسبج به که اینجانب

لِلْمُؤْمِنِينَ وَعَنْ أَبِي سُلَيْمَانَ الدَّرَّاجِيِّ أَنَّهُ قَالَ فِي الْمَنَابِقِ

المُهَيَّبَةِ لَمَّا كَلَّمْتَنِي بِذُنُوبِي كَلَّمْتَنِكَ بِعَفْوِكَ وَلَمَّا كَلَّمْتَنِي

بِجَنَّةِ لَطْمَتِكَ بِسَخَائِكَ وَلَمَّا كَلَّمْتَنِي النَّارَ أَخْبَرْتِ أَهْلَهَا

النَّبَاتَانِي بِحُبِّكَ وَقِيلَ لَسَعْدُ النَّاسِ مَنْ لَقِيَ قَلْبَ عَالِمٍ وَ

بَدَنُ صَابِرٍ قَنَاعَتُهُمَا فِي الْيَدِ وَعَنْ إِبْرَاهِيمَ النَّخَعِيِّ أَنَّهُ

هَلَكَ مِنْ هَذَا قَبْلَكُمْ بِثَلَاثِ خِصَالٍ يَفْضُولُ الْكَلَامَ فَخْضُولُ الطَّعَامِ

وَفْضُولُ الْمَنَامِ وَعَنْ جَمِيٍّ بَيْنَ مَعَاذِ الرَّازِيِّ لِحَوْلِي مَنَازِلِي

الَّتِي قَبْلَ أَنْ تَتْرُكَ وَبَنِي قَبْرِي قَبْلَ أَنْ يَدْخُلَهُ وَأَرْضِي بَنِي

قَبْلَ أَنْ يَلْقَاهُ وَعَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ أَنَّهُ سَمِعَ رَسُولَ اللَّهِ

مادامه در خوابان در خوابان

در خوابان در خوابان در خوابان

شیطان من گواہین رفیق مؤمنان نیست هیچکس اسبج به که اینجانب

مؤمنان نیست و از ابوی سلیمان در آنجا که او در آنجا گفت

ای ای که تو مطهرین بگناه من خواهی کرد من البته ترا بخونم

بجای من خواهی کرد البته من ترا بر سخاوت تو طلب خواهم کرد و اگر تو مرا بد فریب و غل خواهی کرد البته در آنجا

چیز خواهم کرد که من بخا و دست میدارم فلان و میگویی سخاوت من ترا از گمان اوست که برای او نیست عالم

بنی است سیر کننده و قناعت است بر آنکه در دست اوست و از ابراهیم که آردین است

بیشک هر که هلاک شد پیش از هلاک شدن سه خصال بفرمودی کلام و نظر دلی طعام

و افزون خواب و آرزوی بی بین معاذ رازی روایت است مگر با او او که دنیا را

گذشت پیش از آنکه دنیا او را گذارد و قبر را از سینه کرد پیش از آنکه افران در آید و پروردگار خود را

خوشنود کرد پیش از آنکه از او لافان کند و از علی بن ابراهیم است که هر که نباشد در دست خدا و رحمت

رسول او سینه او لیا که نیست بدی شی قبل له ما سینه الله

رسول او دست دوستان او پیش بخت و دست او چیزی نمی برسد بهیست سنت خدا

قَالَ كَيْفَانِ السَّرُوفِ قِيلَ مَا سَنَتُهُ الرَّسُولُ قَالَ لِمُبَدَّارَةَ بَيْنَ النَّاسِ

گفت بوشیدنی ساز ویدرسید چه سنیست برعل گفت آشنی دوشمن باکن است

وَقِيلَ مَا سَنَتُهُ أَوْ لِيَايَتِهِ قَالَ حَيْثُ قَالَ لِأَذَى عَنِ النَّاسِ وَكَأَنَّ أَمْرًا

ویرسید چه سنیست اولیاد او گفت تحمل تکلیف انکسان وچینین و سبت

قَبْلَنَا تَبَاوَضُوا مِنْ شَيْءٍ خِصَالٍ أَيْ تَبَاوَضُوا مِنْ عَمَلٍ لِأَخْرَجَتْهُ كَفَاهَا

میکردند بیهضلت وآنرا نوشته میدادند بر عمل پرماست آخرت خود میکند

اللَّهُ مَرْدِيْنَهُ وَدِيْنِيَّاهُ وَمَنْ لِحَسَنِ سِرِّهِ تَهَ أَحْسَنَ اللَّهُ عِلَانِيَّتَهُ

خدا برای امر دین و دینیای او کفایت میکند و هر که باطن خود نیک و بسیار خدای ظاهر او را نیکو سازد

وَمَنْ أَصْلَهُ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ أَصْلَهُ اللَّهُ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ النَّاسِ

وهر که باطن خود و خدا اصلح میکند خدا آنرا باطن او و هر که آن اصلح پیدا میکند

وَعَنْ عَلِيٍّ كُنِيَ عِنْدَ اللَّهِ خَيْرَ النَّاسِ وَكُنِيَ عِنْدَ النَّفْسِ شَرَّ النَّاسِ

بدرستی علی نزد خدا بهترین کن نامش و در خیال خویش بدترین کن نامش

وَكُنِيَ عِنْدَ النَّاسِ جَلًّا مِّنَ النَّاسِ قِيلَ وَحَىٰ لِلَّهِ تَعَالَىٰ إِلَىٰ عَزِيْرٍ

نزدیک خلاق یکی از آن میان باش تیکویند که الله تعالی بسوی عزیز می رسد

النَّبِيِّ قَالِ يَا عَزِيْرُ إِذَا ذُنِبْتَ تَبَا صَغِيرًا فَلَا تَنْظُرْ إِلَىٰ الصَّغِيرِ

ز سناد پس فرمود ای عزیز چون گناه صغیره بعمل آری پس بسوی صغیر نگاه کن

وَأَنْظُرْ إِلَىٰ مَنِ الَّذِي ذُنِبْتَ لَهُ وَإِذَا أَصَابَكَ خَيْرٌ لِّسِيرٍ فَلَا

بک بسوی آنکس نگاه کن که نازمانی او کرده و اگر ترا مال اندک حاصل شود پس

تَنْظُرْ إِلَىٰ الصَّغِيرِ وَأَنْظُرْ إِلَىٰ مَنِ الَّذِي دَرَزَكَ وَإِذَا أَصَابَكَ

بسوی قلت آن نگاه کن بک بسوی آنکس نگاه کن که ترا داده است بدون

بَلِيَّةٍ فَلَا تَشْكُرِي إِلَىٰ الْخَلْقِ كَمَا لَا تَشْكُرِي إِلَىٰ مَلِكِيَّتِي

بلائی برسد پس شکایت ما بیک خلق نکن چنانکه اشکایت تو پیش فرستگان نمیکند

نفس
میرا در دنیا و آخرت
که با خلق موالفت کنی
نورانی و چنان است که باید
چون آن صغیری آن را در
پس چنان که است بکلیان
لی آن میرا در دنیا

عربی

اِذَا صَعِدْتُ إِلَى مَسَافِيكَ وَعَنْ حَاتِيكَ الْأَصْوَابُ مَا مِنْ صَبَاحٍ

هرگاه میرسد بسوی ما بی پای تو ملازحائم اسم منقول است فرسخ کرده و در

الْأَوْ يَقُولُ الشَّيْطَانُ لِي مَا تَأْكُلُ وَمَا تَلْبَسُ وَأَيْنَ تَسْكُنُ فَأَقُولُ

شیطان مرا می گوید چه خواهی خورد و چه خواهی پوشید و کجا خواهی اندیشی بگویم

لَهُ أَكْلُ الْمَوْتِ وَاللَّيْسُ الْكُفْرُ وَأَسْكُنُ الْقَبْرَ وَعَنْ النَّبِيِّ صَلَّى

او را خواهم خورد موت را و خواهم پوشید کفر را و خواهم ماند در گور و از نبی صلی

اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْ خَرَجَ مِنْ ذَلِ الْعَصِيَةِ إِلَى عِزِّ الطَّاعَةِ انْعَاهُ

اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و این است هر که از خواری نافرمانی بسوی عزت عبادت برداند

اللَّهُ تَعَالَى مِنْ غَيْرِ مَا لِي أَيْدِيَهُ مِنْ غَيْرِ حَيْدٍ وَأَعْرَافَهُ مِنْ غَيْرِ عَشِيرَةٍ

اللَّهُ تَعَالَى او را چون آن چیزی خواهد بود و بعد از شکر آید او خواهد بود و بدون نیل و شکر در آن در عزت خواهد بود

وَرَوَى أَنَّهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ خَرَجَ ذَاتَ يَوْمٍ عَلَى أَصْحَابِهِ فَقَالَ

و روایت است که حضرت علیه السلام روزی بر اصحاب رسید فرمود

كَيْفَ اصْبَحْتُمْ قَالُوا اصْبَحْنَا مُؤْمِنِينَ بِاللَّهِ فَقَالَ مَا عِلْمُكُمْ

بر چه حال صبح کردید صحابه عرض کردند صبح کردیم که ایمان میداریم بخدا باز پرسید چیست علامت

إِيْمَانِكُمْ قَالُوا نَصِرُ عَلَى الْبِلَاءِ وَنَشْكُرُ عَلَى الرَّخَاءِ وَنَرْضَى

ایمان شما عرض کردند بر صیبت صابر هستیم در مصیبت شکر میگذاریم در رخصا

بِالْقَضَاءِ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْتُمْ مُؤْمِنُونَ حَقًّا وَرَبِّ

راضی هستیم پس حضرت علیه السلام فرمود شما بیشک مومن هستید مسمی است. یہ برود کار

الْكَتَبَةِ أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى مَعْضِ الْأَنْبِيَاءِ مِنْ لَقِينِهِ وَهُوَ

کتابت خدا تعالی بر کدامی نبی و سے فرستاد که هر که با همین کتابت کند

لِيَجْنِيَ أَجْرَهُ حَتَّى وَمَنْ لَقِينَهُ وَهُوَ لِيَأْتِيَنِي مِنْ جَنَّةِ نَارِي

باین حال که او مجرب آید و مراد از لقیتم کرد او است خود هر که تلاک کند با من پس حال کند که هر که در این کتابت در آید

نسخه از کتابت در این کتابت
مطابق با کتابت در این کتابت
در وقت خواب و در وقت
در وقت نماز و در وقت

مَنْ لَقِيََهُ وَهُوَ سَجِيٌّ مَنِ اسْتَبَتَ الْحَفْظَةَ ذُنُوبَهُ وَعَمَرَهُ

عَبْدُ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ إِذْ افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَيْكَ تَكُنْ عَبْدَ النَّاسِ

وَأَجْتَنِبْ حَرَامَ اللَّهِ تَكُنْ أَرْهَدَ النَّاسِ أَرْضَ مَا قَسَمَ اللَّهُ

لَكَ تَكُنْ أَخْبَى النَّاسِ وَعَنْ صَالِحِ بْنِ الْمُرْقَدِيِّ أَنَّهُ مَرَّ

بِعَصْرِ لَدَى يَارِ فَقَالَ يَا دِيَارَ أَيْنَ أَهْلُكَ الْأَوْلُونَ وَأَيْنَ

عَمَّا زَكَ الْيَا ضُونَ وَأَيْنَ سَكَانِكَ الْآقْدَمُونَ فَهَتَفَ بِهِ

هَاتِفٌ أَنْ قَطَعَتْ أُنَارَهُمْ وَبَلَبَتْ تَحْتَ التُّرَاكِجِيَامِ

وَقَبِيَتْ أَعْمَالَهُمْ قَدْ رَدَدْتُ فِي أَعْنَاقِهِمْ وَعَنْ عَلِيِّ تَفَضَّلَ

عَلَى مَنْ شِئْتَ فَأَنْتَ أَمِيرَةٌ وَأَسْأَلُ عَمَّنْ شِئْتَ فَأَنْتَ أَسِيرَةٌ

وَأَسْتَعْنُ عَمَّنْ شِئْتَ فَأَنْتَ نَظِيرَةٌ وَعَنْ جَعْفَرِ بْنِ مَعَاذٍ

لِللَّهِ عَلَيْهِ تَرَكَ الدُّنْيَا كُلَّهَا أَخَذَهَا كُلُّهَا مَنْ تَرَكَهَا كُلَّهَا أَخَذَهَا

من
یعنی آنچه بود که
مومن آن پادشاه
پس اعمالشان
قلمداد کردن
شان بشمارند
از آن استگاری
است

من لقیته وهو ساجی منی استبت الحفظه ذنوبه وعمره
عبد الله بن مسعود اذا افترض الله عليك تكن عبد الناس
واجتنب حرام الله تكن ازهد الناس ارض ما قسم الله
لك تكن اخفى الناس وعن صالح بن المرقدي انه مر
بعصر لذي يار فقال يا ديار اين اهلك الاولون و اين
عمائك الماضون و اين سكانك الاقدمون فهتف به
هاتف انقطعت انارهم و بلبت تحت التراجيام
وقبيت اعمالهم قد رددت في اعناقهم و عن علي تفضل
على من شئت فانت اميرة و اسأل عن من شئت فانت اسيرة
و استعن عن من شئت فانت نظيرة و عن جعفر بن معاذ
للله عليه ترك الدنيا كلها اخذها كلها من تركها كلها اخذها

كُلِّهَا وَمِنْ أَخْذِهَا كَلِّهَا تَمَّ كَلِّهَا فَأَخْذَهَا فِي تَمَّ وَأَخْذَهَا

فِي أَخْذِهَا وَعَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ الْأَدْمِ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ ابْنَهُ قِيلَ

لَهُ بِمَا وَجَدْتَ الرَّهْدَ قَالَ ثَلَاثَةَ أَشْيَاءَ رَأَيْتُ الْقَبْرَ مَوْجِئًا

وَلَيْسَ مَعِيَ مَوْسَى رَأَيْتُ طَرِيقًا طَوِيلًا وَلَيْسَ مَعِيَ كَاهِنٌ

وَرَأَيْتُ الْجِبَارَ قَضِيًّا وَلَيْسَ مَعِيَ حِجَّةٌ وَعَنْ الشَّيْبَانِيِّ رَحِمَهُ

اللَّهُ وَهُوَ مِنْ عِظَاءِ الْعَارِفِينَ قَالَ لَهُ ابْنُ أَبِي حَبِيبٍ

أَهَبْ لَكَ جَمِيعَ حَسَنَاتِي مَعَ فُقْرِي وَضَعْفِ فَكَيْفَ لَأَتُحِبَّ

سَيِّدِي أَنْ تَهْبِي لِي جَمِيعَ سَيِّئَاتِي مَعَ غِنَاكَ مَوْلَايَ عَنِّي

وَقَالَ ذَاكَ رَدَّتْ أَنْ تَسْأَلَ نَسْرًا بِاللَّهِ فَاسْتَوْحِشْ مِنْ

نَفْسِكَ وَقَالَ لَوْ ذَقْتُ حَلَاوَةَ الْوَصْلَةِ لَعَرَفْتُ مَرَارَةَ

الْقَطِيعَةِ وَعَنْ سُفْيَانَ الثَّوْرِيِّ رَحِمَهُ اللَّهُ أَنَّهُ سَأَلَ

تمام آنرا و هر که گرفت آنرا تمام
نزل کرده آنرا تمام آنرا پس که گفتن آن و نزل کرد
در گفتن آن و قاز
ابراہیم بن آدم
رحمة الله منقول است که از روایت
بچه چیز یافتی
نهدا گفت بیه چیز
دیوم
بیزا جا جوش
دینت با من مونس
دیوم
را او را پس دراز و راست
نوشت
دیوم
که با جبار حاکم
دینت با من سندی
داز
سبلی بر الله
که از
کار
عاریفین است منقول است گفت این من
موجب میدارم که
به چشم تو
تمام حسان خویش با آنکه حاجتند و ناتوان بر من پس بگو
موجب میداری
ای سردار من که به بخشش من
جدا
گفتا چون مرا با آنکدامی مولان سوال بنای است از من
و گفت هرگاه خواهی که نفس گیری
با خدا پس وحشت
کبر از
ذات خویش
و گفت اگر شما
حلاوت
وصال من چه پدید بدینگی
نمیکنند
مخ
فراق یافتی
داز
سفیان
ثوروی
رحمة الله منقول است که از روایت
سید

عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ إِنْ لَمْ يَسْتَأْذِنْ بِكَلِمَةٍ وَجَبَتْ

صِدْقُهُ وَإِنْ لَمْ يَسْتَأْذِنْ بِكَلِمَةٍ وَجَبَتْ صِدْقُهُ وَإِنْ لَمْ يَسْتَأْذِنْ بِكَلِمَةٍ وَجَبَتْ

عَمَّا أَنْتَ قَالَ الرَّهْدُ ثَلَاثَةٌ أَحْرَفُ الزَّيِّ وَهَاءُ وَذَالُ الْفَرْزِيِّ

زَادَ الْبَعَادُ وَالْهَاءُ هَدَى لِلدِّينِ وَالذَّالُ دَامَ عَلَى الطَّاعَةِ وَقَالَ

فِي مَوْضِعٍ آخَرَ الرَّهْدُ ثَلَاثَةٌ أَحْرَفُ الزَّيِّ تَرْكُ الرِّبَا وَالْهَاءُ

تَرْكُ الْهَوَى وَالذَّالُ تَرْكُ الدُّنْيَا وَعَنْ حَامِدِ اللُّقَاوِيِّ

اللَّهُ أَنْتَ قَالَ نَاهٍ حَلَّ فَقَالَ لَهُ أَوْصِنِي فَقَالَ اجْعَلِ الدِّينَ

عِلْفًا فَكَفَلْنَا وَالمُصْحَفِ قِيلَ لَهُ مَا عِلْفُ الدِّينِ قَالَ لَهُ

تَرْكُ الْكَلَامِ الْأَمَّا لَا يَبْدُ مِنْهُ وَتَرْكُ الدُّنْيَا إِلَّا مَا لَا

مِنْهُ وَتَرْكُ فَخَالِطَةِ النَّاسِ إِلَّا مَا لَا يَبْدُ مِنْهُ ثُمَّ

أَعْلَمَ أَنَّ أَصْلَ الرَّهْدِ الْأَجْتِنَابُ عَنِ الْحَاظِرِ كَبِيرِهِ

Handwritten marginal notes in Persian script, providing commentary and explanations for the main text. The notes are written in a cursive style and are interspersed between the main lines of text.

Handwritten marginal notes on the right side of the page, continuing the commentary and providing additional context or examples related to the main text.

وَصَغِيرَهَا وَأَدَاءَ جَمِيعِ الْفَرَائِضِ بِسَبْرٍ وَعَسِيرَهَا وَتَزَلُّ
وَعُزْرَاتٍ واد کردن تمام ذرایض را سهل گان و دشواران و گذشتن

الَّذِينَ عَلَىٰ أَهْلِيهَا قَلِيلٌ وَكَثِيرَهَا وَعَنْ لُقْمَانَ الْحَكِيمِ
وینا بسیار و نیکه اگر آن را و بسیاری آن را آواز لقمان حکیم منقول است

أَنَّهُ قَالَ لِأَبِيهِ يَا بَنِيَّ إِنَّ النَّاسَ ثَلَاثَةٌ أَثَلَّتْ ثَلَاثَ لُحَمٍ
که بپسر خود گفت ای پسر من انسان را سه حصه است ازت سهام یک حصه سهام یکی

ثَلَاثَ لُحَمٍ لِنَفْسِهِ وَثَلَاثَ لِدِينِهِ وَثَلَاثَ لِمَا هُوَ لِلَّهِ فِرْوَجُهُ وَمَا هُوَ
و یک لقمه برای ذات اوست و یک لقمه او برای کرم است پس آن حصه که برای خداست روح اوست و آنکه

لِنَفْسِهِ فَعَمَلٌ وَأَمَّا مَا هُوَ لِلدِّينِ فَحَسْبٌ وَعَنْ عَلِيِّ كَرَّمَ اللَّهُ
برای ذات اوست پس عمل اوست و آنکه برای کرم است پس حس اوست و از علی کرم الله

وَجْهًا أَنَّهُ قَالَ ثَلَاثَةٌ يَزِدُّنَ فِي لِحْفِظِ وَيَذْهَبْنَ الْبَلَمُ
وجه روایت است که فرمود سه چیز اند که در حافظه قوت رسانند و بفرم را دور کنند

السُّوَاكُ وَالصُّومُ وَقِرَاءَةُ الْقُرْآنِ وَعَنْ كَعْبِ الْأَحْبَارِيِّ
سواک کردن و روزه و نجات و تلاوت شعران آواز کعب احبار رضی الله عنه

اللَّهُ عَنْهُ الْخَصُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ مِنَ الشَّيْطَانِ ثَلَاثٌ لِحْفِظِ
روایت است برای مؤمنان حصار از شیطان از شیطان سه لقمه است

حِصْنٌ وَذَكَرَ اللَّهُ حِصْنٌ وَقِرَاءَةُ الْقُرْآنِ حِصْنٌ وَعَنْ
حصار است و یاد نگاری خدا تعالی یک حصار است و تلاوت شعران یک حصار است آواز

بَعْضِ الْحُكَمَاءِ أَنَّهُ قَالَ ثَلَاثٌ مِنْ كَثْرَةِ اللَّهِ تَعَالَى لَا يُعْطِيهَا اللَّهُ
که ای حکیم منقول است سه چیز است از حسن زینیه الهی است که نمی بخشد آنرا خدا

الْأَمْنُ أَحَبُّهُ الْفَقْرُ وَالْمَرْضُ وَالصَّبْرُ وَعَنْ مَبْنِ عَبَّاسٍ
گر جهان کسی را که دست میداد او را فقر و مرض و صبر است آواز ابن عباس رضی الله عنهما

این سه چیز است که در حافظه قوت رسانند و بفرم را دور کنند
سواک کردن و روزه و نجات و تلاوت شعران
کعب احبار رضی الله عنه
روایت است برای مؤمنان حصار از شیطان از شیطان سه لقمه است
حصار است و یاد نگاری خدا تعالی یک حصار است و تلاوت شعران یک حصار است
که ای حکیم منقول است سه چیز است از حسن زینیه الهی است که نمی بخشد آنرا خدا
گر جهان کسی را که دست میداد او را فقر و مرض و صبر است
آواز ابن عباس رضی الله عنهما

رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَحْسَنَ سَبِيلٍ خَيْرَ أَيَّامٍ وَخَيْرَ الشُّهُورِ

روز نیکترین بر همه راهها و خیرترین ماهها و روز نیکترین ماهها و خیرترین روزها

خَيْرَ الْأَعْمَالِ فَقَالَ خَيْرَ أَيَّامٍ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَخَيْرَ الشُّهُورِ

خیرترین اعمال پس گفت بهترین روزها روز جمعه است و خیرترین ماهها ماه رمضان است

شَهْرَ رَمَضَانَ وَخَيْرَ الْأَعْمَالِ الصَّلَاةُ الْحَسَنَةُ لَوْ قُتِلَ

ماه رمضان است و نیکترین اعمال نماز پنجگانه است بوقت آن

أَقْرَبُ عَلَى خَيْرِكِ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ قَبْلَهُ عَلَيْهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ

ببین سخن سه روز گذشته بعد از آن این خبر بر علیه رضى الله عنه رسیده که

ابن عباس رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ سَأَلَ عَنْ ذَلِكَ فَأَجَابَ بِكَذَا

از ابن عباس رضی الله عنهما چنین پرسیدند و جان جواب داد

فَقَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي تَالِبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ لَوْ سَأَلَ الْعُلَمَاءُ وَالْحُكَمَاءُ وَالْفُقَهَاءُ

پس علی بن ابی طالب رضی الله عنهما عرض کردند اگر جمیع علماء و حکما و فقها

مَنْ لَشَرْقٍ إِلَى الْمَغْرِبِ لَمَا أَجَابُوا بِمِثْلِ مَا أَجَابَ بِهِ ابْنُ عَبَّاسٍ

از مشرق تا مغرب بر سیده میشدند بزرگ جواب میدادند مثل آنکه ابن عباس جواب داد

إِلَّا أَنِّي أَقُولُ إِنَّ خَيْرَ الْأَعْمَالِ مَا يَقْبَلُ اللَّهُ تَعَالَى مِنْهُ وَخَيْرَ

مگر من میگویم که بهترین اعمال آنست که آنرا الله تعالی از تو قبول کند و بهترین

الشُّهُورِ مَا تَتُوبُ فِيهِ إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَصُوحًا وَخَيْرَ أَيَّامٍ مَا تَخْرُجُ

ماهها آنست که در آن بسوی خدا رجوع کامل کنی و بهترین روزها آنست که در آن

فِيهِ مِنَ الذَّنْبِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مُؤْمِنًا بِاللَّهِ وَقَالَ الشَّاعِرُ اشْعَرُ

با ایمان بر خدا از دنیا بیرون بسوی بسوی خدا تعالی و شاعر اشعر

وَحَنُّ نَعْبَةٍ فِي سِرِّهِ وَأَعْلَانِ

و اما در ظاهر و باطن باز بجهت سیرت

مَا تَرَى كَيْفَ يَلْمِئُنَا الْجَدَانِ

ای نمایی چگونه می از ما نهاده را در وقت شب

لَا تَرْتَكِنَنَّ إِلَى الدُّنْيَا وَفِيهَا
برگز اهل مشربوی دینا و تحت ان

فَإِنَّ أَوْطَانَهَا لَيَسْتَبِطُّهَا
او بلکه قیام دینا و وطن من مردم است

وَعَمَلِ النَّفْسِ مِنْ قَبْلِ الْمَوْتِ
و عمل کن برای خویش پیش از مردن

تَعْرِفُ كَثْرَةَ أَصْحَابِ قُلُوبِهَا
پس فریب ندهد ترا بسیاری ایوان و برادران

وَقِيلَ ذَا رَادَ اللَّهُ بَعْدَ خَيْرِ أَفْقِهِ
و گفته اند وقتیکه اله تعالی بآینده اراده نیک بفرماید پس او را همیشه دروین و تمارک

فِي الدِّينِ رَهْدًا
در دینا و بعضیهای ذات خویش بنا میکند

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ حَبِيبِي
روایت است که فرموده باراز دینا تا

عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
از رسول اله صلی اله صلی علیه و سلم

النِّسَاءُ وَجِلَّتْ قَرَّةَ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ
زنان فل و فتنه چنان من در نماز است و آنوقت با آنحضرت اصحابه

وَأَقْرَبَتْ بَأْخَرَتِ اصْحَابِي
و نزدیک تر شد پس ابوبکر صدیق رضی اله تعالی عنه عرض کرد یا رسول

جَوْسَاقًا قَالَ تُوْبِكُنَّ الصِّدِّيقُ رَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُ
نشسته بودند پس ابوبکر صدیق رضی اله تعالی عنه عرض کرد یا رسول

رَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُ
رضی اله تعالی عنه عرض کرد یا رسول

بَارِسَ رَسُولَ اللَّهِ وَحَبِيبِي مِنَ الدُّنْيَا
رست فرمودی و بسوی من از دینا سرچرخنده نشسته اند دیدن بسوی دی پاک

وَأَنْتَ كُنْتَ بَيْنَ يَدَيْهِ
و تو بودی در نماز است و آنوقت با آنحضرت اصحابه

رَسُولِ اللَّهِ وَانْفَاقَ مَا لِي عَلَى رَسُولِ اللَّهِ
رسول اله صلعم دخرج کردن ال خود بر رسول اله صلعم و اینکه باشد و خرمین

وَأَنْتَ كُنْتَ بَيْنَ يَدَيْهِ
و تو بودی در نماز است و آنوقت با آنحضرت اصحابه

لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُ
بزد و جنت رسول اله صلعم بعد از آن عمر گفت

وَأَنْتَ كُنْتَ بَيْنَ يَدَيْهِ
و تو بودی در نماز است و آنوقت با آنحضرت اصحابه

وَعَمَلِ النَّفْسِ مِنْ قَبْلِ الْمَوْتِ
و عمل کن برای خویش پیش از مردن

وَأَنْتَ كُنْتَ بَيْنَ يَدَيْهِ
و تو بودی در نماز است و آنوقت با آنحضرت اصحابه

وَأَنْتَ كُنْتَ بَيْنَ يَدَيْهِ
و تو بودی در نماز است و آنوقت با آنحضرت اصحابه

وَأَنْتَ كُنْتَ بَيْنَ يَدَيْهِ
و تو بودی در نماز است و آنوقت با آنحضرت اصحابه

و تخر و فها

و تخر و فها

و تخر و فها

و تخر و فها

و تخر و فها

و تخر و فها

و تخر و فها

و تخر و فها

والتوب الخلق فقال عثمان رضي الله عنه صدقت يا عمر وحب

الی من الدنيا ثلث اشياء الجوع وكسوة العرب وتلاوة القرآن

فقال علي رضي الله عنه صدقت يا عثمان وحب لي من الدنيا

ثلاث الخدي للضعيف والضعف في الصيف والضرب بالسيف

فبينما هم كذلك اذ جاء جبرئيل وقال رسلي الله تبارك وتعا

لما سمع مقاتلكم وامرك ان تسئلني عما احب ان كنت من

اهل الدنيا فقال ما ثببت اذ كنت من اهل الدنيا فقال

ارشاد الضالين وموانسة الغرباء القانتين ومعاونة اهل

العباء اللعسرين وقال جبرئيل انك تبارك العزة جل جلاله

عبادة ثلث خصال البذل الاستطاعة والبيكا عند الندامة والصد

عند الفاقة وعن بعض الحكماء من اعتصم بعقله ضل و

منه
بچه بركه بركه
گرددن و در درگاه بزرگان
داشتن بسيار مشورت
عبدالله بن عباس
چنين فرموده است

منه
نعمی در عبادت حق
طاعت الرحمن اراد
فواضلت الارض لان
خود را مال زود و در وقت
مسارعت حق بگوشش
و نسیب
در عبادت حق بگوشش
و نسیب
در عبادت حق بگوشش
و نسیب

[Marginal notes on the left side of the main text block, including 'ابو برد بن جابر' and 'ابو عثمان']

مِنْ اسْتَعْتَبَ بِمَا لِي قَبْلَ وَمَنْ عَزَّ بِمَخْلُوقٍ ذَلَّ وَعَنْ بَعْضِ الْحُكَمَاءِ
 بِرَكْمَةٍ تَوَافَرِي خَوْفَتِ اِزْهَالِ لَوْنِ عُلْسِ شُودِنِ وَبِرَكْمَتِ حَمْتِ اِزْخَلُوقِ غَارِ شُودِ اَزْكَ اِجْمَعِ مِمَّنْ قَوْلِ
 ثَمَرَةُ الْمَعْرِفَةِ ثَلَاثُ خِصَالٍ الْحَيَاءُ مِنْ اللَّهِ تَعَالَى وَالْحُبُّ فِي اللَّهِ
 مَرُوعِيَّتِ مَسْخَلَتِ اِنَّ اِنَّ اللّٰهَ تَعَالَى يَافِزُ رِيْدِيْنَ وَحُبِّتِ مَا كَسَى حَاجِزِ
 وَالْأَسَى بِاللَّهِ وَعَنْ النَّبِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ لِعَبْدَةِ
 دَا اَسْ كَرَفْتِنِ اِخْتَا دَا زِ بِنِي عَلِيْهِ السَّلَامِ رُوِيْتِ هَيْتِ كَرَفَرُوْدِ مَحَبَّتِ
 أَسَاسُ الْمَعْرِفَةِ وَالْبَعِيَّةُ عَلَاقَةُ الْيَقِيْنِ وَرَأْسُ الْيَقِيْنِ التَّقْوَى
 بِنِيَادِ مَعْرِفَتِ هَيْتِ وَبِرِيْمِيْزِ كَارِيْمِيْنَ اِنِ اِيْقِيْنِ هَيْتِ وَاصِلِ اِيْقِيْنِ تَقْوَى هَيْتِ
 وَالرِّضَى بِمَقْدِرِ اللَّهِ تَعَالَى وَعَنْ سَفِيَّانَ بْنِ عَيْبَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ
 وَرَاضِيْ بُوْدِنِ بَاقِدِيْرِ سَلَمَةَ دَا زِ شِيْمَانِ بِنِ عَيْبِيْتِ رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُ رُوَايَتِ هَيْتِ
 قَالَ مَنْ أَحَبَّ اللَّهَ أَحَبَّ مِنْ أَحِبِّهِ اللَّهُ تَعَالَى وَمَنْ أَحَبَّ مِنْ
 هَرَكِ خَدَارِ دُوْسْتِ دَا رُوْدُوْسْتِ دَا زِ دُوْسْتِ اِنْدَا كَدُوْسْتِ مِيْدَا رِ دُ خَدَا اِلْحَا نِ اُوْبِرْ كَرِ دُوْسْتِ دَا رِ
 أَحِبَّهُ اللَّهُ تَعَالَى أَحَبَّ مَا أَحَبَّ فِي اللَّهِ تَعَالَى وَمَنْ أَحَبَّ
 اِنْدَا كَدُوْسْتِ دُوْسْتِ اِيْشَانِ خَدَا اِيْنِ دُوْسْتِ خُوَا هَيْتِ اِنِ چِيْرَا كَدُوْسْتِ مِيْدَا رِ دَا اَزَادِ رُوَا خَدَا اِنِ
 مَا أَحَبَّ فِي اللَّهِ تَعَالَى أَحَبَّ اَنْ لَا يَغْرِبَ النَّاسُ وَعَنْ
 اِنِ چِيْرِيْ كَرِ مَحْبُوْبِ شُدِهْ خُوَا رَاهِ خَدَا اِيْنِ دُوْسْتِ خُوَا هَيْتِ اِيْنْدَا اُوْرَا كَسِيْ شَانِدَا دَا زِ
 النَّبِيِّ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ صِدْقُ الْعِبَادَةِ فِي
 بِنِي عَلِيْهِ الصَّلَاةِ وَالسَّلَامِ رُوِيْتِ هَيْتِ كَرَفَرُوْدِ رَهْمِيْ مَحَبَّتِ دَرِ
 ثَلَاثُ خِصَالٍ أَنْ يَخْتَارَ كَلَامَ حَبِيْبِهِ عَلَى كَلَامِ غَيْرِهِ
 مَسْخَلَتِ هَيْتِ كَرِ بِيْنِدِ دُوْ كَلَامِ مَحْبُوْبِ خُوْدِرَا هَرِ كَلَامِ غَيْرُوْ
 وَيَخْتَارَ مَجَالِسَةَ حَبِيْبِهِ عَلَى مَجَالِسَةِ غَيْرِهِ وَيَخْتَارَ
 دَرِ بِيْنِدِ اِيْشِيْنِيْ مَحْبُوْبِ خُوْدِرَا هَرِ اِيْشِيْنِيْ غَيْرُوْ دَرِ بِيْنِدِ

فَمَنْ اسْتَعْتَبَ بِمَا لِي قَبْلَ
 اِنْ جِيْرِيْ اِيْشِيْنِيْ
 وَرُوِيْتِ اِيْشِيْنِيْ
 مَحَبَّتِ
 فَمَنْ اسْتَعْتَبَ بِمَا لِي قَبْلَ
 اِنْ جِيْرِيْ اِيْشِيْنِيْ
 وَرُوِيْتِ اِيْشِيْنِيْ
 مَحَبَّتِ
 فَمَنْ اسْتَعْتَبَ بِمَا لِي قَبْلَ
 اِنْ جِيْرِيْ اِيْشِيْنِيْ
 وَرُوِيْتِ اِيْشِيْنِيْ
 مَحَبَّتِ

وَمِنْهَا الْإِخْرَاجُ لِكُلِّ عَمَلٍ وَقِيلَ الْعِبَادَةُ حَرْفٌ وَمِنْهَا تَوْجُوهٌ

الْحَلْوَةُ وَرَأْسُهَا التَّقْوَىٰ وَرَبْحُهَا الْجَنَّةُ قَالَ مَالِكٌ

بَن دِيكَارٌ أَحْسَنُ ثَلَاثًا بَشَرًا حَتَّىٰ تَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ الْكَبِيرِ

بِالتَّوَضُّعِ وَبِالْحِرْصِ بِالقَنَاعَةِ وَبِالمَسَدِ بِالنَّصِيحَةِ

بَابُ الرَّبَاعِيِّ رُوِيَ عَنِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ لَا بَنِي ذِرِّ الغَفَارِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ

بِأَبَا ذَرٍّ جَلَدِ السَّفِينَةِ فَإِنَّ الْبَحْرَ عَمِيقٌ وَخِذِّ الرَّادِ

كَامِلًا فَإِنَّ السَّفْرَ بَعِيدٌ وَخَفِيفٌ لِحَمَلٍ فَإِنَّ العَقْبَةَ كَوْدِ

وَخَلِصِ العَمَلَ فَإِنَّ التَّاقِدَ بَصِيرٌ وَقَالَ المَشَاعِرُ اشْعُرَا

لَكِنَّ تَرَكَ الذُّنُوبَ فاجِبٌ

لَكِنَّ قُوَّةَ التَّوَابِ أَضْعَافٌ

فَرَضَ عَلَى النَّاسِ أَنْ يَتُوبُوا
وَمِنْهَا فِي التَّوَابِ تَصَعُّبٌ

بِحَسْبِ
فانحسب
عبادت خود
بسیار است
خوفناست
برای تعلق
در زبان خود
برای تعلق
خود است
فانحسب
بسیار است
اولاد است
که خدای
مکتوبه
بسیار است
بسیار است

وَمِنْهَا تَوْجُوهٌ
أَخْرَجَ رَسُولُ اللَّهِ
عَمَلًا مِثْلَ بَيْتِهِ
مَالِكٌ
بَن دِيكَارٌ أَحْسَنُ
سَبْعًا بِشَيْءٍ إِصْلَاحُ
كُنْ بِالتَّوَابِ
مِثْلَ
بِالتَّوَضُّعِ وَبِالْحِرْصِ
بِالقَنَاعَةِ وَبِالمَسَدِ
بِالنَّصِيحَةِ
بَابُ الرَّبَاعِيِّ
رُوِيَ عَنِ رَسُولِ
اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ
عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
أَنَّهُ قَالَ لَا بَنِي
ذِرِّ الغَفَارِ رَضِيَ
اللَّهُ عَنْهُ
بِأَبَا ذَرٍّ جَلَدِ
السَّفِينَةِ فَإِنَّ
الْبَحْرَ عَمِيقٌ
وَخِذِّ الرَّادِ
كَامِلًا فَإِنَّ
السَّفْرَ بَعِيدٌ
وَخَفِيفٌ لِحَمَلٍ
فَإِنَّ العَقْبَةَ
كَوْدِ وَخَلِصِ
العَمَلَ فَإِنَّ
التَّاقِدَ بَصِيرٌ
وَقَالَ المَشَاعِرُ
اشْعُرَا لَكِنَّ
تَرَكَ الذُّنُوبَ
فاجِبٌ لَكِنَّ
قُوَّةَ التَّوَابِ
أَضْعَافٌ

وَالَّذِينَ فِي صُرُوفِهِمْ عَجَبٌ
 و در زبان و حرفها و بخت خود عجب است
 وَكُلٌّ مَا فَدَىٰ بِحَيْثُ قَسْرٍ
 هر چه ببرد بمانند است نزد یک است

لَكِنَّ غَفْلَةَ النَّاسِ عَجَبٌ
 لیکن غافل بودن آدمیان عجب تر است
 وَلَكِنَّ الْمَوْتِ مِنْ ذَاكَ أَقْرَبُ
 لیکن مرگ از آن نزدیک تر است

وَعَنْ بَعْضِ الْحُكَمَاءِ أَرْبَعَةٌ حَسَنٌ وَلَكِنَّ أَرْبَعَةً مِنْهُمُ الْإِحْسَنُ
 و از بعضی حکما منقول است چهار چیز اند که می خرد خوب اند لیکن چهار چیز از آن خوب تر اند

الْحَيَاءُ مِنَ الرِّجَالِ الْحَسَنُ وَلَكِنَّ مِنَ الْمَرْأَةِ الْإِحْسَنُ وَالْعَدْلُ
 حیاء از مردان نیک است لیکن از زنان نیکتر است و عدالت

مِنْ كُلِّ أَحَدٍ حَسَنٌ وَلَكِنَّ مِنَ الْأَمْرَاءِ الْحَسَنُ وَالْتَّوْبَةُ مِنَ الشُّبُهَاتِ
 از هر کس نیک است لیکن از امراء نیکتر است و توبه از شبهه ان

حَسَنٌ وَلَكِنَّ مِنَ الشَّابِّ الْحَسَنُ وَالْوَدَمُ مِنَ الْأَغْنِيَاءِ الْحَسَنُ
 نیک است لیکن از جوان نیکتر است و سخاوت از توانگران نیک است

وَلَكِنَّ مِنَ الْفُقَرَاءِ أَحْسَنُ وَعَنْ بَعْضِ الْحُكَمَاءِ أَرْبَعَةٌ قَبِيحَةٌ
 لیکن از حاجتمندان نیک تر است و از بعضی حکما منقول است چهار چیز بد است

لَكِنَّ أَرْبَعَةً مِنْهَا أَقْبَهُ الذَّنْبُ مِنَ الشَّابِّ قَبِيحٌ وَمِنَ الشُّبُهَاتِ أَقْبَهُ
 لیکن چهار چیز از آن بد تر است گناه از جوان بد است و از شبهه بد تر است

وَالْإِسْتِعَاةُ بِاللَّذِي يَأْمُرُ بِالْجَاهِلِ قَبِيحٌ وَمِنَ الْعَالَمِ أَقْبَهُ وَالتَّكْسَرُ
 بد دنیا مشغول ماندن از جاهل بد است و از عالم بد تر است و کلامی گزین

فِي الطَّعْنِ مِنْ جَمِيعِ النَّاسِ قَبِيحٌ وَمِنَ الْعُلَمَاءِ وَالطَّبِئَةِ أَقْبَهُ
 در طعوت از جمله آن بد است و از علماء و طبیبه بد تر است

وَالتَّكْبَرُ مِنْ الْأَغْنِيَاءِ قَبِيحٌ وَمِنَ الْفُقَرَاءِ أَقْبَهُ وَقَالَ النَّبِيُّ
 و تکبر کردن از توانگران بد است و از فقرا بد تر است و نبی علیه السلام

باب

۲۷

الرباعي

عَلَيْهِ السَّلَامُ الْكَوَاكِبُ أَمَانَ لِأَهْلِ السَّمَاءِ فَإِذَا انْتَهتِ
 كَانِ الْقَضَاءُ عَلَى أَهْلِ السَّمَاءِ وَأَهْلِ بَيْتِي أَمَانَ لِأُمَّتِي فَإِذَا
 زَالَ أَهْلُ بَيْتِي كَانِ الْقَضَاءُ عَلَى أُمَّتِي وَإِنَّا أَمَانَ لِأَصْحَابِي فَإِذَا
 ذَهَبَ كَانِ الْقَضَاءُ عَلَى أَصْحَابِي وَلِجِبَالِ أَمَانَ لِأَهْلِ
 الْأَرْضِ فَإِذَا ذَهَبَ كَانِ الْقَضَاءُ عَلَى أَهْلِ الْأَرْضِ وَعَنْ أَبِي
 الصِّدِّيقِ ^ع قَالَ رُبْعَةٌ تَمَامُهَا بِارْبَعَةٍ تَمَامُ الصَّلَاةِ
 بِسُورَةِ الشُّهُورِ وَالصَّوْمِ بِصَدَقَةِ الْفِطْرِ وَالْحَجِّ بِالْفِدْيَةِ وَ
 الْإِيمَانِ بِالْجِهَادِ وَعَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُبَارَكِ مَنْ صَلَّاهُ
 يَوْمَ اثْنَيْ عَشْرَةَ رُبْعَةً فَقَدْ آدَى حَقَّ الصَّلَاةِ وَمَنْ صَلَّاهُ
 شَهْرَ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فَقَدْ آدَى حَقَّ الصِّيَامِ وَمَنْ قَرَأَهُ كُلَّ يَوْمٍ فَإِنَّهُ
 آدَى حَقَّ الْقِرَاءَةِ وَمَنْ تَصَدَّقَ فِي جَمْعٍ بِيَوْمٍ فَقَدْ
 آدَى حَقَّ الْفِطْرِ

نشر بود
 ستاره
 امان بود و اندر کواکب
 پس چون بپوشد
 باشد ضرری
 به اهل آسمان
 و اهل بیت من امان بود برای امت من پس اگر
 نیست سوختن اهل بیت من پس ضرری باشد
 بر امت من مثل این است پس اگر
 پس ضرری باشد
 بر اهل زمین
 و کوهها امن اند برای اهل زمین
 پس چون زمین سوخت پس ضرری باشد
 بر اهل زمین
 قاضی ابو جعفر
 صدیق روایت است که گفت
 چهار چیزند که کمال آن چهار چیز است
 کمال نماز
 بهر دو سجده سهوست و کمال روزه از صدقه فطر است
 و کمال حج از فدیهِ است
 کمال ایمان از جهاد است و از
 عبدالله بن مبارک روایت است هر که گذارد
 روز دوازده رکعت پس بیشک ادا کرد حق نماز را
 و هر که روز دوازده
 در هر ماه سه روز پس بیشک ادا کرد حق روزه را
 و هر که تلاوت کرد هر روز صد
 آیت را پس بیشک ادا کرد حق قرائت را
 و هر که صدقه داد
 در هر روز یک درهم پس بیشک
 آدای حق فطر را

۱۱۲۸

أدى حق الصدقة وقال عمر رضي الله عنه الجور أربعة

بحر الذنوب والنفس محر الشهوات واللوث بحر الأعمار والقبور بحر

الندبات وعن عثمان رضي الله عنه وجدك مخلوق العباد

في أربعة أشياء أولها في أداء فرائض الله والثاني في اجتناب

حرام الله والثالث في الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر والرابع

في الشكر عند اتقاء غضب الله وقال يضا رضي الله عنه

أربعة ظاهرهن فضيلة وباطنهن فريضة فحاطة الصالحين

فضيلة والإيتداء بهم فريضة وتلاوة القرآن فضيلة

والعمل به فريضة وزيارة القبور فضيلة والاستعداد

لها فريضة وعيادة المريض فضيلة والاحاذ الوصية منه

فريضة وعن علي رضي الله عنه أنه قال من اشتاق إلى

اولا كره حق صدقة دادن
 عمر رضي الله عنه گفت
 دریا چهار استند
 بحر الذنوب و النفس بحر الشهوات و اللوث بحر الأعمار و القبور بحر
 دریا چهار استند
 عثمان رضي الله عنه گفت
 وجدك مخلوق العباد
 عثمان رضي الله عنه گفت
 وجدك مخلوق العباد
 در چهار چیز یافته ام اول ان در أداء فرائض الهی و دوم
 در اجتناب حرام الهی و سوم
 در رسانیدن امر معروف و نهی عن المنکر و چهارم
 در باره شکر از برای اتقاء غضب الهی و نیز گفت رضی الله عنه
 چهار چیزند که در ظاهر فضیلت است و در باطن فریضه هستند بنشینند نیکوکاران
 فضیلت است و بر روی شان فریضه است و تلاوت قرآن فضیلت است
 و عمل کردن بر آن فریضه است و زیارت قبور فضیلت است و تیار آمدن
 برای آن فریضه است و عیادت بیمار فضیلت است و از وصیته نگرفتن فریضه
 است و از عمل رضی الله عنه روایت است که فرمود هر که مشتاق باشد بسوی

الاحمال
 من
 یعنی در برای استند
 کلمه چهار در آن فرائض
 در چهار چیز یافته ام
 در رسانیدن امر معروف و نهی عن المنکر
 در باره شکر از برای اتقاء غضب الهی
 چهار چیزند که در ظاهر فضیلت است و در باطن فریضه هستند
 فضیلت است و بر روی شان فریضه است
 و عمل کردن بر آن فریضه است
 و زیارت قبور فضیلت است
 و تیار آمدن برای آن فریضه است
 و عیادت بیمار فضیلت است
 و از وصیته نگرفتن فریضه است
 از این روایت در کتاب کافیه
 در بیان این روایت
 در بیان این روایت

لِحُجَّةٍ سَأَرَ إِلَى الْحِجْرَاتِ وَمَنْ أَسْفَقَ مِنَ النَّارِ أَنْتَى عِزِّ
جنت زود رود بسوی نیکیها و هر که

الشَّهَوَاتِ فَمَنْ تَقَنَّ بِالْمَوْتِ أَتَهَمَّتْ عَلَيْهِ اللَّذَاتُ وَمَنْ
شهوت بر سینها و هر که بچین داند موت را از یاد داند برود لذتها

عَرَفَ الْإِنْيَاهَانَتَ عَلَيْهِ الْمَصِيبَاتُ وَعَنْ النَّبِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ
بشناسد دنیا را سهل بخشد بروی مصیبات و از نبی علیه السلام روایت است که

قَالَ الصَّلَاةُ عِمَادُ الدِّينِ وَالصَّوْمُ أَضْلُ الصَّدَقَةِ تَطْفِي
و فرمود نماز ستون دین است و خاموشی بهتر است و صدقه در وی نشاند

غَضَبِ الرَّبِّ وَالصَّوْمُ أَضْلُ الصَّوْمِ جَنَّةُ مِنَ النَّارِ وَالصَّوْمُ أَضْلُ
غضب پروردگار را خاموشی بهتر است و روزه سیرت از ایشان و خاموشی افضل است

وَالْجِهَادُ سَنَامُ الدِّينِ وَالصَّوْمُ أَضْلُ قَبِيلٍ وَحَيَّ اللَّهُ تَعَالَى الْيَوْمَ
و جهاد بلندی دین است و خاموشی افضل است گفتند آنکه که الله تعالی بر یک بنی

مِنَ الْأَنْبِيَاءِ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ قَالَ صَمْتِكَ عَنِ الْبَاطِلِ فِي صَوْمِ
از انبیاء بنی اسرائیل و می فرستاد و گفت که خاموشی تو از سخن باطلی رضایم را روز است

وَحِفْظِكَ الْجَوَارِحِ عَنِ الْحَاظِمِ إِلَى صَلَاتِهِ وَإِيَّاكَ عَنِ الْحَقِّ فِي صَدَقَةٍ
و باز داشتن تو اعضا را از حرامات برای خدا من نماز است شما از حق تو از خلق برای رضایم صدق است

وَكَلَّفَكَ الْإِسْلَامَ عَنِ الْمُسْلِمِينَ الْجِهَادَ وَعَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ
و باز آمدن تو از ازار مسلمانان برای رضایم جهاد است و از عبد الله بن مسعود روایت است

اللَّهُ عَنْهُ قَالَ أَرْبَعَةٌ مِنْ خَلَّةِ الْقَلْبِ بَطْنُ سَبْعَانَ مِنْ غَيْرِ مِثَالَةٍ
روایت است چهار چیز از تازیکی دل است شکم پر شده و بی آنکه پروای نباشد

وَحِمَّةُ الظَّالِمِينَ وَنِسْيَانُ الذُّنُوبِ لِما ضَيَّعَ وَطُولُ الْأَمَلِ
و صحت ظالمان و فراموشی گناهان گذشته و دیبازی امید

من
از نبی علیه السلام روایت است که
خاموشی افضل است
و روزه سیرت از ایشان
و خاموشی افضل است
گفتند آنکه که الله تعالی
بر یک بنی
از انبیاء بنی اسرائیل
و می فرستاد و گفت که
خاموشی تو از سخن باطلی
رضایم را روز است
و باز داشتن تو اعضا را
از حرامات برای خدا من
نماز است شما از حق تو
از خلق برای رضایم
صدق است
و از عبد الله بن مسعود
روایت است
چهار چیز از تازیکی
دل است شکم پر شده
و بی آنکه پروای نباشد
و صحت ظالمان
و فراموشی گناهان
گذشته و دیبازی
امید

باب ۳۰ الرباعی

وَأَرْبَعَةٌ مِنْ نُورِ الْقَلْبِ ظَنُّ جَانِعٍ مِنْ حَذَرٍ وَصِحَّةُ الصَّالِحِينَ
نوجها چہ از روشنی دل است شکم گرسند سبب خوف و محبت مردان صالح
 وَحِفْظُ الذَّنْوِ الْمَاضِيَةِ وَقَصْرُ الْأَمَلِ وَعَنْ جَانِبِ الْأَجْمِ
و یاد داشتن گناہان گذشتہ و کوتاہی امید و از جانب جمعہ مردان مطہر
 رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ أَنْ قَالَ مِنْ دَعْوَى أَرْبَعَةٍ أَيْلَاءُ رُبْعَةٍ فِدَعْوَاهُ
ہت کہ گفت ہر کہ دعوی کند چار چیز را ہون چہ چیز ہن دعوی ہی
 كَذِبٌ مِنْ دَعْوَى حُبِّ اللَّهِ وَمَيْتَةٌ عَنْ تَحَارُّمِ اللَّهِ تَعَاوُدُ عَوَاهُ
در حق ہت ہر کہ دعوی کند محبت الہی را و باز نیاید از محرمات اللہ تعالی ہن دعوی ہی
 كَذِبٌ وَمِنْ دَعْوَى حُبِّ النَّبِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَكِرَهُ الْفُقَرَاءِ
کا ذہبت و ہر کہ دعوی کند محبت سے صلہ اللہ علیہ وسلم را و چہ از ان فقرا
 وَالسَّالِكِينَ فِدَعْوَاهُ كَذِبٌ وَمِنْ دَعْوَى حُبِّ الْحَنَّةِ وَلَمْ يَتَّصِقْ
دس الکن سا ہن دعوی ہی باطل ہت ہن و ہر کہ دعوی کند محبت بہشت را و صدقہ نہ ہد
 فِدَعْوَاهُ كَذِبٌ وَمِنْ دَعْوَى خَوْفِ النَّارِ وَلَمْ يَنْتَهَ عَنِ الذَّنْوِ
ہن دعوی ہی باطل ہت و ہر کہ دعوی کند خوف آتش را و باز نیاید از معاصی
 فِدَعْوَاهُ كَذِبٌ وَعَنْ النَّبِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ قَالَ عَلَامَةُ
ہن دعوی ہی کا ذہبت و از ہے علیہ السلام رو بہ ہت کہ فرمود نشان
 الشَّفَاوَةِ أَرْبَعَةٌ نِسْيَانُ الذَّنْوِ الْمَاضِيَةِ وَهِيَ عِنْدَ اللَّهِ
ہد چہ از ان فراموشی کردن گناہان گذشتہ کہ ان ہن خدا
 تَعَالَى مَحْفُوظَةٌ وَذِكْرُ الْحَسَنَاتِ الْمَاضِيَةِ وَلَا يَدْرِي أَقْبَلَتْ
تعالی محفوظ ہند و یاد داشتن حسنات گذشتہ را یعنی دانند کہ مقبول شدہ اللہ
 أَمْ رَحِمَتْ وَنَظَرٌ إِلَى مَنْ فَوْقَ فِي الدُّنْيَا وَنَظَرٌ إِلَى مَنْ دُونَهُ فِي
یا رور کردہ شدہ اند و بدین را و بسوی اعلیٰ خود در دنیا و بدین او بسوی ہت خود

و اینست
 کہ در وقت
 محبت است
 علیہ السلام
 نماید و از
 نظر او بسوی
 محبت نماید
 پس این فرمود
 در باب محبت
 چہ کہ در سوال اللہ
 معلوم باشد
 در بیان بیاید
 محبت برینستند
 یاد و زود ہا نظر
 فرمودی نظر فرمود
 ہت
 در این فرمود
 علیہ السلام
 در اینست

يُرِيهِمْ الْجَنَّةَ وَالْجَنَّةَ تَزِيلُ الْعَمَلُ الصَّالِحُ وَعَنِ النَّبِيِّ صَلَّى
 و در سیکه جانها و عینت در سیکه عمل نیکوارا دراز بنی عمل بند
اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ رَبْعَةٌ فِي الْجَنَّةِ خَيْرٌ مِنَ الْجَنَّةِ الْخُلُودُ
 علیه و سلم روایت است که فرمود چهار چیز در بهشت بهتر است از بهشت تمام بودن
فِي الْجَنَّةِ خَيْرٌ مِنَ الْجَنَّةِ وَخِدْمَةُ الْمَلَائِكَةِ فِي الْجَنَّةِ خَيْرٌ
 در بهشت بهتر است از بهشت خدمت کردن ملائکه در بهشت بهتر است
مِنَ الْجَنَّةِ وَجِوَارِ الْأَنْبِيَاءِ فِي الْجَنَّةِ خَيْرٌ مِنَ الْجَنَّةِ وَرَضِيَ اللَّهُ
 از بهشت و همایی انبیا در بهشت بهتر است از بهشت و خوشبودن خدا
تَعَالَى فِي الْجَنَّةِ خَيْرٌ مِنَ الْجَنَّةِ وَارْبَعَةٌ فِي النَّارِ شَرٌّ مِنَ النَّارِ
 تعالی در بهشت بهتر است از بهشت و چهار چیز در دوزخ بدتر است از دوزخ
الْخُلُودُ فِي النَّارِ شَرٌّ مِنَ النَّارِ وَتَوْجِيحُ الْمَلَائِكَةِ الْكَفَّارِ
 تمام ماندن در دوزخ بدتر است از دوزخ از زبور کردن فرشتگان کفار را
فِي النَّارِ شَرٌّ مِنَ النَّارِ وَجِوَارِ الشَّيْطَانِ فِي النَّارِ شَرٌّ مِنَ النَّارِ
 در دوزخ بدتر است از دوزخ و همایی شیطان در دوزخ بدتر است از دوزخ
وَعَضَبُ اللَّهِ تَعَالَى فِي النَّارِ شَرٌّ مِنَ النَّارِ وَعَنْ بَعْضِ
 و غضب خدا تعالی در دوزخ بدتر است از دوزخ و از بعضی
الْحُكَمَاءِ حِينَ سُئِلَ كَيْفَ أَنْتَ فَقَالَ نَأَمُّ الْمَوْلَى عَلَى الْمَوْفَى
 حکما هست که چون پرسیده شد چگونه هستی تو پس جواب گفت من با موفی بر موفی
وَمَعَ النَّفْسِ عَلَى الْخَالِفَةِ وَمَعَ الْخَلْقِ عَلَى النَّصِيحَةِ وَمَعَ
 و با نفس بر مخالف و با خلق بر نصیحت است و با
الدُّنْيَا عَلَى الضَّرُورَةِ وَاخْتَارَ بَعْضُ الْحُكَمَاءِ أَرْبَعًا مِنْ
 دنیا بر ضرورت است و بعضی حکما چهار کلمات از چهار کتب

در سیکه جانها و عینت در سیکه عمل نیکوارا دراز بنی عمل بند
 علیه و سلم روایت است که فرمود چهار چیز در بهشت بهتر است از بهشت تمام بودن
 در بهشت بهتر است از بهشت خدمت کردن ملائکه در بهشت بهتر است
 از بهشت و همایی انبیا در بهشت بهتر است از بهشت و خوشبودن خدا
 تعالی در بهشت بهتر است از بهشت و چهار چیز در دوزخ بدتر است از دوزخ
 تمام ماندن در دوزخ بدتر است از دوزخ از زبور کردن فرشتگان کفار را
 در دوزخ بدتر است از دوزخ و همایی شیطان در دوزخ بدتر است از دوزخ
 و غضب خدا تعالی در دوزخ بدتر است از دوزخ و از بعضی
 حکما هست که چون پرسیده شد چگونه هستی تو پس جواب گفت من با موفی بر موفی
 و با نفس بر مخالف و با خلق بر نصیحت است و با دنیا بر ضرورت است و بعضی حکما چهار کلمات از چهار کتب

باب

الرابعة

من أربعة كتب من التوراة من رضى بما أعطاه الله تعالى
برگزیده اند از تورات اینک هر که خوشنودش با کلمه داده است او را خدا

استراح في الدنيا والآخرة ومن الأجلين من هدم الشهوات
آرام یافت در دنیا و آخرت و از اجل برک شکست شهوات را

عن في الدنيا والآخرة ومن الزبور من تقره عز التائب
عزت یافت در دنیا و آخرت و از زبور برک جدا شد از گناهان بخات یافت

في الدنيا والآخرة ومن الفرقان من حفظ السماء سلم في
در دنیا و آخرت و از فرقان برک نگاه داشت نوبان را سلامت ماند در

الدنيا والآخرة وعن عمر رضي الله عنه والله ما أتيت بيتك
دنیا و آخرت و از عمر رضی الله عنہ است بر من چندان مینماید و ام هیچ جای

الاول وكان لله تعالى علي فيها أربع نعم اولها اذ لم تكن في ذنبي
مگر در آن ابتدا بر من از جانب پروردگار چهار نعمت بوده اند نعمت اولی آنکه در گناه من بودم

والثاني اذ لم تكن اعظم منها والثالث اذ لم تكن محمرا
و نعمت دوم این که بزرگتر از آن بوده است نعمت سوم اینک از ضلالت بیدارم محمرا

الضياء والرابع اني ارجو الثواب عليها وعن عبد الله بن المبارك
و نعمت چهارم اینک بر آن امید دارم ثواب بوده ام و از عبد الله بن مبارک روایت

انه قال ان رجلا حكيما جمع الاحاديث فاختار منها
که گفت مردی دانا کلمات دانایان جمع نمود پس از آن

اربعين الفاتم اختار منها اربعة الاوشم اختار منها
چهل هزار برگزید باز از آن چهل هزار برگزید برگرید باز از آن چهل هزار

اربع مائة ثم اختار منها اربعين ثم اختار منها اربع كلمات
چهار صد برگزید باز از آن چهل برگزید برگزید باز از آن چهل کلمات برگزید

فمنه يصول
نعمت این است که
راستبار میبوی
مگر در آن ابتدا
بر من از جانب
پروردگار
چهار نعمت
بوده اند
نعمت اولی
آنکه در
گناه من
بودم
نعمت دوم
این که
بزرگتر
از آن
بوده است
نعمت سوم
اینک از
ضلالت
بیدارم
نعمت چهارم
اینک بر
آن امید
دارم
ثواب
بوده ام
و از عبد
الله بن
مبارک
روایت

باب ۳۴ . الرباعی

أحدهن لا يتقن بامرأة على كل حال والثانية تغتر
 یکی از آن بیست که بر زن در هیچ حال اعتماد نخواهی داشت دویم آنکه

بالمال على كل حال والثالثة لا تحل معدتك ما لا تطيقه ولا تحل
 بر مال در هیچ حال نرفتنه خواهی تویم آنکه در معده آنچه را برینک که طاقت آن ندارد و چه را که

لا تجر من العلم ما لا ينفعك وعن محمد بن أحمد رحمه الله
 آن علم می آموز که ترا فایده نرساند و از محمد بن احمد رحمه الله علی

في قول الله عز وجل وسيدا وحصورا
 در تفسیر این آیت در سیدا و حصورا و بنیامین اصحابین مذکور است

قال ذكر الله يحيى سيدا وهو عبده لانك كان
 گفت که خداوند تعالی یحیی را سید فرمود . با آنکه او بنده اوست ازین جهت که یحیی

غالباً على أربعة أشياء على الهوى وعلى إبليس وعلى
 بر چهار چیز غالب می بود بر هوا و هوس و بر شیطان و بر

اللسان وعلى الغضب وعن علي رضي الله عنه لا يزال
 بزبان و بر غضب و داز علی رضی الله عنه روایت است

الدين والدنيا قائمين مادام أربعة أشياء مادام الأغنياء
 دین و دنیا ماندن قائم باشد تا چهار چیز قائم ماند تا آنکه تو آنگاه

لا يتحلون بما خولوا وما دام العلماء يعملون بما علموا
 عمل نوزند از آن که داده شده اند تا آنکه علماء عمل نمایند بر آن که آموخته اند

وما دام الجهاد لا يستكبرون عما لم يعلموا وما دام
 و تا آنکه جبار تکبر نکنند از آنچه ندانسته اند و تا آنکه

الفقراء لا يبيعون آخرتهم بديارهم وعن النبي صلى
 فقراء آخرت خود را ببیایان ن فروشند و از نبی صلی

بهر چهار چیز
 بر هوا و هوس
 بر شیطان
 بر زبان و
 بر غضب غالب
 تا آنکه تو آنگاه
 تا آنکه علماء
 تا آنکه جبار
 تا آنکه فقراء

باب . . . ۵۳ . . . الریاضی

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَبِهِ تَمَّتْ لِي الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لِيَجْتِبَنِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ

وعلیه وسلم ودرین است که فرمود خدا تعالی محبت خود را گرفت بر من و قیامت

بِأَرْبَعَةِ أَنْفُسٍ عَلَى أَرْبَعَةِ اجْتِنَائِي مِنَ النَّاسِ عَلَى الْأَغْنِيَاءِ

از چهار کس بگم آن چهارتم بر تو اگران از سلیمان بن داود و بر غلامان از یوسف و بر پیران از ایوب

وَعَلَى الْفُقَرَاءِ بِعَيْسِي عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَعَنْ سَعِيدِ بْنِ يَزِيدٍ

و بر فقرا از عیسی علیه السلام و از سعید بن یزید

اللَّهُ إِذَا الْعَبْدُ إِذَا ذَنَبَ مِنْ اللَّهِ تَعَالَى بَارِعًا بِمَخَالِكِ الْجَنَّةِ

است که بنده چون گناه می آرد از خدا تعالی بود بچهار قسم منت میگذارد که با اینند

عَنْهُ الرِّزْقُ وَلَا يَجِبُ عَلَيْهِ الصَّحَّةُ وَلَا يَظْهَرُ عَلَيْهِ الدَّنْبُ

از رزق را و باز نیاید از او صحت را و ظاهر نیگردد بر او گناه را

وَلَا يَعْاقِبُهُ عَاجِلًا وَعَنْ حَاتِمِ بْنِ الْأَصْبَغِ رَحِمَهُ اللَّهُ أَنَّهُ قَالَ

و بجز عقاب نمی فرستد و از حاتم اصبح رحمت خدا بر او است که گفت

مَنْ صَرَفَ أَرْبَعًا إِلَى أَرْبَعٍ وَوَجَدَ الْجَنَّةَ الْمُتَوَمَّاتِ إِلَى الْقَبْرِ

هر که چهار چیز را سوی چهار چیز باز داشت جنت یافت خواب را بسوی شهر

فصل
در فضیلت حضرت سلیمان بن داود
که در چهار کس بگم آن چهارتم
از سلیمان بن داود و بر غلامان از یوسف
و بر پیران از ایوب
و بر فقرا از عیسی علیه السلام
و از سعید بن یزید

فصل
در فضیلت حضرت سلیمان بن داود
که در چهار کس بگم آن چهارتم
از سلیمان بن داود و بر غلامان از یوسف
و بر پیران از ایوب
و بر فقرا از عیسی علیه السلام
و از سعید بن یزید

وَعَنْ حَاتِمِ بْنِ الْأَصْبَغِ رَحِمَهُ اللَّهُ أَنَّهُ قَالَ
مَنْ صَرَفَ أَرْبَعًا إِلَى أَرْبَعٍ وَوَجَدَ الْجَنَّةَ الْمُتَوَمَّاتِ إِلَى الْقَبْرِ
الْفَخْرَ إِلَى الْمِيزَانِ وَالرَّاحَةَ إِلَى الصِّرَاطِ وَالشَّهْوَةَ إِلَى الْجَنَّةِ
و بزرگوار را بسوی میزان و راحت را بسوی صراط و شهوت را بسوی جنت
وَعَنْ حَامِدِ بْنِ الْفَخَّافِ رَحِمَهُ اللَّهُ أَنَّهُ قَالَ أَرْبَعَةٌ طَلِبَتْنَاهَا
و از حامد بن الفخاف رحمت خدا بر او است که گفت چهار چیزند که
فِي أَرْبَعَةٍ فَالْخَطَأُ نَاطِقٌ فَهِيَ فَجَدْنَاهَا فِي أَرْبَعَةٍ
در چهار چیزند که در چهار چیزند که در چهار چیزند که

اخْرَى طَلَبْنَا الْغِنَى فِي الْمَالِ فَوَجَدْنَاهُ فِي الْقَنَاعَةِ

دیگر جستیم تو اگر غنی را در مال پس یافتیم آنرا در قناعت

وَطَلَبْنَا الرَّاحَةَ فِي الثَّرْوَةِ فَوَجَدْنَاهَا فِي قَلَّةِ الْمَالِ وَطَلَبْنَا

و جستیم راحت را در فراواندستی پس یافتیم آن را در کمی مال و جستیم

الذَّاتِ فِي النِّعَمَةِ فَوَجَدْنَاهَا فِي لَبْدِ الصَّخْرِ وَطَلَبْنَا

ذات را در نعمت پس یافتیم آنرا در بدن تنگت و جستیم

الرِّزْقَ فِي الْأَرْضِ فَوَجَدْنَاهُ فِي السَّمَاءِ وَعَمَّرَ عَلَى رِضَى اللَّهِ

رزق را در زمین پس یافتیم آنرا در آسمان فلان و آرزوی رضی الله

عَنْهُ أَنَّهُ قَالَ رُبْعَةُ أَشْيَاءَ قَلِيلًا كَثِيرِينَ الْوَجْعَ وَالْفَقْرَ

که گفت چهار چیز اندک اندک آن بسیار است بیماری و حاجتندی

وَالنَّارَ وَالْعِدَاوَةَ وَعَمَّنْ حَاتِمِ الْأَصْوِمَاءِ أَنَّهُ قَالَ أَرْبَعَةُ

رذیلتی و دشمنی و آرزو حاتم اسم منقول است که گفت چهار چیز اندک

أَشْيَاءَ لَا يَعْرِفُ قَدْرَهَا إِلَّا أَرْبَعَةٌ الشَّبَابُ لَا يَعْرِفُ

میزانند قدر آنرا بجز چهار کس جوانی

قَدْرَهُ إِلَّا الشُّبُوحَ وَالْعَافِيَةَ لَا يَعْرِفُ قَدْرَهَا إِلَّا أَهْلُ

قدر آنرا بجز پیران و عافیت یعنی دانه قدر آنرا بجز در پلاناقان

الْبِلَاءِ وَالصَّحَّةَ لَا يَعْرِفُ قَدْرَهَا إِلَّا الْمَرْضَى وَالْحَيَاةَ لَا يَعْرِفُ

دشمنستی میزانند قدر آنرا بجز بیماران در زندگی نمی دانند

قَدْرَهَا إِلَّا الْمُتَوَنِّي قَالَ الشَّاعِرُ أَبُو نُؤَيْسٍ شِعَارُ

قدر آنرا بجز مردگان ابو نؤیس شاعر گفت است اشعار

وَرَحْمَتِي مِنْ ذُنُوبِي وَسِعَتْ

در رحمت پروردگار من از گناهان من بسیار است

ذُنُوبِي أَزْفَكْتُ فِيهَا كَثِيرَةً

گناهان من چون غوز میگذرد در آن بسیار است

و جستیم غنی را در کمبود مال و جستیم راحت را در فراواندستی پس یافتیم آنرا در کمی مال و جستیم ذات را در نعمت پس یافتیم آنرا در بدن تنگت و جستیم رزق را در زمین پس یافتیم آنرا در آسمان فلان و آرزوی رضی الله عنه

که گفت چهار چیز اندک اندک آن بسیار است بیماری و حاجتندی و آرزو حاتم اسم منقول است که گفت چهار چیز اندک رذیلتی و دشمنی و آرزو حاتم اسم منقول است که گفت چهار چیز اندک میزانند قدر آنرا بجز چهار کس جوانی

در رحمت پروردگار من از گناهان من بسیار است

وَأَطِيعُوا فِي صَلَاتِهِمْ إِنْ عَمِلْتُمْهَا
 و محبت مورايد عمل نگو اگر کردیم آنرا
 هُوَ اللَّهُ مَوْلَايَ الَّذِي هُوَ خَالِقِي
 خداست مولای من آنکه بود آفریننده من است
 فَإِنَّكَ عَفْرَاءٌ فَذَلِكَ رَحْمَةٌ
 پس اگر مغفرت شد پس این رحمت است

وَلَكِنِّي فِي رَحْمَةِ اللَّهِ أَهْمَةٌ
 و لیکن من در رحمت خدا امین و آسوده
 وَإِنِّي لَأَعْبُدُ أَقْرَبًا وَأَخْضَعًا
 و بیشک من برای او بند و عاجز و در بند
 وَإِنْ تَكُنْ لَأَخْرِي فَأَنَا أَصْنَعُ
 و اگر حال دیگر شد پس من چه چاره کنم

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُوضَعُ
 بنی صلی الله علیه و سلم فرمود چون روز قیامت آید بناده شود

الْمِيزَانُ فَيُوزَنُ بِأَهْلِ الصَّلَاةِ فَيُوزَنُ أَجْرُهُمْ بِالْمِيزَانِ
 ترازو پس آورده شوند نمازگزاران پس تمام داده شود مزدای ایشان به ترازو

ثُمَّ يُوزَنُ بِأَهْلِ الصَّوْمِ فَيُوزَنُ أَجْرُهُمْ بِالْمِيزَانِ ثُمَّ يُوزَنُ
 باز روزه داران آورده شوند پس تمام داده شود مزدای ایشان به ترازو

بِأَهْلِ الْحَجِّ فَيُوزَنُ أَجْرُهُمْ بِالْمِيزَانِ ثُمَّ يُوزَنُ بِأَهْلِ
 حاجان آورده شوند پس تمام داده شود مزدای ایشان به ترازو باز آورده شوند

الْبِرِّ لَا يَنْصَبُ لَهُمْ مِيزَانٌ وَلَا يُنْشَرُ لَهُمْ دِيْوَانٌ فَيُوزَنُونَ
 بلا درج کنان قائم کرده خواهد شد برای ایشان ترازو و نه نشاءه خواهد شد برای ایشان دفتر پس تمام داده

أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ يَتَمَنَّى أَهْلُ الْعَافِيَةِ أَنْ لَوْ كَانُوا
 مزدای ایشان بی حساب تا آنکه آرزو خواهند کرد اهل عافیت که آنکه بی بوده

بِعِزَّتِهِمْ مِنْ كَثْرَةِ ثَوَابِ اللَّهِ تَعَالَى وَكُنْ بَعْضُ
 بجای ایشان از بهر بسیاری ثواب خدا تعالی است و از بیغیبه حکما

الْحُكَمَا يَسْتَقْبِلُ ابْنَ آدَمَ أَرْبَعِ نَهْبَاتٍ يَنْتَهَبُ
 مشغول است پیش می آید بنی آدم را چهار غارت

وَأَطِيعُوا فِي صَلَاتِهِمْ إِنْ عَمِلْتُمْهَا
 و محبت مورايد عمل نگو اگر کردیم آنرا
 هُوَ اللَّهُ مَوْلَايَ الَّذِي هُوَ خَالِقِي
 خداست مولای من آنکه بود آفریننده من است
 فَإِنَّكَ عَفْرَاءٌ فَذَلِكَ رَحْمَةٌ
 پس اگر مغفرت شد پس این رحمت است

وَأَطِيعُوا فِي صَلَاتِهِمْ إِنْ عَمِلْتُمْهَا
 و محبت مورايد عمل نگو اگر کردیم آنرا
 هُوَ اللَّهُ مَوْلَايَ الَّذِي هُوَ خَالِقِي
 خداست مولای من آنکه بود آفریننده من است
 فَإِنَّكَ عَفْرَاءٌ فَذَلِكَ رَحْمَةٌ
 پس اگر مغفرت شد پس این رحمت است

نَفْسَهُ وَسَاعَةً يَمْشِي فِيهَا إِلَىٰ أَخَوَاتِهِ الَّذِينَ يَجْرُونَ وَيَتَّبِعُونَ بِه
نفس خود را و ساعه آنکه در آن هر دو میروی برادران خود آنانکه مطلق میکنند فراد را بیجواب او

وَسَاعَةً فِيهَا يَخْتَبِي بَيْنَ نَفْسِهِ وَبَيْنَ لَدَائِبِهَا الْكَلْبَانِ وَقَالَ
و ساعه آنکه در آن بگذارد نفس خود را بالذات او که طلال بینه و بعضی مکن

بَعْضُ الْحُكَمَاءِ جَمِيعَ الْعِبَادَاتِ مِنَ الْعِبَادَاتِ أَرْبَعَةً فِي الْوَفَاءِ
گفت تمام عبادات از عبادتها چهار چیزند بجا آوردن

بِالْمَعْرُوفِ وَالْحَافِظَةِ بِالْحُدُودِ وَالصَّبْرِ عَلَى الْمَقْضُوعِ وَالرِّضَى بِالْمَوْجُودِ
عهدنا و نگاه داشتن بر حدود و بعضی احکام حلت و حرمت کردن بگم شده را رضی بودن بر چیزی بود

بَابُ الْحَجَّائِي رَوَى عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْ
باب اشهاد بچگان از بنی صلبه علیه وسلم

أَهَانَ خَمْسَةَ خَيْرِ خَمْسَةِ مَنْ اسْتَخَفَّ بِالْعُلَمَاءِ خَيْرَ الْخَيْرِ
بهره و تسبیح چیز از زبان یافت در پنج چیز هر که خفارت کرد علما زیان کرد همین

وَمَنْ اسْتَخَفَّ بِالْأَمْرَاءِ خَيْرَ الدُّنْيَا وَمَنْ اسْتَخَفَّ
و هر که خفارت کرد احرار را زیان یافت در دنیا و هر که خفارت کرد

بِالْحَيْرَانِ خَيْرَ الْمَنَافِعِ وَمَنْ اسْتَخَفَّ بِالْأَقْرِبَاءِ خَيْرِ
همسایگان را زیان یافت در شافع و هر که خفارت کرد رشتہ دران از زبان یافت

الْمَوَدَّةِ وَمَنْ اسْتَخَفَّ بِأَهْلِ خَيْرِ طَيْبِ الْمَعِيشَةِ وَقَالَ
در محبت و هر که خفارت کرد اهل به خود را زیان یافت در عیش خوشی و نهی

النَّبِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ سَيَأْتِي زَمَانٌ عَلَىٰ أُمَّتِي يَجُودُونَ
علیه السلام فرمود که قریب است که برسد بر امت من زمان که در خود بمانند

خَمْسًا وَيَسُونَ خَمْسًا يَجُودُونَ الدُّنْيَا وَيَسُونَ الْعَقْدَ يَجُودُونَ
پنج چیز را در زمینش خوانند که در پنج چیز با مجرب بمانند دنیا و در آنش خوانند که در آنش با مجرب بمانند

فان
بعضی مکن
بجا آوردن
عهدنا
نگاه داشتن
بهره و تسبیح
همسایگان
در محبت
علیه السلام فرمود
پنج چیز را در زمینش
خوانند که در پنج چیز
با مجرب بمانند دنیا
و در آنش خوانند که
در آنش با مجرب
بمانند

الدُّرِّ وَيَسْوِرُ الْقُبُورَ وَيَجْبُو الْمَالَ وَيَسْوِرُ الْحِسَابَ

خانه دارد و فرمودن خواند کرد قبور را و محبوب خواند دست مال را و فراموش خواند کرد حساب را و

يَجْبُو الْعِيَالُ وَيَسْوِرُ الْخُورَ وَيَجْبُو النَّفْسَ وَيَسْوِرُ اللَّهُ هَمَّ

محبوب خواند دست عیال را و فراموش خواند کرد خواری را و محبوب خواند دست نفس را و فراموش خواند کرد

مِنِّي بَرَاءً وَأَنَا مِنْهُمْ بَرِيٌّ وَقَالَ النَّبِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا يَغِي

ایکسان از من بیزارند و از من بیزارند که از ایشان بیزارم است و بنی علی سلام فرمود منی بخندند خدا

لَا حِدَّ خَسَاةً إِلَّا وَقَدْ أَحَدَلَهُ خَسَاةً أُخْرَى يُعْطِيهِ الشُّكْرَ إِلَّا وَقَدْ

بیکس هیچ چیز گزینار بسیار برای او هیچ چیز دیگر نمی بخندد او را تو توبین شکر مگر بیک

أَحَدَهُ الزِّيَادَةُ وَلَا يُعْطِيهِ الدُّعَاءُ إِلَّا وَقَدْ أَحَدَلَهُ الْإِسْتِجَابَةَ وَلَا

تبار میکند برای او افزاینده نمی بخندد او را تو توبین دعا مگر بیک تبار میکند برای او توب نیست

يُعْطِيهِ الْإِسْتِغْفَارَ إِلَّا وَقَدْ أَحَدَلَهُ الْغَفْرَانَ لَا يُعْطِيهِ التَّوْبَةَ

بخندد او را آمرزش خویش مگر بیک تبار میکند برای او آمرزشش نمی بخندد او را تو توبین توبه

إِلَّا وَقَدْ أَحَدَلَهُ الْقَبُولَ وَلَا يُعْطِيهِ الصَّدَقَةَ إِلَّا وَقَدْ أَحَدَلَهُ

مگر بیک تبار میکند برای او توبیت نمی بخندد او را تو توبین صدقه دادن مگر بیک تبار میکند

لَهُ الْقَبْلَ وَعَمَّنْ أَبِي بَكْرٍ الصِّدِّيقِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ الظِّلَّةَ

برای او مشد بر کردن آواز ابو بکر صدیق رضی الله عنه روایت است تبار میکند

خَسْرَةَ السَّرْحِ لَهَا خَسْرَتٌ دَنِيبَاظِمَةٌ وَالسَّرِجَةُ التَّقْوَى

بسیج اند و بجهت ان بیخ بخت دنیا تاریکی است و بخت آن بر چیز گاری است

وَالذَّنْبُ الظُّلْمَةُ وَالسَّرِجَةُ التَّوْبَةُ وَالْقَبْرُ الظُّلْمَةُ وَ

و سمعیت تاریکی است و بخت آن توبه است و قبر تاریکی است و

السَّرِجَةُ هِيَ الْإِلَهُ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ سَوَّلَ اللَّهُ وَالْآخِرَةُ الظُّلْمَةُ

چرخ این لاله ای اله محمد رسول الله است و آخرت تاریکی است

عبارت اولی در بیان
باید معلوم بود که
دست ازین جهت فرمود
نه آنکه ازین جهت فرمود
و چون آنکه ازین جهت
معلم بر آنکه ازین جهت
دنیایک است که از
کسب حرام و کینه و حاصل
بیشتر در اول از دوم حاصل
عاصل شود تا آنکه غلبت پیدا
کند بر حال نفی حرام
است که غلبت نماید بر باد

وَالسُّرَّهَاتِ الْعَمَلِ بِصَلَاتِهِ وَالصَّرَاطِ ظِلْمَتِهِ وَالسَّرَاجِ لَهْ

الْيَقِينِ وَعَنْ عَمْرِو بْنِ رَضِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّهُ قَالَ فَوَقُوفًا عَلَيْهِ

عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَوْلَا إِعْجَابُ الْغَيْبِ

لَشَهَرْتُ عَلَى خَمْسِ نَفَرٍ أَهْلُ الْجَنَّةِ الْفَقِيرُ صَاحِبُ

الْعِيَالِ وَالْبُرَّةُ الرَّاضِعَةُ عَنْهَا زَوْجُهَا وَالتَّصَدِيقَةُ بِمَهْرِهَا

عَلَى زَوْجِهَا وَالرَّاضِعَةُ عَنْهُ ابْنُهَا وَالتَّائِبُ مِنَ الذَّنْبِ وَعَنْ

عُثْمَانَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ خَمْسَ هُنَّ عِلَاقَةُ الْمُتَّقِينَ أَوْهَا

أَنْ لَا يَخْلِسَ لِأَمْنٍ يَصِلُهُ الدِّينَ مَعَهُ وَيَغْلِبُ الْفَرْجُ وَ

الْيَسَارُ وَإِذَا أَصَابَهُ شَيْءٌ عَظِيمٌ مِنَ التَّيْبِ أَرَاهُ وَيَأْلُو إِذَا أَصَابَهُ

شَيْءٌ قَلِيلٌ مِنَ الدِّينِ اغْتَنِمَ ذَلِكَ وَلَا يَمْلَأُ بَطْنَهُ مِنْ

الْحَلَالِ خَوْفًا مِنْ أَنْ يَخَالَطَ حَرَامًا وَيَرْبِي النَّاسُ كُلَّهُمْ

مقاله در خصوص کلماتی که در این حدیث آمده است و توضیح آنکه این حدیث از امام علی (ع) روایت شده است و در مورد کلماتی مانند «السراج له» و «البررة» و «التأيب» و «اليسار» و «الخطاط الحرام» توضیح داده شده است.

حلال آزين خوف که مبادا در آنچه استبدادان حرام در بينيد جمع کييان ا

قَدْ جَوَّأَوِي نَفْسِي قَدْ هَلَكْتُ وَعَنْ عَلِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ رَوَيْتُ

عَنْ رُوَاغِمْ خَصَالِ لَصَارَ النَّاسُ كُلُّهُمْ مُصَلِّحِينَ أَوْ لَهَا

الْقَنَاعَةُ بِالْجَهْلِ وَالْكَرْهُ عَلَى الدُّنْيَا وَالشُّغْرُ بِالْفَضْلِ وَ

الرَّيَاءُ فِي الْعَمَلِ وَالْإِعْجَابُ بِالرَّأْيِ وَعَنْ جَهْمِ بْنِ الْعَلَاءِ

رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ أَجْمَعِينَ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَكْرَمَ نَبِيِّ جَهْدِ صَلَّاهُ

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَحْسَنَ كَرَامَاتِ كَرَمِهِ بِالْأَسْمِ وَالْجِسْمِ وَالْعَطَاءِ

الْمُخْطَاءِ وَالرِّضَاءِ أَمَّا الْأَسْمُ فَنَادَاهُ بِالرَّسَالَةِ وَلَمْ يَنْدِ بِالْأَسْمِ

كَمَا نَادَى جَمِيعَ الْأَنْبِيَاءِ مِثْلَ دَمٍ وَنَوْحٍ وَإِبْرَاهِيمَ وَغَيْرِهِمْ

وَأَمَّا الْجِسْمُ فَإِذَا دَعَا النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

هُوَ نَفْسُهُ عَنْهُ وَلَمْ يَفْعَلْ ذَلِكَ لِسَائِرِ الْأَنْبِيَاءِ وَأَمَّا الْعَطَاءُ

فَاعْطَاهُ بِمَا سَأَلَ وَأَمَّا الْمُخْطَاءُ فَذَكَرَ الْعَفْوُ قَبْلَ ذَنْبِهِ حَيْثُ

که بیش بجات یافتند و بدانند نفس خود را که بیشک بران شد و آنرا علی رضی الله عنه روایت کرد
خفت اگر بنویسند بوج فضلت البتة بیش از مجموع کسان فیکو کار اول آن

فاناعت کردن بر جهالت و کراهت کردن بر دنیا و دخل و زرین بر زناوت و
نمایش در عمل و پسندیدن عقل خود را و آنرا علی رضی الله عنه روایت کرد

رحمت کند خدا بر تمام ایشان منقول است که الله تعالی بزرگترین شایسته صلوات الله علیه
و سلم را آنچه بزرگ بزرگی داشت او را در نام و جسم و عطا

چنانکه او از او نام اینها را عليهم السلام مثل آدم و نوح و ابراهیم و غیرهم
و بزرگترین جسم نیست که هر گاه دعا کرد بنی صلوات الله علیه و سلم

از آن بذات خود و نه کرده است چنین با تمام انبیاء و در هر عطا است که
عطا کرد او را بغیر سائل و بغیر کسی حفاظت است که ذکر کرد و گفتند را پیش از عطا

من
یعنی جان خود
و علم بر تو فزون
من
یعنی خدای که در هر
دینا عطا کرد تا یاد
بگردند است بخوان
بنی صلوات الله علیه
چنانکه در حدیث دیگر
فرموده است
یا ابراهیم یا نوح
یا ادم یا موسی و
حضرت الزکریا و یحیی
یا ایها الرسول
یا ایها النبی یا ایها
المرسل

قَالَ عَفَا اللَّهُ عَنْكَ وَأَمَّا الرُّضِيُّ فَمَ يَرُدُّ عَلَيْهِ فِدَيْتَهُ وَلَا
 فرمود عفا الله عنك معاف کرد خدا ترا و بزرگ اینها ایست که در وقت برو قذیب او را و نه

صَدَقَتَهُ وَلَا نَفَقَتَهُ كَمَا رَدَّهَا عَلَيَّ سَائِرَ الْأَنْبِيَاءِ وَعَمَّنْ
 صدقه او را و نه نفقه او را چنانکه رد کرد فدیه و صدقه تمام انبیاء را از

عَبْدَ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ الْعَاصِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ خَمْسَ مِائَتِ مِائَةٍ
 عبد الله ابن عمرو بن العاص رضی الله عنه پنج هزار و در خبر که یافته شده

فِيهِ سَعْدٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ أَوْ هَا أَنْ يَذْكُرَ إِلَّا إِلَهَ الْاَلِه
 سعادت یافت در دنیا و آخرت او همان آنکه بگوید لا اله الا الله

مُحَمَّدٌ رَسُوْلُ اللهِ وَقْتَ تَابَعَدَ وَقْتُ وَإِذَا ابْتَدَيْتَ بِنَبِيٍّ قَالَ
 محمد رسول الله در هر وقت و در هر گاه که قرار شود در میجنی بگو

أِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ وَلَا تَوَلَّ وَلَا تَوَلَّ إِلَّا لِلَّهِ الْعَظِيمِ
 انا لله وانا اليه راجعون و لا تول ولا تول الا لله العظیم

الْعَظِيمِ وَإِذَا اعْطَيْتَ بِنَعْتِي قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ شَكَرًا
 العظیم و هرگاه داد کنونی بعتی بگوید الحمد لله رب العالمین در شکر آن

النَّعْتِ وَإِذَا ابْتَدَيْتَ فِي شَيْءٍ قَالَ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ وَإِذَا
 نعت و هرگاه شروع کنی در کاری بگو بسم الله الرحمن الرحیم و بگوید

أَفْرَطَمِنَهُ ذَنْبًا قَالَ سَتَغْفِرُ اللَّهُ الْعَظِيمِ وَأَتُوْبُ إِلَيْهِ وَعَمَّنْ
 بوجد آمد از گناهی بگوید ستغفر الله العظیم و التوب الیه و از

لِحَسَنِ الْبَصْرِ رَحِمَهُ اللَّهُ أَنَّهُ قَالَ مَكْتُوبٌ فِي التَّوْرَةِ خَمْسَةٌ
 حسن بصری رحمه الله متقول است که گفت در توریت پنج

أَحْرُوْرَانِ الْغَنِيَّةِ فِي الْقِنَاعَةِ وَأَنَّ السَّلَامَةَ فِي الْغَمَلَةِ وَأَنَّ
 حزن نداشتند آنکه توانگری در قناعت است و سلامتی در گمبونی و

بناست آنچه معنون
 بخارا و شادانده قندار
 یک خدا هم و
 بیونی او حق گفتند که
 در وقت یافتند
 بیچ و در وقت یافتند
 در خبر که یافته شده
 آنکه بگوید لا اله الا الله
 در هر وقت
 در هر گاه که قرار شود
 در میجنی بگو
 انا لله وانا اليه راجعون
 و لا تول ولا تول الا لله العظیم
 الحمد لله رب العالمین در شکر آن
 بسم الله الرحمن الرحیم
 بگوید
 ستغفر الله العظیم
 و التوب الیه
 در توریت پنج
 حزن نداشتند آنکه توانگری
 در قناعت است و سلامتی
 در گمبونی و

باب پنجم . الخناسی

شغل القلب و عبودیه الدنیا و شدت الحسایف الدرجه
 و مشغولی دل را و بندگی دنیا را و شمع حسابی . در مرتبه
 السفل و عن عبد الله الاطالی رحمه الله خمسة هن من
 بست را و از عبد الله الطالی رحمه الله منقول است پنج چیز است
 دواء القلب فحیاسة الصالحین و قراءة القرآن و خلایم
 دوا دل است پنج چیز است که آن نیکوکار . و تلاوت قرآن و خلایم است
 البطن و قیام اللیل و التضرع عند الصبای و عن جمهور
 شکم را و عبادت انعام شب . و بخوردن بیگام . و از تمام
 العلماء ان الفکره علی خمسة اوجه فکرة فی آیات الله یتولد
 علماء منقول است که فکر کردن پنج قسم است فکر کردن
 منها التوحید و الیقین و فکره فی الراء الله یتولد منها
 ازان توحید و یقین و فکر کردن در فهمتای الهی پیدا میشود ازان
 المحبة و فکره فی وعد الله تعالی یتولد منها الرغبة و فکره
 محبت و فکر کردن در وعده الهی پیدا میشود ازان رغبته و فکر کردن
 فی عید الله یتولد منها الهیبة و فکره فی تقصیر نفسه عن
 درو عید الهی پیدا میشود ازان هیبت و فکر کردن در تقصیر ذات خویش از
 الطاعة من احسان الله الیه یتولد منها الحیاء و عن بعض
 طاعت بانه احسان خداست بسوی او پیدا میشود ازان حیاء و بعض
 الحكماء بین یدک التقوی مسعبان من جاوزها نال التقوی
 حکما منقول است پیش از تقوی هیچ راه دشوار است هر که گذشت ازان یافت تقوی را
 اولها اختیار الشدة علی النعمه و ثانیها اختیار الجهد
 اول آن هرگزین شدت در بر نعمت . و در دوم آن هرگزین محنت را

جلال القلب
مصارف

والشکر
در وعده الهی
خدا تعالی که در بر
تقوی است
بسیار است
و ثانیها
اختیار الجهد
در دویم آن هرگزین
محنت را

عَلَى الرَّاحَةِ وَثَالَثًا اخْتِيَارَ الدَّلِّ عَلَى الْعِزِّ وَرَابِعًا اخْتِيَارَ

بر راحت . و سوم آن برگزیدن ذلت را بر عزت و چهارم آن برگزیدن

السُّكُوتِ عَلَى الْفُضُولِ وَخَامِسًا اخْتِيَارَ الْمَوْتِ عَلَى الْحَيَاةِ

خاموشی را بر کلام فضول و پنجم آن برگزیدن مرگ را بر زندگی

وَعَنْ النَّبِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْيُحْيَى يُحْيِي الْأَشْرَارَ وَالصَّادِقُ

و آرزو بنی . عیله اسلام رویت است که پوشیده سخن گفتن نگاه میدارد از بارها و صدق و داد

يُحْيِي الْأَمْوَالَ وَالْإِخْلَاصُ يُحْيِي الْأَعْمَالَ وَالصِّدْقُ يُحْيِي

نگاه میدارد اموال را و اخلاص نگاه میدارد اعمال را و راستی نگاه میدارد

الْأَقْوَالَ وَالْمَشُورَةَ يُحْيِي الْأَرَءَاءَ قَالَ النَّبِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

اقوال را و مشورت کردن نگاه میدارد در اینها . بنی علیه السلام فرمود

أَنَّ فِي جَمْعِ الْمَالِ خَمْسَةَ أَشْيَاءَ الْعِنَاءُ فِي جَمْعِهِ وَالشُّغْلُ عَنْ

پیشک در جمع کردن مال پنج چیز است کلفتی در گرد آوردن آن و بازماندن از

ذِكْرِ اللَّهِ تَعَالَى بِإِصْلَاحِهِمُ وَالْحَوْفُ مِنْ سَأَلِهِمْ وَسَارِقِهِمْ وَ

فرد سگ در اتهم آن و خوف از غاصب و دزدان و

أَحْتِمَالُ مِمَّ الْبُخْلِ لِنَفْسِهِ وَمُفَارَقَةُ الصَّالِحِينَ مِنْ أَجْلِ

نام بخیل برای خود گوارد کردن و جدائی از نیکوکاران از برای آن

وَفِي تَفْرِيقِهِ خَمْسَةٌ أَشْيَاءَ رَاحَةُ النَّفْسِ مِنْ طَلَبِ الْفِرَاقِ

و در صرف کردن مال پنج چیز است راحت یافتن نفس از جستجوی آن و دوست

لِذِكْرِ اللَّهِ مِنْ حِفْظِهِ وَالْأَمْنُ مِنْ سَأَلِهِمْ وَسَارِقِهِمْ وَالْكَتَابُ

یافتن برای یاد الهی از نگه داشتن آن و در امن ماندن از غاصب و دزدان و

اسْمُ الْكُرْبِيِّ لِنَفْسِهِ وَمُصَاحَبَةُ الصَّالِحِينَ لِفِرَاقِهِمْ

بوی کوربیکر برای نفس و مصاحبت نیکوکاران بسبب جدائی آن

من
در جمع مال
پنج چیز است
سعی

باب ۲۴ : النجاسی

وَعَنْ سَفِيَانَ الثَّوْرِيِّ رَحِمَهُ اللَّهُ لَا يَجْمَعُ فِي هَذَا الزَّمَانِ

آواز سفیان ثوری رحمه الله منقول است درین زمان جمع نخواهد شد

لأحدٍ قال الأوعندة خمس خصال طول الأمل وحرص القلب

برای هیچ کس نگزاید بود در پنج خصلت دمازی امید و حرص قوی

وشر شديد وقلة الأورع ونسيان الآخرة قال القائل اشعل

وخیل سخت و کسی برهنه گاری و فراموشی آخرت و ناسخوی میگوید اشعل

فان
این پنج خصلت
مستحق عقاب است
در روز جزا

ان لها في كل يوم خيلة

بیشک برای او در هر روز شوهری است

في موضع آخر منه بيديا

در جای دیگر از آن دو گری را

لقتهم قتيلا قتيلا

برای کشتنشان جدا جدا

يعمل في جسمي قليلا قليلا

در جسم من اثر میکند آهسته آهسته

نادى منادى الرجل الرحيل

منادی آواز میدهد کوچ است کوچ است

يا خايب الدنيا انفسه

ای تکه خطبه دنیا یا خود نمی کنی

تستني البعل وقد وطئت

نکن بخواه از شوهری و بیشک پا مال ساخته

ما قبل الدنيا خطاياها

چه قدر توجرت و بنا بسوی خطی کنندگان خود

الى لغتروا ان البلاد

من البته فریفته ام و بیشک

ترودوا للسوت نرادا فقد

بر آینه بردار یک صورت تو شد بیشک

وَعَنْ جَمَاهِرِ الْأَصْحَابِ رَحِمَهُمُ اللَّهُ أَنَّهُ قَالَ الْعَجَلَةُ مِنَ الشَّيْطَانِ

آواز حاتم امام رحمه الله منقول است گفت عجله شتابی از شیطان است

في خمس مواضع فانها من سنن رسول الله صلى الله عليه

در پنج جا پس این شتابی از طریقه رسول الله صلی الله علیه

وسلو اطعام الصبي اذا نزل وتجهين المبيت اذا ما كاد

بهت طعام دادن همان ما چون برسند و سامان بهم رساندن مرده را برای دفن هرگاه بیرون

باب الحاسی

تَوْبَةٍ إِذَا لَبِغْتَ وَقَضَاءَ اللَّهِ إِذَا وَجِبَ التَّوْبَةُ

و توبه دادن و بجزا هرگاه بالغ شود و او کردن و توبه هرگاه واجب شود و توبه کردن

مِنَ الذَّنْبِ إِذَا فُطِرَ وَقَالَ مُحَمَّدٌ بْنُ الدُّورِيِّ شَيْءٌ أَلْبَسَ

از گناه هرگاه بود آید و محمد بن دوری میگوید چیزی که بپوشان

مِنْ خَمْسَةِ أَشْيَاءَ لَمْ يَقْرَأْ بِالدَّنْبِ لَمْ يَبْدَأْ وَلَمْ يَلْمِ نَفْسَهُ وَلَمْ يَعِزَّ

از پنج چیز بجز از آنکه نگوید و ایشان نشد و خود را ملامت نکرد و عزم

عَلَى التَّوْبَةِ وَقَضَى مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ وَسِعِدَ آدَمُ خَمْسَةَ أَشْيَاءَ أَقْرَبَ

بر توبه نکرد و از رحمت خدا ایوست شد و سعادتمند شد و سبب هر چیزی از آنکه

بِالدَّنْبِ وَبَدَأَ عَلَيْهِ وَلَا مَنَ نَفْسَهُ وَأَسْرَعَ فِي التَّوْبَةِ وَلَمْ يَقْنَطْ

بگناه و بران گناه گشت و خود را ملامت نمود و جلوتر توبه کرد و از رحمت خدا

مِن رَحْمَةِ اللَّهِ وَكُنْ شَقِيقَ الْبَيْتِ رَحِمَهُ اللَّهُ أَنَّهُ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ

ایوست شد و از شقیق ابی بیتی رحمت خدا بر او است که گفت هر چه بر خود بیخ

خَصَالٍ فَاعْمَلُوا عِبَادَ اللَّهِ بِقَدَرِ حُجَّتِكُمْ لِيَحْذَرُوا مِنَ الدُّنْيَا

خصالت را در آن عمل کنید عبادت کنید خدا را چندانکه ملاقات است بسوی او و دیگر هر از دنیا

بِقَدَرِكُمْ وَهَا وَأَدْنُوا لِلَّهِ بِقَدْرِ طَاقَتِكُمْ عَلَى عَدْلِهِ وَ

چندانکه عمر شماست در دنیا و نافرمانی خدا کنید چندانکه شما طاقت است بر عذاب او

تَزُودُوا فِي الدُّنْيَا بِقَدْرِ مَكْتَبِكُمْ فِي الْقَبْرِ وَاعْمَلُوا لِلْجَنَّةِ

توسه بگیرید در دنیا چندانکه در قبر بمانید و عمل کنید برای جنت

بِقَدْرِ مَا تَرِيدُونَ فِيهَا الْمَقَامَ وَقَالَ عُمَرُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ

چندانکه بخواهید در جنت مقام افنا و عمر رضی الله عنه گفت

رَأَيْتُمْ جَمِيعَ الْأَخْلَاقِ فَلَمْ أَرِ خَيْرًا مِنْ حِفْظِ السَّلَاةِ

دیدم جمیع اخلاق را پس ندیدم دو سنی برتر از نگهداشتن زبان

من
 هرگاه کسی گناهان را بپوشد و توبه نکند
 در آن روز حسابش بر او است
 و توبه هرگاه واجب شود و توبه کردن
 از گناه هرگاه بود آید و محمد بن دوری میگوید چیزی که بپوشان
 از پنج چیز بجز از آنکه نگوید و ایشان نشد و خود را ملامت نکرد و عزم
 بر توبه نکرد و از رحمت خدا ایوست شد و سعادتمند شد و سبب هر چیزی از آنکه
 بگناه و بران گناه گشت و خود را ملامت نمود و جلوتر توبه کرد و از رحمت خدا
 ایوست شد و از شقیق ابی بیتی رحمت خدا بر او است که گفت هر چه بر خود بیخ
 خصالت را در آن عمل کنید عبادت کنید خدا را چندانکه ملاقات است بسوی او و دیگر هر از دنیا
 چندانکه عمر شماست در دنیا و نافرمانی خدا کنید چندانکه شما طاقت است بر عذاب او
 توسه بگیرید در دنیا چندانکه در قبر بمانید و عمل کنید برای جنت
 چندانکه بخواهید در جنت مقام افنا و عمر رضی الله عنه گفت
 دیدم جمیع اخلاق را پس ندیدم دو سنی برتر از نگهداشتن زبان

وَرَأَيْتُ جَمِيعَ اللَّبَاسِ قُلْمَ الرَّبِّ أَفْضَلَ مِنَ الْوَرَعِ

و دیدم تمام لباس را قلمم ندیدم هیچ لباسی برتر از برترین کاری

رَأَيْتُ جَمِيعَ اللَّيَالِي قُلْمَ الرَّبِّ أَفْضَلَ مِنَ الْقَنَاعَةِ وَرَأَيْتُ

دیدم تمام ایام را قلمم ندیدم هیچ مالی برتر از قناعت دیدم

جَمِيعَ الرَّفْلِ قُلْمَ الرَّبِّ أَفْضَلَ مِنَ النَّصِيحَةِ وَرَأَيْتُ سَمْعَ الْأَطْمَةِ

تمام خوب کردار را قلمم ندیدم هیچ خوب کرداری برتر از خیر خواهی دیدم تمام

فَلَمَّا رَظَعَا مَا أَلَدَّ مِنَ الصَّبْرِ وَعَنْ بَعْضِ الْحُكَمَاءِ أَنَّهُ قَالَ

بن دیدم طعمای لذیذتر از صبر و از بعضی حکما منقول است که گفت

الرَّهْدُ خَيْرٌ خِصَالِ التَّقَى بِاللَّهِ وَالتَّوْبَةُ عَنِ الْخَلْقِ وَالْإِخْلَاصُ

زیدم هیچ خصلت است اعتماد کردن بر خدا و پشیمانی بود از خلق و انحصار و زهد

فِي الْعَمَلِ وَاحْتِمَالُ الظَّمِّ وَالْقَنَاعَةُ فِي الْبَدَنِ وَعَنْ بَعْضِ الْعِبَادِ

در عمل و بردباری ظلم و قناعت کردن بران که در دست است فلان از بعضی عباد

أَنَّهُ قَالَ فِي الْمَنَاجَاةِ إِلَهِي طَوَّلَ الْأَمَلَ عَمْرِي وَحَبَّ اللَّهُ يَا

ایشان منقول است که در مناجات گفت ای درازی امید فرقیه کردم و محبت

أَهْلِكَ وَالشَّيْطَانَ أَضَلَّنِي وَالنَّفْسَ الْأَمَّارَةَ بِالسُّوءِ وَعَنْ

بلاک کردم و شیطان از راه ببرد مرا و نفس که به بدی امر کند

بَعْضِ الْمُتَّقِينَ وَقَرِينِ السُّوءِ عَلَى الْمَعْصِيَةِ أَعَانَنِي فَأَعْتَدَ

بعضی باز دست مرا همسین به بر معصیت مدد داد مرا پس یاد کرد

بِإِعْيَانِ الْمُسْتَعِينِينَ فَإِنْ لَمْ تَرَحْمَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَرْحَمُنِي

ای فریاد رسنده فریاد کنندگان اگر تو رحمت نکنی مرا پس کیست آنکه رحمت کند اگر رحمت تو

قَالَ النَّبِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ سَيِّئَاتِي عَلَى أُمَّتِي لَمَّا يَحْيُونَ

بنی علیه اسلام فرموده قریب است که در آید بر ما من زمانه که دست داند

و دیدم تمام لباس را قلمم ندیدم هیچ لباسی برتر از برترین کاری
و دیدم تمام ایام را قلمم ندیدم هیچ مالی برتر از قناعت دیدم
تمام خوب کردار را قلمم ندیدم هیچ خوب کرداری برتر از خیر خواهی دیدم تمام
بن دیدم طعمای لذیذتر از صبر و از بعضی حکما منقول است که گفت
زیدم هیچ خصلت است اعتماد کردن بر خدا و پشیمانی بود از خلق و انحصار و زهد
در عمل و بردباری ظلم و قناعت کردن بران که در دست است فلان از بعضی عباد
ایشان منقول است که در مناجات گفت ای درازی امید فرقیه کردم و محبت
بلاک کردم و شیطان از راه ببرد مرا و نفس که به بدی امر کند
بعضی باز دست مرا همسین به بر معصیت مدد داد مرا پس یاد کرد
ای فریاد رسنده فریاد کنندگان اگر تو رحمت نکنی مرا پس کیست آنکه رحمت کند اگر رحمت تو
بنی علیه اسلام فرموده قریب است که در آید بر ما من زمانه که دست داند

الْحَمْسُ وَيَسْئَلُونَ الْحَمْسَ لِحَبْوَةِ الدُّنْيَا وَيَسْئَلُونَ الْآخِرَةَ وَ

يَحْبِزُونَ الْحَبْوَةَ وَيَسْئَلُونَ الْمَوْتَ وَيَحْبِزُونَ الْقَبُورَ وَيَسْئَلُونَ

الْقَبُورَ وَيَحْبِزُونَ الْمَالَ وَيَسْئَلُونَ الْحِسَابَ وَيَحْبِزُونَ الْخَلْقَ

وَيَسْئَلُونَ الْخَالِقَ وَقَالَ يَحْيَى بْنُ مَعَاذٍ الرَّازِيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ

فِي الْمَنَاجَاةِ إِلَهِي لَا يَطِيبُ اللَّيْلُ إِلَّا بِمَنَاجَاةِكَ وَلَا يَطِيبُ

النَّهَارُ إِلَّا بِطَاعَتِكَ وَلَا يَطِيبُ الدُّنْيَا إِلَّا بِذِكْرِكَ وَلَا يَطِيبُ

الْآخِرَةُ إِلَّا بِالْعَفْوِكَ وَلَا يَطِيبُ الْجَنَّةُ إِلَّا بِرُؤْيَاكَ بَاب

السُّلَايِمِيِّ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سِتَّةَ

أَشْيَاءَ هُنَّ غَرِيبَةٌ فِي سِتَّةِ مَوَاضِعَ الْمَسْجِدِ غَرِيبٌ فِيهَا

بَيْنَ قَوْمٍ لَا يَصَلُّونَ فِيهِ وَالْمَصْحَفَ غَرِيبٌ فِي مَنْزِلِ قَوْمٍ لَا

يَقْرَءُونَ فِيهِ وَالْقُرْآنَ غَرِيبٌ فِي جَوْفِ الْفَاسِقِ وَالْمَرْأَةَ

نزل
یعنی این سخن
چیز غریب است
چونکه سائر
چیزها در آن
جای نیست
یعنی این سخن
چیز غریب است
چونکه سائر
چیزها در آن
جای نیست
یعنی این سخن
چیز غریب است
چونکه سائر
چیزها در آن
جای نیست

در پنج چیز است و در هر موش گفته است پنج چیز را دوست خواهند داشت دنیا را و فراموش خواهند کرد و آخرت را و
دوست خواهند داشت زندگانی را و فراموش خواهند کرد موت را و دوست خواهند داشت خانه ای بنامند در هر شهر خواهند
دوست خواهند داشت و دوست خواهند داشت مال را و فراموش خواهند کرد حساب را و دوست خواهند داشت خلق را
و فراموش خواهند کرد و خلق را و یحیی بن معاذ رازی رحمه الله و بیاض
گفته است هر موش می آید شب که بر مناجات تو و خوش می آید
روز که طاعت تو و خوش می آید دنیا که ذکر تو و خوش می آید
نزدت که مهربانی تو و خوش می آید جنت که بیدارتو باب
مشهد
چیزند که آن در شش موضع غریب می باشند
تومی که نماز نمیکنند در آن و مصحف غریب است در خانه آن قوم که
نزدت میکنند در آن و قرآن غریب است در سین و بکار وزن

المسلمة الصلاة مغتربة في يد رجل يسيء الخلق والرجل
سلمه نيوكار غويبهت در دست مرد ظالم بدو
المسلمة الصلاة مغتربة في يد امرأة ذرية سيئة الخلق
سلم نيوكار غويبهت در دست زن كينه
العالم غريب بين قوم لا يسمعون النبي قال النبي عليه السلام
عالم غويبهت در میان اقوام كه نمی شنوند سخن او را ما از مني
ان الله تعالى لا ينظر اليهم يوم القيامة نظر الرحمة وقال النبي
يشك الله تعالى نحوه ديديسوي ايشان بروز قيامت بنظر رحمت
الله عليه وسلم ستة لعنتهم ولعنتهم الله تعالى وكل نبي
عليه وسلم فنود شش كس اندك لعنت كرده ام من آنان او لعنت كرده است خدا تعالى لعنة ابي
عقاب الدعوة التي ايدت في كتاب الله تعالى والمكذب بقد الله
مقبول الدعوى باشد مخي كندوه در كتاب الله تعالى و كذبيبت كندوه بقراب الله
تعالى والمكذب بالبحر وليعز من اذله الله ويذل من اعزه
و حكومت حاصل كندوه بزرگ دعوت و هياتش كه خوار كرده است خدا او را و خوار داره آنرا كه دعوت
الله والمستحل لحم الله تعالى والمستحل من غترتي ما حرم الله
دادش خدا او را و حلال دانده لحم خدا و حلال دانده بجني اولاد من ان چيز را كه حرام كرده است خدا
وتبارك استني فان الله تعالى لا ينظر اليهم يوم القيامة نظر الرحمة
و تبارك استني اما يشك خا نحوه ديديسوي ايشان بروز قيامت بنظر رحمت
قال بوبكر بن الصديق رضي الله عنه ان ابليس قائم امامك و
ابوبكر صديق رضي الله عنه گفته است كه ابليس اينستاده است باجودى تو و
التفلس عن يمينك والهو عن يسارك والذئب اعخ خلفك
لغس بر جانب راست تو و بخواهد بوس بد جانب چپ تو و ذئب است پشت تو

ان سعيا برك
السدق التي
صاحبه كان
تاريخه كل
ببروات ان علم
كردن نظر بگويان
ببروخين بگويان
سكبان بر
بالادلا حضرت
علم فون علم
غابره و بئيك
لعون فوا بود
سب

وَالْأَعْضَاءَ عَنْ جَوَارِكِ الْجَبَّارِ فَوْقَ بَالِقَدْرِ وإجزاء بدن بر گرد تو و خداوند غالب بر بالای تو یعنی از روی قیامت برقیام کان
قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ لَعْنَةُ اللَّهِ يَدْعُوكَ إِلَى تَرْكِ الدِّينِ النَّفْسُ لَدَعْوِكَ پس ابن عباس ملعون میخواند ترا بسوی ترک دین و نفس میخواند ترا بسوی
لِلْمَعْصِيَةِ وَالْمَهْوَى لَدَعْوِكَ إِلَى الشَّهْوَةِ وَالذَّنْبِ يَأْتِيكَ دَعْوِكَ معصیت و هوس میخواند ترا بسوی شهوت دنیا میخواند ترا بسوی الله
اخْتِيَارًا عَلَى الْأَخْزَةِ وَالْأَعْضَاءَ تَدْعُوكَ إِلَى الذَّنْبِ وَ برگزینی دنیا را بر آخرت و اجزای بدنی میخواند ترا بسوی گناهان
الْجَبَّارِ يَدْعُوكَ إِلَى الْجَنَّةِ وَالْمَغْفِرَةِ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى اللَّهُ يَدْعُوكَ خداوند چهار میخواند ترا بسوی بهشت و آمرزش چنانکه خدا میفرماید و الله يدعو الی الجنة
إِلَى الْجَنَّةِ وَالْمَغْفِرَةِ فَمَنْ أَحَابَ ابْنُ عَبَّاسٍ هَبَّ عَنْهُ الدِّينَ و خدا میخواند بسوی بهشت و آمرزش پس هر که گفته ایس قبول کرد گمش از دین
وَمَنْ أَحَابَ النَّفْسَ هَبَّ عَنْهُ الرُّوحُ وَمَنْ أَحَابَ الْمَهْوَى و هر که گفته نفس را قبول کرد گمش از روی روح حق و هر که قبول کرد گفته هوا را
ذَهَبَ عَنْهُ الْعَقْلُ وَمَنْ أَحَابَ النَّبَا ذَهَبَ عَنْهُ الْأَخْزَةُ گمش از روی عقل و هر که قبول کرد گفته دنیا را گمش از روی آخرت
وَمَنْ أَحَابَ الْأَعْضَاءَ ذَهَبَ عَنْهُ الْجَنَّةُ وَمَنْ أَحَابَ و هر که قبول کرد گفته اعضا را گمش از روی بهشت و هر که قبول کرد از روی
اللَّهُ تَعَالَى ذَهَبَ عَنْهُ السِّيَاتُ وَإِلَ حَمِيحِ الْخَيْرَاتِ خدا تعالی را گمش از دنیا و رسید بر جمیع خوبها
وَقَالَ عُمَرُ رَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى كَتَمَ سِتْرِي و عمر رضی الله تعالی عنه گفته خدا تعالی مرا گمش چیزها را در سینه

این سخن از ابن عباس است
 و گفته است که از روی
 اینست که از روی
 خدایت که در کتاب
 است و این سخن
 که در کتاب است
 از زبان الله تعالی
 از زبان ابن عباس
 یعنی چون طاعت
 نفس را بر تو
 بسوی غلبه
 در سینه تو
 شد پس گشت از یاد

سِتَّةَ كَلِمَاتٍ الرِّضَاءُ فِي الطَّاعَةِ وَكَلِمَةُ الْغَضَبِ فِي النَّصِيحَةِ

وَكَلِمَةُ اسْمِ الْأَعْظَمِ فِي الْقُرْآنِ وَكَلِمَةُ لَيْلَةِ الْقَدْرِ فِي شَهْرِ رَجَبٍ

وَكَلِمَةُ الصَّلَاةِ الْوَسْطَى فِي الصَّلَاةِ وَكَلِمَةُ يَوْمِ الْقِيَامَةِ فِي الْأَيَّامِ وَقَالَ عَثْمَانُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ إِنَّ الْمَوْتِ

فِي سِتَّةِ أَنْوَاعٍ مِنْ لَحْوٍ وَاحِدٍ هَا مِنْ قَبْلِ اللَّهِ تَعَالَى أَنْ يَأْخُذَ

مِنْهُ الْإِيمَانُ وَالثَّانِي مِنْ قَبْلِ الْخَفْظَةِ أَنْ يَكْتُبُوا عَلَيْهِ مَا

يَقْضِيهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالثَّلَاثُ مِنْ قَبْلِ الشَّيْطَانِ أَنْ يَنْطَلِعَكَ

وَالرَّابِعُ مِنْ قَبْلِ مَلَكَ الْمَوْتِ أَنْ يَأْخُذَهُ فِي عَقْلِهِ كِبْفَتَهُ وَالْخَامِسُ

مِنْ قَبْلِ الْمَلَأِئِيلِ أَنْ يَغْتَرَّبَهَا وَتَشْغَلُكَ عَنِ الْآخِرَةِ وَالسَّادِسُ

مِنْ قَبْلِ أَهْلِ الْعِيَالِ أَنْ يَشْتَغَلَ بِهِمْ فَيَسْغَلُونَهُ عَنِ ذِكْرِ

اللَّهِ تَعَالَى وَعَنْ عَلِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ قَالِمَ مِنْ جَمْعِ سِتَّةِ

كَلِمَاتٍ

مِنْ قَبْلِ الْمَلَائِكَةِ أَنْ يَسْأَلُوا عَنْهَا وَتَسْأَلُكَ عَنْهَا

وَتَسْأَلُكَ عَنْهَا

وَتَسْأَلُكَ عَنْهَا

وَتَسْأَلُكَ عَنْهَا

Handwritten marginal notes in Persian script on the left side of the page, providing commentary on the main text.

خِصَالٌ لَمْ يَدْعَ لِحُجَّةٍ مَطْلَبًا وَلَا عَنِ النَّارِ مَهْرَبًا وَأَمَّا عَرَفَ

خصلت را در طلب است برای جنت طلبی ما و نه از دوزخ جای گریز است اول آنکه دهنست

اللَّهُ تَعَالَى فَطَاعَهُ وَبَعَرَ الشَّيْطَانَ فَصَبًا وَعَرَفَ الْآخِرَةَ

خدا را پس اطاعت کرد او را و دهنست شیطان را پس نافرانی کرد او را و دهنست آخرت را

فَطَلَبَهَا وَعَرَفَ الدُّنْيَا فَرَضَهَا وَعَرَفَ الْحَقَّ فَاتَّبَعَهُ وَعَرَفَ

پس طلب کرد آنرا و دهنست دنیا را پس ترک کرد آنرا و دهنست حق را پس پیروی کرد آنرا و دهنست

الْبَاطِلَ فَاجْتَنَبَهُ وَقَالَ يَصْنَعُ النَّعَمُ سِتَّةَ شَيْءٍ الْإِسْلَامَ

حق باطل را پس بسوی کرد آنرا و نیز گفته است نعتها شش چیز است اسلام

وَالْقُرْآنَ وَحَمْدَ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَتَعَاوِيَةَ وَالسُّبْرَةَ وَالغِنَى عَنِ

و قرآن و حمد رسول الله و تدرستی و پوشش و بی نیازی از اهل

الدُّنْيَا وَعَنْ أَبِي زَيْدٍ مَعَاذِ الرَّازِيِّ رَحِمَهُ اللَّهُ الْعِلْمَ دَلِيلَ

عالم و از بهرین معاذ رازی رحمه الله علم دلیل

الْعَمَلِ وَالْفَهْمِ وَعَاءِ الْعِلْمِ وَالْعَقْلِ قَائِدَ الْخَيْرِ وَأَهْوَى

عمل است و فهم آرد علم است و عقل برکنده غیرهاست دهنوا

مَرْكَبَ لِلذُّنُوبِ وَالْمَالِ دَاءَ الْمُتَكَبِّرِينَ وَالذُّنُوبَ سَوْقَ

سوارای گناهان است مال چاهری است مکرر کننده گان را و دنیا بازار

الْآخِرَةِ قَالَ أَبُو زَيْدٍ هِيَ خِصَالٌ تَقْدِيلُ جَمِيعِ الدُّنْيَا

آخرت است آنرا در همه گفته است شش خصلت است آنکه برابر اندهم دنیا را

الطَّعَامَ الْبَرِيَّ وَالْوَلَدَ الصَّالِحَ وَالزَّوْجَةَ الْمُوَافِقَةَ وَالكَلَامَ الْحَكِيمَ

طعام خوشگوار و اولاد نیکو کار و زن موافق مزاج و گفتگوی استوار

وَكَمَالَ الْعَقْلِ وَحَيَّةَ الْبَدَنِ وَعَنْ أَحْسَنِ الْبَصْرِيِّ رَحِمَهُ اللَّهُ

و عقل تمام و تندستی بدن و از حسن بصیری رحمه الله است

بعضی ازین
شش خصلت
از نظر جن
فایده است
دارد و فرغ
پنجاهی است

لَوْلَا الْإِبْدَالُ لَخَسَفَتِ الْأَرْضُ مَا فِيهَا وَلَوْلَا الصَّالِحُونَ

اگر نبودند میابدان فلان البته فرو میرفت زمین و آنچه در سبب و اگر نبودند می بکنند کاران

هَلَّا لَطَمَ الْحُزْنَ وَلَوْلَا الْعُلَمَاءُ لَصَارَ النَّاسُ كَمَا يَهَابُهُمُ

البته هلاک میشدند بکاران و اگر نبودند می علماء البته میشدند آدمیان مثل جباران

وَلَوْلَا الشُّطْرَانُ لَهَلَكَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا وَلَوْلَا الْحَقَّاءُ لَخَرِبَتِ

و اگر نبود می بلوط و البته میشدت یکی مردگری هلا و اگر نبودند می ابلهان ایند خراب میشد

الدُّنْيَا وَلَوْلَا الرِّيحُ لَرَأَيْنَا كُلَّ شَيْءٍ وَعَنْ بَعْضِ الْحُكَمَاءِ أَنَّهُ

دینا و اگر نبود می باد البته بود همیشه هر یک چیز قاز ببطیفه سخن منقول است که

قَالَ مَنْ أَحْسَنَ اللَّهُ أَمْرًا يَمُنُّ مِنْ زَلَّةِ اللِّسَانِ مَنْ أَحْسَنَ قَدْرًا

گفت هر که می ترسد از خدا نجات نمی یابد از لغزش زبان و هر که نمی ترسد از رسیدن او

عَلَى اللَّهِ يَنْجِبُ قَلْبَهُ مِنَ الْحَرَامِ وَالشُّبُهَاتِ مَنْ يَكُنْ إِسْأَعِينَ

بحضرت برود و کار نجات نمی یابد دل او از حرام و شبهه و هر که نا امید نمی گردد از خلق

لَيُخْلَقَ مِنْهُمْ مَنْ يَحْفَظُ عَلَى عِلْمِهِمْ يَنْجِبُ مِنَ الرِّبَاةِ

نجات نمی یابد از مبع و هر که نگهبان نمی باشد بر عمل خویش نجات نمی یابد از ریا

وَمَنْ لَمْ يَسْتَعِنْ بِاللَّهِ عَلَى احْتِرَاسِ قَلْبِهِ لَمْ يَنْجِبْ مِنَ الْخَسَدِ وَمَنْ

و هر که مدد نمی جوید از خدا به محافظت دل خویش نجات نمی یابد از حسد و هر که

لَمْ يَنْظُرْ إِلَى مَنْ هُوَ أَفْضَلُ مِنْهُ عِلْمًا وَعَمَلًا لَمْ يَلْجِ مِنَ الْعَجَبِ

آنظر نمی کند به سوی بالاتر از روی در علم و عمل نجات نمی یابد از خود پسندی

وَعَنْ الْحَسَنِ الْبَصْرِيِّ أَنَّهُ قَالَ لَنْ فَسَادَ الْقُلُوبِ عَزْسَةٌ

و از حسن بصری روایت است که گفت فساد شدن دلها از عجز است

أَشْيَاءٌ أَوْهَا يَنْبَغُ بِرِجَاءِ التَّوْبَةِ وَتَعَلُّمِ الْعِلْمِ وَلَا يَمُوتُ

است اول آنست که گناه میکند بر امید توبه و علم می آموختن و عمل نمی گشت

فصل
در بیان فضیلت
مغزول است
سنگز است
شان دنیا
فاجر است
چون کسی
ایشان می
میرود جانان
دیگری
مشهور است

بَابُ ٥٤ . السَّادِسُ

وَإِذْ أَعْلَمُوا الْإِحْصَاءَ وَيَأْكُلُونَ رِزْقًا لَهُمْ وَلَا يَشْكُرُونَ

وهرگاه عمل میکنند اخصای می ورزند و رزق خدا داد میخورند و شکر بجای می آرند و

لَا يَرْجُونَ لِقَاءَ اللَّهِ يَتَوَلَّوْنَ أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا يُعْتَبِرُونَ وَقَالَ

سازنی نمی باشد بر شمت کرده اند و دین میکنند مردگان اولیای او حضرت نمی پذیرند و گفت

أَيضًا مَنْ أَرَادَ الدُّنْيَا أَلْجَأَهَا عَلَى الْآخِرَةِ عَاقِبَةُ اللَّهِ

بهرگوشست دنیا را درگزید آنرا بر آخرت . بدان خواهد کرد و در خدا

عَقوباتٍ ثَلَاثٌ فِي الدُّنْيَا وَثَلَاثٌ فِي الْآخِرَةِ أَمَّا الثَّلَاثُ الَّتِي هِيَ

عقوبات سه آزان در دنیا و سه آزان در آخرت پس آن سه عقوبت که

فِي الدُّنْيَا فَمَا لَمْ لَيْسَ لَهُ مَنِّي وَحَرَمٌ لَيْسَ لَهُ قِنَاعَةٌ

در دنیا باشند پس ایندست که نیست آزار آنها و حرمی غالب است که نیست برای آن قناعت

وَإِذْ مِنْهُ حَلَاقَةُ الْعِبَادَةِ وَأَمَّا الثَّلَاثُ الَّتِي هِيَ فِي الْآخِرَةِ

و باز دشته خواهد شد از لذت عبادت و آن سه عقوبت که در آخرت است

فَقَوْلُ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَالْحِسَابُ الشَّدِيدُ وَالْحَسْرَةُ الطَّوِيلَةُ

پس پس روز قیامت است و حساب سخت و حسرت دراز

وَقَالَ أَحْنَفُ بْنُ قَيْسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ لِأَرَا حَةَ لِحَسْرَةٍ

و آحنف بن قیس رضی الله عنه گفت نیست راحتی مر حاسرا

وَأَمْرٌ وَهُوَ لِلْكَذِّبِ وَبِالْحَيْلِ وَالْإِيفَاءِ لِلْمَلُوكِ

و نیست مردت مرد و مغورا و نیست جلد مرخیل را و نیست و نام بادشاهان را

وَأَسْوَدُ لَيْسِي الْخَلْقِ وَلَا رَأَى لِقْضَاءِ اللَّهِ وَسُئِلَ عَنْ

و نیست ریاست مرید خوزا و نیست باز دارنده مر تقدیر الله و آرزوی بعضی

بَعْضُ الْحُكَمَاءِ هَلْ يَعْرِفُ الْعَبْدُ إِذَا نَأَى تَوْبَتَهُ قَبْلَهُمْ

علماء پرسیدند ایامی که باشد هرگاه توبه کند که توبه او مقبول شد یا

رَدَّتْ قَالَ لَا أَحْكُمُ فِي ذَلِكَ وَلَكِنْ لِيُذَكِّرَ عِلْمًا بِالْخُلُوعِ
 ان يري نفسه غير معصومة من العصية ويرى في قلبه
 الفرح غائباً والحزن شاهداً ويقرب هل الخير ويبعد
 الشر ويرى القليل من الدنيا كثيراً ويرى الكثير من عمل
 الآخرة قليلاً ويرى قلبه مشتغلاً بما ضمن من الله تعالى
 فأرغمه ضمن الله تعالى منه ويكون حافظاً للسان دائم
 الفكرة لازم الغم والندامة وقال الحبي بن معاذ رحمه الله
 من أعظم إحتراغ عند التهادي في الذنوب رجاء العفو
 من غير ندامة وتوقع القرب من الله تعالى الغير طاعة وابتغاء
 رزق الجنة ببذر البئار وطلب دار الطيعين بالمعاصي والسيئات
 الحسن لا يغير عمل والتمني على الله عز وجل مع الأوقات المشعر

بار و کرده خدا گفت در باب این می توانم کرد
 ان يري نفسه غير معصومة من العصية ويرى في قلبه
 الفرح غائباً والحزن شاهداً ويقرب هل الخير ويبعد
 الشر ويرى القليل من الدنيا كثيراً ويرى الكثير من عمل
 الآخرة قليلاً ويرى قلبه مشتغلاً بما ضمن من الله تعالى
 فأرغمه ضمن الله تعالى منه ويكون حافظاً للسان دائم
 الفكرة لازم الغم والندامة وقال الحبي بن معاذ رحمه الله
 من أعظم إحتراغ عند التهادي في الذنوب رجاء العفو
 من غير ندامة وتوقع القرب من الله تعالى الغير طاعة وابتغاء
 رزق الجنة ببذر البئار وطلب دار الطيعين بالمعاصي والسيئات
 الحسن لا يغير عمل والتمني على الله عز وجل مع الأوقات المشعر

بار و کرده خدا گفت در باب این می توانم کرد
 ان يري نفسه غير معصومة من العصية ويرى في قلبه
 الفرح غائباً والحزن شاهداً ويقرب هل الخير ويبعد
 الشر ويرى القليل من الدنيا كثيراً ويرى الكثير من عمل
 الآخرة قليلاً ويرى قلبه مشتغلاً بما ضمن من الله تعالى
 فأرغمه ضمن الله تعالى منه ويكون حافظاً للسان دائم
 الفكرة لازم الغم والندامة وقال الحبي بن معاذ رحمه الله
 من أعظم إحتراغ عند التهادي في الذنوب رجاء العفو
 من غير ندامة وتوقع القرب من الله تعالى الغير طاعة وابتغاء
 رزق الجنة ببذر البئار وطلب دار الطيعين بالمعاصي والسيئات
 الحسن لا يغير عمل والتمني على الله عز وجل مع الأوقات المشعر

يُرْوَى الْجَنَّةَ وَلَا يَسْأَلُ مَسْئَلَهَا إِنَّ السَّفِينَةَ لَرَجْرَجِي عَلَى

امید میدارد و نجات را از حق سب و راه آن
هر آینه کشی بر خیزد
روان

الْبَيْسِ وَقَالَ أَحْمَدُ بْنُ قَبِيصٍ حِينَ سَأَلَ لُخَيْرَ مَا لَطَعَ الْعَبْدَ

بن بس هر گاه بر سیده شد که چیت بهترین آنکه بنده داوره میشود
دخف
نیشود

قَالَ عَقْلٌ غَزِيٌّ قِيلَ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ قَالَ دَبَّحًا قِيلَ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ

گفت عقل پیدا میشی فل گفتد پس اگر نباشد گفتد طریقه
نیک
گفتد پس اگر نباشد

قَالَ صَلْبٌ مُوَافِقٌ قِيلَ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ قَالَ قَلْبٌ مُرَابِطٌ قِيلَ

گفت پلر موافق گفتد پس اگر نباشد
گفتد دل متعلق بقدا گفتد
گفتد

فَإِنْ لَمْ يَكُنْ قَالَ طَوْلٌ الصَّمْتِ قِيلَ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ قَالَ مَوْتٌ فَخَفِرَ

پس اگر نباشد گفت خاموشی دراز
گفتد پس اگر نباشد گفت موت فی القبر

بِأَنَّ السَّبْعَ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى

باب اشیا و سینه زمانه از ابو هریره رضی الله عنه که روایت میکند از نبی صل

اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سَبْعَةَ نَفَرٍ يُظَاهِمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تَحْتَ

الله علیه وسلم هفت کس اند که سایه خواهد داد آنان را خدا بر روز قیامت زیر

ظِلِّ عَرْشِهِ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ أَوْ لَمْ يَأْمُرْ عَادِلٌ وَشَاكٌ

سایه عرش خویش روزی که هیچ سایه نیست سوا از سایه آن اول ایشان یا از شاه عادل و جوانی

نَشَأَ فِي عِبَادَةِ اللَّهِ تَعَالَى وَرَجُلٌ ذَكَرَ لِلَّهِ خَالِيًا فَفَضَلَتْ

که در عبادت الله تعالی کلان شد و مردی که در خلوت خدا را یاد کرد پس ریختند

عَيْنَاهُ دَمْعًا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ تَعَالَى فَزَجَلَ قَلْبَهُ مُتَعَلِّقًا

چشمان او اشک راه از خوف خدا تعالی و مردی که دلش متعلق باشد

بِاللَّيْحِيِّ حَتَّى يَرْجِعَ إِلَيْهِ وَرَجُلٌ صَدَقَ قَدْ صَدَقَ فَلَمْ تَعْلَمْ تَهْتَالُ

برود بوی آن فل و مردی که صدقه داد پس ندانست دست چپ او
تا آنکه
باسجد

من
مراد از عقل
پیدا میشی نیست
که حق تعالی
در پدید آید
عقل حلاوت
که آن خوبتر
باشد

من
یعنی بعد از اداء
غدا خواهد بود
درین سخن
که بگوید
و درین
را حکایت
چون بر آن
باشد

باب ۹۵ . السبع

بِمَا صَنَعَتْ يَمِينُهُ وَرَجُلَانِ تَحَاكَبَا فِي اللَّهِ وَرَجُلٍ عِنْدَ امْرَأَةٍ
 که چه کرد دست راست او قتل و آن دو مرد که با هم محبت و نزیدند برای خدا و مردی که او را زنی

ذَاتِ عَمَلٍ إِلَى نَفْسِهَا فَأَبَى وَقَالَ لِي أَخَافُ اللَّهَ تَعَالَى وَقَالَ
 صاحب جمال نبوی خویش خواند پس او اظهار کرد گفت من از خدا تعالی می ترسم و او بگوید

أَبُو بَكْرٍ الصِّدِّيقِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ الْبَخِيلُ لَا يَخْلُو مِنْ حَيْثُ السَّبْعُ
 صدیق رضی الله عنه گفت بخیل خالی نمی باشد از کجی بخل بخت خصلت

فَمَا أَرَيْتُكَ سَفِيرًا مَنْ يَبِيدُ مَالَهُ وَيَنْفِقُهُ لغيرِ مَا أَرَى اللَّهُ تَعَالَى أَوْ
 آنکه بگوید و وارث او نیست باشد صرف کند مال او را و خرج کند در امری که امر نفع ندهد است خدا جان یا

يَسْلُطُ اللَّهُ عَلَيْهِ سُلْطَانًا بَأْسًا أَقْبَحَ أَخَذَهُ مِنْهُ بَعْدَ تَذَلُّلِ نَفْسِهِ
 غالب گردد از خدا تعالی بر آن بخیل با دغا غلام دار پس بگیرد آن مال از آن بخیل بعد خواری نفس او یا

يَهْلِكُ شَهْوَى يُقْسِدُ عَلَيْهِ مَالَهُ أَوْ يَبْدُو لَكَ رَأْيِي فِي بَيْتِكَ أَوْ حَارَةَ
 خواهی در در بر خیزد که تباہ گرداند بر آن مال خود را یا پیدا شود او را رانی در بنای مکان یا آب کردن

فِي أَرْضٍ خَرَّاقِيْدٍ هَبْنِي مَالَهُ أَوْ يَصِيبُ لَكَ نَكْبَةً مِنْ تَكْبِكَ
 زمین افتاد پس صرف شود در آن مال او قتل یا برسد او را معینی از مصائب

الَّذِي يَمِينُ عَرَقٍ أَوْ حَرَقٍ أَوْ سَرْقَةٍ وَمَا أَشْبَهَ ذَلِكَ وَيَصِيبُ
 دنیا عرق شدن یا سوختن یا زردی و مانند این یا لافق شود او را

عَلَيْهِ دَائِمَةٌ قَيْنِيقٌ مَالَهُ فِي مَدَاوِنِهَا أَوْ يَدْفِنُهُ فِي مَوْضِعٍ
 مرض مزمن که خرج کند مال را در علاج آن یا دفن کند مال را در جایی

مِنْ الْمَوَاضِعِ فَيَسْمَأُهُ فَلْيَجِدْ قَالَ عُمَرُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ مِنْ
 از جاهلیس فراموش کند آن جبار دنیا بدان مال را عمر رضی الله عنه گفته هر که

كَرُّهُنَّ قُلْتَ هَيْبَةٌ وَمَنْ اسْتَخَفَّ بِاللَّيْلِ اسْتَخَفَّ بِالنَّهْرِ
 بسیار باشد خندیدن او کم شود و سبب او و هر که سبک گرداند کسان را سبک باشد و هشته شود او را

باید که در این باب
 از آن مطلع شود
 و بدان که در این
 زمین و در آن
 غایب کردن
 و این که در این
 و این که در این
 و این که در این

وَمِنْ أَكْثَرِ شَيْءٍ عَرَفْتُ بِهِ وَمِنْ أَكْثَرِ كَلِمَةٍ كَثُرَتْ سَقَطَهُ وَمِنْ
كَثُرَتْ سَقَطَهُ قَلَّ حَيَاؤُهُ وَمِنْ قَلَّ حَيَاؤُهُ قَلَّ وَرْعُهُ وَمِنْ
قَلَّ وَرْعُهُ مَاتَ قَلْبُهُ وَعَنْ عَمْرِو بْنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّهُ قَالَ
فِي قَوْلِ تَعَاوَنَّا وَإِن طَمَعْنَا لَمَنَّا وَإِن كَانُوا صَالِحًا قَالَ
الْكُزْبُ لَوْحٌ مِنْ ذَهَبٍ عَلَيْهِ سَبْعَةٌ أَسْطُرٌ مَكْتُوبَةٌ أَحَدُهَا
عَجِبْتُ لِمَنْ عَرَفَ الْمَوْتَ وَهُوَ يُضْحِكُ وَعَجِبْتُ لِمَنْ عَرَفَ
الدُّنْيَا فَانِيَةً وَهُوَ رَغِبَ فِيهَا وَعَجِبْتُ لِمَنْ عَرَفَ الْأُمُورَ
بِأَقْدَارِهَا وَهُوَ يَغْتَمِرُ لِلْفَوَاتِ وَعَجِبْتُ لِمَنْ عَرَفَ الْحِسَابَ وَهُوَ
يَجْمَعُ مَالًا وَعَجِبْتُ لِمَنْ عَرَفَ النَّازِ وَهُوَ يَدِينُ وَعَجِبْتُ لِمَنْ
عَرَفَ اللَّهَ يَقِينًا وَهُوَ يَدِينُ لِمَنْ غَيْرِهِ وَعَجِبْتُ لِمَنْ عَرَفَ الْجَنَّةَ
يَقِينًا وَهُوَ يَسْتَرْجِعُ بِالْدُّنْيَا وَعَجِبْتُ لِمَنْ عَرَفَ الشَّيْطَانَ عَدُوًّا

کلمه است که در بیشتر کتابها
 بسیار است همان که در بیشتر کتابها
 و حضرت عمر از آن سخن
 می گویند که در این دنیا
 و حضرت عمر از آن سخن
 می گویند که در این دنیا
 و حضرت عمر از آن سخن
 می گویند که در این دنیا
 و حضرت عمر از آن سخن
 می گویند که در این دنیا

و هر که کثرت و زود در چیزی مشهور گردد این خبر را که بسیار است کلام او بسیار است
 بسیار باشد بیگانه شود جا او و هر که کم گردد بسیار است کلام او بسیار است
 کم باشد بر چیز گاری او میبرد دل او آواز عثمان رضی الله عنه روایت است که
 در فقیر این است و بود در زیر دیوار خزان برای آن دو تیم بود در ایشان نیکو کار
 آن خزان لوح طلا بود و بر آن هفت سطر نوشته بودند فی در یک روز
 و عجب میکنم برای آنکس که دهنش موت را داد و میخورد و عجب میکنم از آنکس که دانست
 دنیا را فنا شوده داود آن عجب میکند و عجب میکنم از آنکس که میداند که جله امور متعین
 است تقدیر اند و او از وقت کاری نمی خورد و عجب میکنم از آنکس که میداند حساب را و او
 مال جمع میکند و عجب میکنم از آنکس که میداند دوزخ را و او میکند و عجب میکنم
 از آنکس که یقین میداند خدا را و او با دیگر غیر خدا را و عجب میکنم از آنکس که یقین میداند
 و عجب میکنم از آنکس که شیطان او دشمن میداند

فَأَطَاعَهُ وَسِعِلَّ عَلَى رَجُلٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ مَا أَثْقَلَ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا
 أَوْسَعُ مِنَ الْأَرْضِ وَمَا أَعَزَّ مِنَ الْحَيْرِ وَمَا أَشَدَّ مِنَ الْحَجْرِ وَمَا
 أَحْرَمَ مِنَ النَّارِ وَمَا أَبْرَدَ مِنَ الزَّمْهِرِ وَمَا أَمْرٌ مِنَ السَّمِّ فَقَالَ
 عَلَى رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ الْبَهْتَانِ عَلَى لَبِّ أَيْ أَثْقَلَ مِنَ السَّمَاءِ وَالْحَجْرِ
 أَوْسَعُ مِنَ الْأَرْضِ وَقَلْبُ الْقَائِمِ أَعَزُّ مِنَ الْحَيْرِ وَقَلْبُ النَّافِرِ
 أَشَدُّ مِنَ الْحَجْرِ وَالسُّلْطَانُ الْبَكَّارُ أَحْرَمُ مِنَ النَّارِ وَالْحَاجَةُ إِلَى
 اللَّيْبِ أَبْرَدُ مِنَ الزَّمْهِرِ وَالصَّبْرُ أَمْرٌ مِنَ السَّمِّ وَقِيلَ
 الْهَيْبَةُ أَمْرٌ مِنَ السَّمِّ وَقَالَ النَّبِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ الدِّينَارُ مَرَّةً
 كَلَدَارِكٍ وَمَالٌ مِنْ لَأَمَالٍ لَهُ وَمَالُهُمْ مِنْ لَأَعْقَلٍ وَيَسْتَعْلَمُ
 بِشَهْوَتِهَا مِنْ لَأَقْبَمَةٍ لَهُ وَعَلَيْهَا عَاقِبُ مَنْ لَأَعْلَمُ لَهُ وَلَهَا
 حَسَدٌ مِنْ لَأَبْتٍ لَهُ وَلَهَا سَعَمٌ مِنْ لَأَيَقِينُ لَهُ وَكَرَجَلٌ
 مِنْ لَأَبْسٍ لَهُ

بظاعت میکند او را و برسدند از علی رضی الله عنه چه چیز گویان بار ترست از آسمان چه
 فرخ ترست از زمین و چه چیز توانگر ترست از دریا و چه چیز سخت ترست از سنگ و چه چیز
 گرم ترست از آتش و چه چیز سرد ترست از زمهریر و چه چیز تلخ ترست از زهر پس
 علی رضی الله عنه جواب داد بپتان بسین بر خلق گران ترست از آسمان و دوزخ
 فرخ ترست از زمین و دل فراعنت گزین توانگر ترست از دریا و دل منافق
 سخت ترست از سنگ و ما و شاه ظالم سوزان ترست از آتش فلک و حاجت بردن بجز
 فرودمان بجز زهرست از زمهریر و صبر کردن تلخ ترست از زهر و درویشی
 سخن جبین تلخ ترست از زهرست و بی عقلی علی الله علیه وسلم فرمود دنیا خانه کس است
 که برای او خانه نباشد و دنیا مال کس است که برای او مال نباشد و دنیا آتش کس است که
 و در شهوات دنیا کس شغول آید که فهم نداشته باشد و بر دنیا کس برود که علم نداشته باشد و برای
 و آن جابر

ابن عبد الله الاصبغى رضى الله عنه عن النبي صلى الله عليه وسلم

عليه وسلم انه قال فزال يوصيني جبرئيل بالسبا حتى

ظننت انه يجعل وارثا وما زال يوصيني بالسبا حتى

ظننت انه يسحرم طلاقهن وما زال يوصيني بالملوكين

حتى ظننت انه يجعل لهم وقتا يعترفون فيه وما زال

يوصيني بالسؤال حتى ظننت انه فريضة وما زال يوصيني

بالصلوة في الجماعة حتى ظننت انه لا يقبل الله تعالى

صلوة الا في الجماعة وما زال يوصيني بقيام الليل حتى

ظننت انه لانوم بالليل وما زال يوصيني بذكر الله حتى

ظننت انه لا ينفع قول الابيه وقال النبي صلى الله عليه وسلم

سبعة لا ينظر اليهم الخالق يوم القيمة ولا يبرك لهم و

بن عبد الله الاصبغى
رضي الله عنه
عن النبي صلى الله عليه وسلم
عليه وسلم
انه قال
فزال
يوصيني
جبرئيل
بالسبا
حتى
ظننت
انه
يجعل
وارثا
وما
زال
يوصيني
بالسبا
حتى
ظننت
انه
يسحرم
طلاقهن
وما
زال
يوصيني
بالملوكين
حتى
ظننت
انه
يجعل
لهم
وقتا
يعترفون
فيه
وما
زال
يوصيني
بالسؤال
حتى
ظننت
انه
فريضة
وما
زال
يوصيني
بالصلوة
في
الجماعة
حتى
ظننت
انه
لا
يقبل
الله
تعالى
صلوة
الا
في
الجماعة
وما
زال
يوصيني
بقيام
الليل
حتى
ظننت
انه
لانوم
بالليل
وما
زال
يوصيني
بذكر
الله
حتى
ظننت
انه
لا
ينفع
قول
الابيه
وقال
النبي
صلى
الله
عليه
وسلم
سبعة
لا
ينظر
اليهم
الخالق
يوم
القيمة
ولا
يبرك
لهم
و

گمان بردم که جبرئیل بمسایر وارث خواهد ساخت و امام در حق
ازواج و وصیت میکرد
گمان کردم که قریب است که طلاق دادن زنان حرام گردد و امام وصیت میکرد در حق بندگان
تا آنکه گمان کردم که معین سازد برای علایان مدانی که دوران آزاد شوند و امام
ما را وصیت میکرد برای سواک کردن تا آنکه گمان کردم که سواک فریضه است و امام ما را برای نماز
در جماعت و وصیت می کرد تا آنکه گمان کردم که الله تعالی قبول نمیکند
نمازها مگر آنکه در جماعت ادا شود و امام ما را وصیت میکرد برای بیداری شب تا آنکه
گمان بردم که نیست خفتن در شبها و امام ما را وصیت میکرد بذكر الله تا آنکه
گمان کردم که نفع نمیشود هیچ قولی مگر بذكر خدا و جمیع علیه اسلام نشود

روایت میکند
که نشد بود جبرئیل ما را در حق مسایر امام وصیت میکرد
گمان بردم که جبرئیل بمسایر وارث خواهد ساخت و امام در حق
ازواج و وصیت میکرد
گمان کردم که قریب است که طلاق دادن زنان حرام گردد و امام وصیت میکرد در حق بندگان
تا آنکه گمان کردم که معین سازد برای علایان مدانی که دوران آزاد شوند و امام
ما را وصیت میکرد برای سواک کردن تا آنکه گمان کردم که سواک فریضه است و امام ما را برای نماز
در جماعت و وصیت می کرد تا آنکه گمان کردم که الله تعالی قبول نمیکند
نمازها مگر آنکه در جماعت ادا شود و امام ما را وصیت میکرد برای بیداری شب تا آنکه
گمان بردم که نیست خفتن در شبها و امام ما را وصیت میکرد بذكر الله تا آنکه
گمان کردم که نفع نمیشود هیچ قولی مگر بذكر خدا و جمیع علیه اسلام نشود

بغت کعبه اند که هیچ بوسی ایشان خدا . بروز قیامت . فزنده پاک کند آنها را و

يَدْخُلُهُمُ النَّارَ الْفَاعِلُ وَالْمَفْعُولُ وَالنَّارُ كَالْمَيْدِ وَنَا كِه

البهيمية ونا كِه المرأة من ذرها وجامع بين المرأة وابنتها

والزاني بجليته جارِه والمؤذي جاره حتى يلعنوا وقال

النبي صلى الله عليه وسلم اشهدوا سبعة سوي القبول

في سبيل الله واقولهم المبطون شهيد والغريق شهيد و

صاحب ذات لجنب شهيد والطعون شهيد والحريق

شهيد والميت تحت الهدم شهيد والمرأة التي ماتت عزرا

الوكاد شهيد وعن ابن عباس رضي الله عنه احق

على لعاقل ان يختار سبعة على سبع الفقير على الغني والذليل

على العز والتواضع على الكبر والجوع على الشبع والغم

على السرور والكدون على المترف والموت على الحيوة

فَاعِلُ يَدْخُلُهُمُ... نَارًا كَالْمَيْدِ... وَنَا كِه... الْبُهَيْمِيَّةُ... وَنَا كِه الْمَرْأَةُ... وَالْمَوْذِي جَارِه... النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ... فِي سَبِيلِ اللَّهِ... صَاحِبُ ذَاتِ لَجْنَبٍ... الشَّهِيدُ وَالْمَيْتُ... الْوَكَادُ... عَلَى الْعَاقِلِ... عَلَى الْعِزِّ وَالْتَوَاضُعِ... عَلَى السَّرُورِ وَالْكَدُونِ

داخل كندا نال ما در مخرج افلام كنده و افلام كرده شده و آزرده مي بستر خود و فعل به
كند ه با ج ا ب ا يان و ج ا م ك ن د ز ن م ا در د بر او و م ج ك ن د ز ن و د ف ت ا و ر ا در م ج ا م
و ز ن ا ك ن د ه م ا ز ن م س ا م ي ه خ و ا ش و ا ز ا د د ب ن د ه م س ا م ا ر ا ن ا ك ن د م س ا م
ل ع ن ت ك ن د م ر د ي ت و م ي
ص ل ي الله ع ل يه و س ل م ف ر و د ش ه د ا ر ه م ت ا ن د
خ د ا اول ا ن ش ا ن م ي ز م د ه در س ه م ا ل م ن ب د ه ت و د ر ا ب ف ز و ر ق ت ه ش ه د ه ت
و ج ا ر در د پ ل و س ت م ي ه م ت
ش ه د ه ت و م ر د ه ب ن ي ر د و ا ر و س ق ف و غ ي ر ه ش ه د ه ت و ز ن ك ه
م ي ر د ش ه د ه ت م ت
لا ز م ه ت د ا ن ه ا ك ه ب ر ك ز ي د ه م ت چ ي ز ا
ب ر ه م ت چ ي ز ف ق ر ا
ب ر ت و ا ك ر ي و ذ ل م ا
ب ر ع ز ت و ا ك س ا ر ا ب ز ك ب ر و ك ر س ت ا ر ا ب ر س ي ر ي
ب ر م ر ت و ل م ي ر ا ب ر ب ل د ي و م ر ك ل ا ب ر ز ن د ي م ت

باب الثمانين قال النبي عليه السلام ثمانية أشياء
 لا تشبه من ثمانية العين من النظر والارض من الطرو
 الاثنى من الذكر العالم من العلم والسائل من المسئلة
 والكبر من الحج والجر من الماء والناز من الخط وق
 ابوبكر الصديق رضي الله عنه ثمانية أشياء هن زينة
 ثمانية أشياء العفاف زينة الفقر والشكر زينة النعمة
 الصبر زينة البلاء والحلم زينة العلم والتدلل زينة المتعلم
 وكبر البكارة زينة الخوف وترك المنة زينة الاحسان والخشوع
 زينة الصلوة وقال عمر رضي الله عنه من ترك فضول الكلام
 من الحكمة ومن ترك فضول النظر من خشوع القلب ومن
 ترك فضول الطعام من لذة العبادة ومن ترك فضول

بابت هجاء...
 لا تشبه من ثمانية العين من النظر والارض من الطرو
 الاثنى من الذكر العالم من العلم والسائل من المسئلة
 والكبر من الحج والجر من الماء والناز من الخط وق
 ابوبكر الصديق رضي الله عنه ثمانية أشياء هن زينة
 ثمانية أشياء العفاف زينة الفقر والشكر زينة النعمة
 الصبر زينة البلاء والحلم زينة العلم والتدلل زينة المتعلم
 وكبر البكارة زينة الخوف وترك المنة زينة الاحسان والخشوع
 زينة الصلوة وقال عمر رضي الله عنه من ترك فضول الكلام
 من الحكمة ومن ترك فضول النظر من خشوع القلب ومن
 ترك فضول الطعام من لذة العبادة ومن ترك فضول

بابت هجاء...
 لا تشبه من ثمانية العين من النظر والارض من الطرو
 الاثنى من الذكر العالم من العلم والسائل من المسئلة
 والكبر من الحج والجر من الماء والناز من الخط وق
 ابوبكر الصديق رضي الله عنه ثمانية أشياء هن زينة
 ثمانية أشياء العفاف زينة الفقر والشكر زينة النعمة
 الصبر زينة البلاء والحلم زينة العلم والتدلل زينة المتعلم
 وكبر البكارة زينة الخوف وترك المنة زينة الاحسان والخشوع
 زينة الصلوة وقال عمر رضي الله عنه من ترك فضول الكلام
 من الحكمة ومن ترك فضول النظر من خشوع القلب ومن
 ترك فضول الطعام من لذة العبادة ومن ترك فضول

الظلم من الهيبة ومن ترك الزناح من الهباء ومن ترك

حب الدنيا من حب الآخرة ومن ترك الاشتغال بعبود

عبره من اصلاح بعبود نفيمه من ترك الخمس في كفيته

الله تعالى من البراءة من النفاق وعن عثمان رضي

عنه انه قال غلاما من العارفين ثمانية اشياء قلبه

مع الخوف والرجاء ولسانه مع الحمد والثناء وعينه

مع الحياء والبكاء وارادته مع الترك والرضاء بعينه

ترك الدنيا وطلب رضا مولاه وعن علي رضي الله

عنه اخبير في صلوة لا خشوع فيها ولا خيرة في صوم لا امتناع

فيها ولا لغو ولا خيرة في قراءة لا اندبر فيها ولا خيرة في علم

لا ورع فيه ولا خيرة في مال لا سخاوة فيه ولا خيرة في اخوة

روایت است که گفت . نشان عارفین هشت چیز است . دلش با خوف درجا باشد و زبانش با حمد و ثنا و هر دو چشم او مع الحیاء و البكاء و ارادته مع الترك و الرضاء بعینه با حیا و گریستن و عزم او با گوشیدن در رضا جوئی باشد . ترك الدنيا و طلب رضا جوئی مولا را خویش و از علی رضی الله عنه . اخبیر فی صلوة لا خشوع فیها و لا خیر فی صوم لا امتناع فیها . روايت است خوبی نیست در نماز که در آن فزونی باشد و خوبی نیست در روزی که در آن بازماند . اخبیر فی قراءه لا اندبر فیها و لا خیر فی علم . از بهبودی نیست در تلاوت که در آن نهم معانی باشد و خوبی نیست در علم . لا ورع فیہ و لا خیر فی مال لا سخاوة فیہ و لا خیر فی اخوة . که در آن برهیزگاری باشد و خوبی نیست در مال که در آن سخاوت باشد و خوبی نیست در برادرانی

لَا حِفْظَ فِيهَا وَلَا خَيْرَ فِي نَجْوَى الرِّبَاءِ لَهَا وَلَا خَيْرَ فِي دَعْوَى الْأَخْلَاقِ

که در آن حفاظت مراد نیست و در آن نیت دروغی است که برای آن نیت دروغی است و در آن نیت دروغی است

فِي بَابِ السَّبَاحِيِّ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَوْحَى اللَّهُ

بَابِ اسْتِشَارَةِ السَّبَاحِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَمَرَدٌ كَمَا دَعَى اسْتِشَارَةَ

تَعَالَى إِلَى مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ فِي التَّوْرَةِ أَنَّ أُمَّهَاتِ الْخَطَايَا

اللَّهُ تَعَالَى سُبُوهُ مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ فِي التَّوْرَةِ أَنَّ أُمَّهَاتِ الْخَطَايَا

ثَلَاثَةٌ الْكِبْرُ وَالْحَسَدُ وَالْجِرْصُ فَتَشَامُرُهَا سِتَّةٌ فَهِيَ زَسْعَةٌ

سه اند کبر و حسد و حرص پس پدید آید از آن شش دیگر پس نه شدند

الْأُولَى مِنْ السَّبَةِ الشُّعْبُ وَالنُّوْمُ وَالرَّاحَةُ وَحَتَّى لَمَّا أَوَّلَ

اول از آن شش حکم سبزی است و خواب و آرام و محبوب گرفتن اموال او

حُبُّ الشَّيْءِ وَالْمُحَدَّةُ وَحُبُّ الرِّيَاسَةِ وَقَالَ أَبُو بَكْرٍ

مُحِبُّ شَيْءٍ تَنَاوَعًا وَحُبُّ شَيْءٍ سَمْتًا وَحُبُّ شَيْءٍ مَقَامًا

يَا صِدِّيقُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ الْعِبَادُ ثَلَاثَةٌ أَصْنَافٍ لِكُلِّ صِنْفٍ

رضی الله عنه عبادت کوشان سه قسم اند برای هر قسم

ثَلَاثُ عِلْمَاتٍ يُعْرَفُونَ بِهَا صِنْفٌ يُعْبَدُ وَرَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى

سه نشانه اند که شناخته میشوند بان قسمی است که عبادت میکند خدا تعالی را

عَلَى سَبِيلِ الْخَوْفِ وَصِنْفٌ يُعْبَدُ رَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى عَلَى سَبِيلِ الرَّجَاءِ وَ

از راه خوف و قسمی است که عبادت میکند خدا تعالی از راه امید و

صِنْفٌ يُعْبَدُ رَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى عَلَى سَبِيلِ الْحُبِّ فَلَا وَرَثَةَ عِلْمَاتٍ

قسمی است که عبادت میکند خدا تعالی از راه محبت پس این قسم اول سه علامت اند

لِيَسْتَحِقَّ نَفْسَهُ وَيَسْتَقِلَّ حَسَنَاتِهِ وَيَسْتَكْتَسِبَ سَيِّئَاتِهِ وَلِلثَّلَاثِ ثَلَاثُ

خود را حقیر می شناسد و حسنات خود را قلیل می داند و گناهان خود را بسیار می داند و برای قسم دوم سه

نشد
نیست در آن
باید درازی
که یکدیگر کرد
مخفف است
مغنی باشد
خوبی
باشد

علامات يكون قد وقع الناس جميع الحيات ويكون

علامت اندک او در ميع حالت پيشواي قوم می باشد و از جمله کسان

الناس کرم بالمال في الدنيا ويكون احسن الظن بالله

در دنیا سخن تری باشد از مال در تمامی خلق نبوی هذا نیک گمان می باشد

في الخلق ككرم وللتاليث ثلث علامات تعطي للحجة والبيات

در احوال قسم سوم سه علامت اندک می باشد که هر خبری که چو سبب بیاید و پستی آن نیک

بعده ان يرضى به ويعمل بسخط نفسه بعد ان يرضى به و

بعد از آن خوشنود گردد و پروردگار او عمل میکند تا خوشی نفس خویش بعد از آنکه خوشنود شود پروردگار او

يكون في جميع الحيات مع سيده في امره وفيه وقال عمر

در در حال با سوط خویش می باشد در امر او و مخالفت او و عمر

رضي الله عنه ان ذرية الشيطان تسعز ليتون و

رضی الله عنه گفته شیطان نه گانه هستند تسعز ليتون و زمین

ولفوس اعوان وهفان ومرة والمسوط و اسم ووطا

و نفوس و اعوان و هفان و مژه و مسوط و اسم او و هفان

فاما ز ليتون فهو صاحب الاسواق فينصب فيها ائمة واما

پس ز ليتون دارد در بازار است و قائم میکند در آن علم خویش و

و زين فهو صاحب المصيبات واما اعوان فهو صاحب السطا

و زمین علاقه در مصائب است و اعوان خدا گذر حاضر است و

و امهفان فهو صاحب الشراب و اما مرة فهو صاحب الزامير

و هفان دارد در شراب است و مژه علاقه در مژمه است و

و اما لفس فهو صاحب البوس و اما المسوط فهو صاحب الاخبار

و نفوس دوستدار کفار هموس است و مسوط خبر برسان است

معنى
با پرورنده

يَلْقِيهَا فِي آفْوَاهِ النَّاسِ وَلَا يَجِدُ فِيهَا أَصْلًا وَمَا لَكُم بِهَا
که مشهور میگردد بر زبان های مردم آن خبری که اصلی بنی مابند و دایم

فَهْوَصَلِحًا لِلْبَيْتِ إِذَا دَخَلَ الرَّجُلُ الْمَزِينَ وَمَا يُسَلِّمُونَ
مستحب خانه است چون هر مردی بخانه میرسد و سلام عليك است

لَهُ يَذْكُرُ اسْمَ اللَّهِ تَعَالَى وَقَعْرُهَا بَيْنَهُمُ الْمَنَازِحَةُ حَتَّى يَقْعُرَ
و نام خدا تعالی بر یاد نمی آرد بر پاییکه در میان خطمشی تا آنکه

الْمَلَأَقُ وَالخَلْمُ وَالضَّرْبُ وَأَمَّا وَلَهُانِ فَهُوَ يُوسُوسُ فِي
ظلم و خلع و زد و کوب و افح میشود و در بیان و سوسیه میکند در

الْبُوضَى وَالصَّلَاةِ وَالْعِبَادَاتِ وَقَالَ عُمَرَانِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ
وضو و نماز و دیگر عبادات عمران رضی الله عنه گفته

مَنْ حَفِظَ الصَّلَاةَ فِي الْخَمْسِ لَوْ قَتَلَهُ وَأَوْ مَعْلِيهَا كَرَّمَ اللَّهُ
هر که نگاهداری پنجگانه نماز را بروقت آن مداومت کرد بران کرامت خواهد کرد

بِنَسْعِ كَرَامَاتٍ أَوْ لَهَا أَنْ يَجِبَهُ اللَّهُ وَيَكُونَ بَدَنُهُ صَحِيحًا وَ
بنسعی اول آن است که دوست خواهد داشت او را خدا بدنی او تندرست خواهد

تَحْرُسُهُ الْمَلَائِكَةُ وَتَنْزِلُ الْبَرَكَاتُ فِي دَارِهِ وَيُظَهَرُ عَلَى وَجْهِهِ
و ادرا ملائکه محافظت خواهند کرد و در خانه بركات نازل خواهد شد و در روی او

الضَّمَامُ وَالصَّالِحِينَ وَيَلِينُ اللَّهُ قَلْبَهُ وَيَمُرُّ عَلَى الصِّرَاطِ كَالْبُرْقِ
علامت صلیبی نظار خواهد بود و خدا دل او را نرم خواهد کرد و بر صراط خواهد گذشت چنانکه بر

النَّارِ مَعْرُومًا وَيَجِيءُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ وَيُنزِلُ اللَّهُ فِي جَوَارِحِ الَّذِينَ
در شنده و خدا از راه از آتش سخات خواهد داد و خدا فرود خواهد آورد و او را در سبیل

لَا حُوفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ وَعَنْ عَلِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ
ندانه خوف نیست بر ایشان و نه آنان غم بردارند و از علی رضی الله عنه روایت است

و در بیان آنست که هر مردی که در هر روز این تسبیح را بخواند...

الْبِكَاعَةِ ثَلَاثَةٌ أَوْجُهُ أَحَدُهَا مِنْ خَوْفِ عَذَابِ اللَّهِ تَعَالَى وَ

الثَّانِي مِنْ رَهْبَةِ السَّخَطِ وَالثَّلَاثُ مِنْ خَشْيَةِ الْقَطِيعَةِ

فَأَمَّا الْأَوَّلُ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لِلذَّنْبِ وَأَمَّا الثَّانِي فَهُوَ طَهَارَةٌ لِلْعِيوبِ

وَأَمَّا الثَّلَاثُ فَهُوَ الْوَلَايَةُ مَعَ رِضَى الْمَحْبُوبِ فَشَرَفَةٌ كَفَّارَةٌ لِلذَّنْبِ

الْبِنَاءُ مِنَ الْعُقُوبَاتِ وَتَهْرَةٌ طَهَارَةٌ الْعِيُوبِ النَّعِيمُ الْمَقِيمُ

الدَّجَاتُ الْعُلَى وَتَهْرَةُ الْوَلَايَةِ مَعَ رِضَى الْمَحْبُوبِ حَسْرَةُ الْبِشَارَةِ

مِنْ اللَّهِ تَعَالَى الرَّضَى بِرُؤْيُهِ وَزِيَارَةُ الْمَلَائِكَةِ وَزِيَادَةُ الْفَضِيلَةِ

بَابُ الْعِشَائِرِ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَيْكُمْ

بِالسُّؤَالِ فَإِنَّ فِيهِ عَشْرَ خِصَالٍ يَطَهِّرُ الْقَلْبَ وَرِضَى الرَّسُولِ

يَسْخَطُ الشَّيْطَانَ وَيُجَبِّدُ الرَّسْمَانَ وَالْحَفِظَةَ وَيَشُدُّ اللَّتَمَةَ

وَيَقْطَعُ الْبَلْغَمَ وَيَطْبِيبُ النَّكْحَةَ وَيَطْفِئُ الْمِرَّةَ وَيَجْلِي الْبَصَرَ

وَيَقْطَعُ الْبَلْغَمَ بِمَاءِ الْوَسْطِيِّ وَبِغُرْمِ الْبَلْبَلِ وَبِغُرْمِ الْبَلْبَلِ

Handwritten marginal notes in smaller script, providing commentary and explanations for the main text. Includes phrases like 'بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ' and various religious terms.

الحقد
كثيرا

ويذهب الحجرة وهو من السنة ثم قال عليه السلام فمروا ان يكتموا
ادور ميكنند ودرين راه سوآن طريق نهي است و باز من عليه اسلام فرمود ان يكتموا

بالسواك افضل من سبعين صلوة بغير سواك وقال ابو بكر
از سواك باشد افضل است از هفتاد نماز كسي سواك نكند و آيو بكر

الصديق رضي الله عنه ما من عبد رزق الله عشرين خصالا الا
صديق رضي الله عنه نيكتر از بنده كه عطا كرد او را خدا ده خصلت كرد

وقد تجاوز الافان اعاهات كلها وصار في درجة المقرئين
بنيك نماز با اذرا جمله نعمتها و مصيبتها و در درجه مقرئين داخل شود

وانال درجة للمتقين وها صدق دائم مع قلب قائم والثاني
در رايه درجه بر سزگانان را اول آن نيك است و دومي با دل قائم و رزنده و دودوم

ضرب كامل مع شكر دائم والثالث فقر دائم مع زهد
صبر كامل است به شكر دائم و ثلث فقر دائم است باز بد

حاضر والرابع فكله دائم مع بطن جائع والخامس حزن
في الحال و چهارم فكله دائم است به شكم گرسنه و پنجم حزن

دائم مع خوف متصل والسادس جهاد دائم مع بدان
دائم است با خوف بويسته و ششم جهاد دائم است با بدن

متواضع والسابع رفق دائم مع صرخ حاضر والثامن
تواضع كنده و هفتم رفق دائم است با مهربان و هشتم

حب دائم مع حياء والتاسع علم دائم مع جلود دائم
محب دائم است با حياء و نهم علم دائم است با علم دائم

والعاشر ايمان دائم مع عقل ثابت وقال عمر
دوم ايمان دائم است با عقل ثابت و عمر

ذكره
يار

حاضر
عاطف

رضي الله عنه عشرة لا تصلي بغير عشرة لا يصلح العقل بغير
رضي الله عنه گفته ده چیز است که بدون ده چیز راست نیاید عقل درستی نگردد بدون

وَعِرْوَانِ الْفَضْلِ بغير علم وَلَا الْفَوْزِ بغير خشية وَلَا السُّلْطَانِ
بدون علم بزرگاری بدون علم و نه ستمکاری بدون خوف و نه بادشاهی

بغير عدل وَلَا الْحَسْبِ بغير ادب وَلَا الشَّرَّ بغير امن وَلَا الْغِنَى بغير
بدون عدالت و نه خوبی نپسند بدون ادب و نه خوشی بدون امن و نه توکل ببدون

جود وَلَا الْفَقْرَ بغير قناعة وَلَا الرِّفْعَةَ بغير تواضع وَلَا الْبَهَادَةَ بغير
سخاوت و نه درویشی بدون قناعت و نه بزرگی شان بدون تواضع و نه جهاد بدون

توفيق وَقَالَ عُمَانُ رضي الله عنه أضيعة الأشياء عشرة
توفیق گفت و عثمان رضي الله عنه گفته بی کار و ناکاره ده چیز است

عِلْمٌ لَا يَسْتَلُّ عَنْهُ وَعِلْمٌ لَا يَعْمَلُ بِهِ وَرَأْيٌ صَوَابٌ لَا يُقْبَلُ
علم که از او پرسیده نشود و علم که بران عمل نباشد و رای صواب که پذیرا نشود

سِلَاحٌ لَا يَسْتَعْمَلُ وَمَسْجِدٌ لَا يَصِلُ فِيهِ وَمَصْحَفٌ لَا يُقْرَأُ
ساز جنگ که بکار نرود و مسجد که در آن نماز نلذزده شود و مصحف که از او

عنه وَقَالَ لَا يَنْفِقُ مِنْهُ وَحِيلٌ لَا يَرْكَبُ وَعِلْمٌ الزُّهْدِ
خزانده نشود و مال که از آن خرج نکرده شود و سپاه که بران سوار نشوند و علم زهد در

بَطْنِ مَرْيَدٍ الدُّنْيَا وَعَمْرٌ طَوِيلٌ لَا يَزُودُ فِيهِ لِسَفَرَةٍ
شکر آنکس که اراده دنیا داشته باشد و عمر دراز که در آن برای سفر خود توشه تیار نکند

وَقَالَ عَلِيٌّ رضي الله عنه الْعِلْمُ خَيْرٌ مِمَّا يَدْرُسُ وَالْإِدْبُ خَيْرٌ
و گفته رضي الله عنه گفت علم بهترین نیراست و ادب بهترین

حِرْفَةٍ وَالتَّقْوَى خَيْرُ زَادٍ وَالْعِبَادَةُ خَيْرُ مَضَاعَةٍ وَالْعَمَلُ
پخته است و بزرگاری بهترین توشه است و عبادت نیکترین سرمایه است و عمل

بدون علم بزرگاری بدون علم و نه ستمکاری بدون خوف و نه بادشاهی بدون عدالت و نه خوبی نپسند بدون ادب و نه خوشی بدون امن و نه توکل ببدون جود و نه درویشی بدون قناعت و نه بزرگی شان بدون تواضع و نه جهاد بدون توفیق

مَنْ يَدْرُسُ وَيَسَانِهِ وَلَا يَكُونُ مُسْلِمًا حَتَّىٰ يَكُونَ عَالِمًا وَلَا يَكُونُ

از دست او دربان او مسلم نمی باشد تا آنکه عالم باشد و عالم نمی باشد

عَالِمًا حَتَّىٰ يَكُونَ بِالْعِلْمِ عَامِلًا وَلَا يَكُونُ بِالْعِلْمِ عَامِلًا حَتَّىٰ

توانم کند در علم بر علم عمل کند تا آنکه موافق علم باشد

يَكُونُ زَاهِدًا وَلَا يَكُونُ زَاهِدًا حَتَّىٰ يَكُونَ وَعِيًّا وَلَا يَكُونُ

زاهد شود و زاهد نمی گردد تا آنکه پرهیزگار باشد و پرهیزگار

وَرَعَاتِي يَكُونُ مُتَوَاضِعًا وَلَا يَكُونُ مُتَوَاضِعًا حَتَّىٰ يَكُونَ

معی باشد تا آنکه متواضع باشد و متواضع نمی باشد تا آنکه عارف باشد

عَارِفًا نَفْسِهِ وَلَا يَكُونُ عَارِفًا نَفْسِهِ حَتَّىٰ يَكُونَ عَارِفًا فِي

بذات خویش و عارف بذات خویش نمی گردد تا آنکه عاقل باشد

الْكَلَامِ وَقِيلَ أَيُّ حَسْبِي بِنِ مَعَاذِ الرَّازِيِّ رَحِمَهُ اللَّهُ فَعِيمًا

کلام و گفته اند که بحسب بن معاذ رازی رحمه الله فعیما

رَأَيْبًا فِي الدُّنْيَا فَقَالَ يَا صَاحِبَ الْعِلْمِ وَالسُّنَّةِ قَصُورُكُمْ

راعب در دنیا دید پس گفت ای صاحب علم ادوئای سنت علمای شما

قَصِيرَةٌ وَبُيُوتُكُمْ كَسْرٌ وَنِيَّةٌ وَمَسَاكِينُ قَارُونَِيَّةٌ وَأَبْوَابُكُمْ

مثل قصیر اند و خانه های شما مثل کسری است و مساکین قارونیه ای

طَائِفَةٌ وَثِيَابُكُمْ جَالُونِيَّةٌ وَمَذَاهِبُكُمْ شَيْطَانِيَّةٌ وَ

مثل طائف اند و لباس شما مثل جالونیه است و مذاهب شما شیطانیه است

ضِيَاعُكُمْ مَارِدِيَّةٌ وَلَا يَتَكُمُ رُغُونِيَّةٌ وَفَضَائِكُمْ حَاطِبِيَّةٌ

سازان شما مارودی است و ولایت شما رعونیه است و حکام شما دین دارند

أَصْحَابُ رَشَقٍ غَشَاشِيَّةٌ وَمَا تَكُمُ جَاهِلِيَّةٌ فَإِنَّ الْحَرِيَّةَ وَقَالَ

یاران رشوت اند و مثل غشاشیه است و چون شما جاهلیه است پس بحسب محمدیه و گفته

باران رشوت اند و مثل غشاشیه است و چون شما جاهلیه است پس بحسب محمدیه و گفته

أَيُّهَا الْمُنَاجِي بِأَنْوَاعِ الْكَلَامِ

ای خاکنده پروردگار خویش انعام کلام

وَالْمَسْئُوفِ لِلتَّوْبَةِ عَابًا بَعْدَ عَمَلٍ

وای درنگ کننده توبه از سالی بسالی

أَنَّكَ لَوِ افْتَتِيَوْمَكَ يَا غَافِرٌ يَا طَيِّبًا

بیتاگر ای غافل در خرد پروردگاری میگردی

وَأَقْتَصِرَ يَا قَدِيلٍ مِنَ الْمَاءِ وَالطَّعَامِ

و عبرت میگردی باندک از آب و خورش

وَالذِّكْرَةَ الْعَظِيمَةَ مِنْ رَبِّكَ إِنَّمَا

دین بزرگ بسیار از پروردگار خلق

وَالطَّالِبِ مُسَلِّمًا فِي دَارِ السَّلَامِ

وای خواهنده سکن خویش را در بهشت

وَمَا أَرَاكَ مُنْصِفًا لِنَفْسِكَ بَرًّا لَنَا

و منی بینم ترا مضاف کننده بر ای ذات خویش در حق

وَأَمَّا حَيْثُ حَوَّلَ لِيكَ بِالْقِيَامِ

وزنه میداشتی تمام غیب خود را بادی نماز

لَكُنْتُ كَأَحْرَى زَيْتَانٍ شَرَفِ الْمَقَامِ

البسته می بودی سزاوارتر کوی ای بزرگ مقام را

وَالرِّضْوَانَ الْأَكْبَرَ مِنْ الْجَلَالِ وَالْأَكْرَمِ

دخوشی بسیار از درگاه ذی الجلال الاکرام

وَقَالَ بَعْضُ الْحُكَمَاءِ عَشْرُ حِصَابٍ يُبْغِضُهَا اللَّهُ سُبْحَانَهُ وَقَعَا

و بعضی از حکما گفته ده فصلت اند که ناپسندیدار و الله سبحانه آن را

مِنْ عَشْرَةِ أَنْفُسٍ الْبُخْلِ مِنَ الْأَغْنِيَاءِ وَالْكِبَرِ مِنَ الْفُقَرَاءِ

از ده کس بخلی از توانگران و کبر از درویشان

وَالطَّمَعِ مِنَ الْعُلَمَاءِ وَقِلَّةِ الْحَيَاءِ مِنَ النِّسَاءِ وَحُبِّ الدُّنْيَا

و طمعها از علماء و بیجاییها از زنان و محبت دنیا

مِنَ الشُّيُوخِ وَالْكَسَلِ مِنَ الشَّبَابِ وَالْبُخْرِ مِنَ السُّلْطَانِ وَالْجُبْنِ

از پیران و کاهلیها از جوانان و ظلمها از پادشاه و زانگی

مِنَ الْغَرَقَةِ وَالْعَبَثِ مِنَ الزُّهَادِ وَالرِّبَا مِنْ الْعِبَادِ وَقَالَ

از غرقان و خود پسندیها از زاهدان و ربا از عبادان رسول الله

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْعَافِيَةُ عَلَى عَشْرَةِ أَوْجِهٍ

صلی الله علیه و سلم فرموده عافیت برده و جهت

خَمْسَةَ فِي الدُّنْيَا وَخَمْسَةَ فِي الْآخِرَةِ فَأَمَّا الَّتِي فِي الدُّنْيَا الْعَمَلُ
 وَالْعِبَادَةُ وَالرِّزْقُ مِنَ الْحَلَالِ وَالصَّبْرُ عَلَى الشَّدِّ وَالشُّكْرُ
 عَلَى النِّعَمِ وَأَمَّا الَّتِي فِي الْآخِرَةِ فَإِنَّهُ يَأْتِي مَلَكٌ الْمَوْتِ
 بِالرَّحْمَةِ وَالطُّعْنِ وَلَا يَرُوعُهُ مُنْكَرٌ وَتَكْبِيرٌ فِي الْقَبْرِ وَيَكُونُ
 أَمِنًا فِي الْفِرْعِ الْأَكْبَرِ وَيُحْيِي سَيِّئَانَهُ وَتَقْبَلُ حَسَنَاتِهِ وَيَكُونُ
 عَلَى الصِّرَاطِ كَالْبَرْقِ اللَّامِعِ وَيَدْخُلُ الْجَنَّةَ فِي السَّلَاقَةِ وَقَدْ
 أَبُو الْفَضْلِ رَحِمَهُ اللَّهُ سَمَّى اللَّهُ تَعَالَى كِتَابَهُ بَعْشَرَةَ أَسْمَاءٍ
 قُرْآنًا وَفِرْقَانًا وَكِتَابًا وَتَنْزِيلًا وَهَدًى وَنُورًا وَرَحْمَةً وَشِفَاءً
 وَرَحًا وَذِكْرًا أَمَّا الْقُرْآنُ وَالْفِرْقَانُ وَالْكِتَابُ وَالتَّنْزِيلُ
 فَشَهْرٌ وَأَمَّا الْهُدَى وَالتُّورُ وَالرَّحْمَةُ وَالشِّفَاءُ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى
 يَا أَيُّهَا النَّاسُ ارْجِعُوا إِلَى اللَّهِ ذُنُوبَكُمْ رِجْعٌ إِلَى اللَّهِ
 وَتَعَالَى حَسْبُ الْعِزَّةِ لِلَّهِ فِي دِينِهِ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 وَتَقْبَلُ حَسَنَاتِهِ وَيَكُونُ
 أَمِنًا فِي الْفِرْعِ الْأَكْبَرِ وَيُحْيِي
 سَيِّئَانَهُ وَتَقْبَلُ حَسَنَاتِهِ وَيَكُونُ
 عَلَى الصِّرَاطِ كَالْبَرْقِ اللَّامِعِ وَيَدْخُلُ
 الْجَنَّةَ فِي السَّلَاقَةِ وَقَدْ أَبُو الْفَضْلِ
 رَحِمَهُ اللَّهُ سَمَّى اللَّهُ تَعَالَى كِتَابَهُ
 بَعْشَرَةَ أَسْمَاءٍ قُرْآنًا وَفِرْقَانًا
 وَكِتَابًا وَتَنْزِيلًا وَهَدًى وَنُورًا
 وَرَحْمَةً وَشِفَاءً وَرَحًا وَذِكْرًا
 أَمَّا الْقُرْآنُ وَالْفِرْقَانُ وَالْكِتَابُ
 وَالتَّنْزِيلُ فَشَهْرٌ وَأَمَّا الْهُدَى
 وَالتُّورُ وَالرَّحْمَةُ وَالشِّفَاءُ قَالَ
 اللَّهُ تَعَالَى يَا أَيُّهَا النَّاسُ
 ارْجِعُوا إِلَى اللَّهِ ذُنُوبَكُمْ رِجْعٌ
 إِلَى اللَّهِ وَتَعَالَى حَسْبُ الْعِزَّةِ
 لِلَّهِ فِي دِينِهِ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يَكُنْ
 لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِاللِّسَانِ وَنِدْمًا بِالْقَلْبِ وَقَارِحًا بِالْبَدَنِ وَالْعَزْمَ عَلَى أَنْ لَا
 يَعُوذَ أَبَدًا وَجِبَاحُ الْآخِرَةِ وَبَعْضُ الدُّنْيَا وَقَوْلُهُ الْكَلِمَةُ قَوْلُهُ الْأَكْلُ
 وَالشَّرْبُ تَنْفَرُّ عَنِ الْعِلْمِ وَالْعِبَادَةِ وَقَوْلُهُ التَّوَهُُّمُ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى
 قَلِيلٌ مِّنَ النَّاسِ الَّذِينَ يَفْعَلُونَ وَيَبْلُغُونَ وَبِالْإِسْحَاقِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ وَقَالَ الشَّارِحُ
 بِنَمَلِكَ خَضِيَ اللَّهُ عَتَهُ إِنَّ الْأَرْضَ تَمَادِي كُلَّ يَوْمٍ بِعَشْرِ كِلَابَةٍ
 وَتَقُولُ يَا بَنِي آدَمَ تَسْعَى عَلَى ظَهْرِي وَمَصِيرُكَ فِي بَطْنِي
 وَتَقَعُ عَلَى ظَهْرِي وَتَعْدَابُ فِي بَطْنِي وَتَتَوَلَّى عَلَى ظَهْرِي وَ
 تَبْكِي فِي بَطْنِي وَتَفْرَحُ عَلَى ظَهْرِي وَتَحْرَنُ فِي بَطْنِي وَتُجْمَعُ
 الْمَالُ عَلَى ظَهْرِي وَتَنْدَمُ فِي بَطْنِي وَتَأْكُلُ الْحَرَامَ عَلَى ظَهْرِي
 وَتَأْكُلُ الدِّيَانَ فِي بَطْنِي وَتَحْتَالُ عَلَى ظَهْرِي وَتَدُلُّ فِي بَطْنِي
 وَتَكْشِي مَسْرُورًا عَلَى ظَهْرِي وَتَقَعُ حَرْبِي فِي بَطْنِي وَتَمُشِي فِي نَوْرِ
 دُخَانِي

از زبان و نادم شدن از دل و باز ماندن از بدن و عزم کردن بر اینکه گاهی باز
 نکرده و محبت آخرت و دشمنی دنیا و کلمه گفتن کلمه خوردن
 و نوشیدن تا که فایده شود برای علم و عبادت و خوابیدن خدا تعالی میفرماید و روز
 اندکی از شب که نمی خوابید و بوقت صبح طلب آمرزش میکند و اس
 بن مالک رضی الله عنه گفته بیشک زمین آواز میدهد هر روز بده کلمات
 و میگوید ای سر آدم می روی بر پشت من و بازگشت تو در شکم من است
 و از زمانی بکنی بر پشت من و شکم کرده خواهی شد در شکم من می خدای بر پشت من و
 خواهی گریست در شکم من و خوشنود می باشی بر پشت من و غمگین خواهی بود در شکم من و گرد می آری
 ال بر پشت من و لذات خواهی کشید در شکم من و بخوری حرام بر پشت من
 و خواهند خورد ترا که ان در شکم من و کبر می کنی بر پشت من و خوار خواهی بود در شکم من
 و کشتی مسرور را علی ظهری و تقع حربی فی بطنی و تمشی فی نور
 و خوش می روی بر پشت من و خواهی افتاد و غمگین بوده در شکم من و می روی در شکم من

عَلِيٌّ ظَهَرَ فِي الظَّاهِرِ فِي بَطْنِ قَمِيصِي عَلَى الْجَامِعِ عَلِيٌّ ظَهَرَ
 بر پشت من و ظاهری افتاد در تاریکی و شکم من دیر روی برگردان بر پشت من
 وَتَقَرَّ وَجِيدًا فِي بَطْنِي قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
 خدای افتاد قشنگ در شکم من رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود
 كَرَّخُجْكَ عَوِيقَ عَقُوبَاتِهَا يَمُوتُ قَلْبُهُ وَيَذْهَبُ
 برکت بسیار باشد خنده و غنچه ملا و خود بد به غنچه اول اینکه میرود دل او دبرود
 الْمَاءُ عَلَى جَبْهِهِ وَيَسْتَمْتِدُ بِهِ الشَّيْطَانُ وَيَغْضِبُ عَلَيْهِ الرَّحْمَنُ
 آبروی او از روی او دشمن است کند باطنی شیطان دشمن گیرد بروی رحمن
 وَيُنَاقِضُنَّ بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَعْرُضُ عَنْهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
 و خصومت کرده شود با وی روز قیامت در وی گرداند از وی نبی صلی الله علیه
 وَسَلَّمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَتَلْعَنُ الْمَلَائِكَةُ وَيَغْضَبُ أَهْلَ السَّمَوَاتِ
 و لعن در روز قیامت و لعنت فرستند بروی فرشتگان و دشمن گردانند اهل آسمانها
 وَالْأَرْضِينَ وَيَنْسِي كُلُّ شَيْءٍ وَيَقْتَضِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَقَالَ حَسَنٌ
 و زمینها و فراموش خواهد کرد هر چیزی را و سوا گردد بروی قیامت حسن
 يَا بَصْرِي رَحِمَ اللَّهُ يَوْمًا بَيْنَنَا أَنَا أَظُوفُ فِي أَرْزَقَةِ الْبَصْرِ
 بصری رحمه الله گفت یکس روز وقتی که در کوچه های بصره
 فِي أَسْوَاقِهَا مَعَ سَابِّ عَابِدٍ فَإِذَا نَابِلُغْنَا طَبِيبٌ هُوَ جَالِسٌ
 و در بازارهای آن با جوانی عابدی نشسته بود پس ناگاه بگذاشتم بطیب که او نشسته بود
 عَلَى الْكُرْسِيِّ بَيْنَ يَدَيْهِ رِجَالٌ وَنِسَاءٌ وَصِبْيَانٌ يَا بَصْرِي قَوْلُهُ
 بر کرسی و در روی او بسیار مردان و زنان و بچگان بودند و بدست شان نشسته
 فِيهَا مَاءٌ وَكُلٌّ وَاحِدٌ مِنْهُمْ يَسْتَوْصِفُ دَوَاءً لِلدَّيْبَةِ فَتَقَدَّمَ
 که در آن آب بود و هر کس از ایشان همی بر سید دوا را برای مرض خویش پس جن بصری میگویی

عَنْ

الشَّابُّ إِلَى الطَّبِيبِ فَقَالَ لَهَا الطَّبِيبُ هَلْ عَمَدَكَ دَوَاءٌ

ان جوان بسوی آن طبیب پیش رفت و گفت ای طبیب آیا پیش تو دوائی هست

لِيَقْسِلَ لِدَانِوبٍ وَيَشْفِي مَرَضَ الْقَلْبِ فَقَالَ نَعَمْ فَقَالَ هَاتِهَا فَقَالَ

که بشوید گمان را و شفا بخشد مرصن و دهارا طبیب گفت آری جوان گفت بیار طبیب گفت

حَدِيثِي عَشْرَةَ اشْيَاءَ قَالَ خَدَعُ رُوقِ شَجَرَةِ الْفَقْرِ مَعْرُوقِ

از من ده چیز بستان گفت بجهای درخت فقر با بجهای

شَجَرَةِ التَّوَضُّعِ وَاجْعَلْ فِيهَا هَيْلَةَ التَّوْبَةِ وَاطْرَحْ فِيهَا وَك

درخت تواضع بگرد و بیاورد در آن هیله توبه و آنرا در آن

الرِّضَاءِ وَالسَّخْمِ بِمَخَارِقِ الْقِنَاعَةِ وَاجْعَلْ فِي قَدْرِ التَّقْوَى

رضای بنیاد آنرا از سخته قناعت بساز و در دیک پر بنیر گاری بپزند

عَلِيَّةَ مَا لِحْيَاءِ وَأَخْلِبْ بِنَارِ الْحَمِيَّةِ وَاجْعَلْ فِي قَدْرِ الشُّكْرِ وَرُوحَ

دیر آن آب جابریز و آنرا بسخت محبت بپزد و آنرا در کاسه شکر میزد و آنرا

بِمِرْحَةِ الرَّجَاءِ وَاشْرَبْ بِمِلْعَقَةِ الْحَمْدِ فَإِنَّكَ إِنْ فَعَلْتَ ذَلِكَ

از بادکش امید سرد کن و آنرا به قاشق حمد بنوش پس اگر تو از بچین خواهی کرد

فَأَنْتَ يَفْعَلُكَ مِنْ كُلِّ آيَةٍ وَبَلَاءٍ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَقِيلَ

پس نفع خواهد داد ترا از هر مرض و بلا در دنیا و آخرت گفت اند

جَمْعُ بَعْضِ الْمَلُوكِ خَمْسَةَ مِئَاتٍ مِنَ الْعُلَمَاءِ وَالْحُكَمَاءِ فَأَمَرَهُمْ

که یکی از پادشاهان پنج تن عالم و حکیم را جمع آورد و امر کرد که

أَنْ يَتَكَلَّمُوا كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ بِحِكْمَةٍ فَتَكَلَّمَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ

هر یکی از ایشان که حکمت بگوید پس هر یکی از ایشان دو دو

بِحِكْمَتَيْنِ فَصَارَتْ عَشْرَةَ فَقَالَ لِأَوَّلِ خَوْفٍ الْخَالِقِ

که حکمت گفت پس ده شدند اولین ایشان گفت که خوف آفریننده

آمِنٌ وَأَمِنَهُ كَفَرًا وَأَمِنَ الْخَلْقَ عَمَّقَ وَخَوْفَهُ رِقٌّ وَقَالَ الثَّالِثُ
 آمِنٌ هُوَ مَنْ يَدْرُسُ مِنْ بَدَنِهِ أَنْ يَكُونَ كَمَا يَكُونُ الْخَلْقُ وَأَمِنَ الْخَلْقَ هُوَ مَنْ يَدْرُسُ مِنْ بَدَنِهِ أَنْ يَكُونَ كَمَا يَكُونُ الْخَلْقُ
 الرَّجَاءُ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى غَنِيٌّ لَا يَضُرُّهُ فَقْرٌ وَالْيَأْسُ عَنْهُ فَقْرٌ
 آمِنٌ هُوَ مَنْ يَدْرُسُ مِنْ بَدَنِهِ أَنْ يَكُونَ كَمَا يَكُونُ الْخَلْقُ وَأَمِنَ الْخَلْقَ هُوَ مَنْ يَدْرُسُ مِنْ بَدَنِهِ أَنْ يَكُونَ كَمَا يَكُونُ الْخَلْقُ
 يَنْفَعُ مَعْنَى غَنِيٍّ وَقَالَ الثَّالِثُ لَا يَضُرُّهُ مَعْنَى غَنِيٍّ الْقَلْبُ فَقْرٌ الْكَبِيرُ
 بَابٌ نَوَاطِقِي نَفْعٌ مَعْنَى غَنِيٍّ وَتَوَكُّلٌ مَعْنَى غَنِيٍّ وَتَوَكُّلٌ مَعْنَى غَنِيٍّ وَتَوَكُّلٌ مَعْنَى غَنِيٍّ
 وَلَا يَنْفَعُ مَعْنَى غَنِيٍّ الْقَلْبُ غَنِيٌّ الْكَبِيرُ وَقَالَ الرَّابِعُ لَا يَزِدُّهُ غَنِيٌّ
 وَنَفْعٌ مَعْنَى غَنِيٍّ بَابٌ نَوَاطِقِي نَفْعٌ مَعْنَى غَنِيٍّ وَتَوَكُّلٌ مَعْنَى غَنِيٍّ وَتَوَكُّلٌ مَعْنَى غَنِيٍّ
 الْقَلْبُ مَعَ الْجُودِ الْأَغْنَى وَلَا يَزِدُّهُ فَقْرٌ الْقَلْبُ مَعَ غَنِيٍّ
 دَلٌّ سَخَاوَةٌ مَعْنَى غَنِيٍّ بَابٌ نَوَاطِقِي نَفْعٌ مَعْنَى غَنِيٍّ وَتَوَكُّلٌ مَعْنَى غَنِيٍّ
 الْكَبِيرُ لَا يَفْقُرُ وَقَالَ الْخَامِسُ اخْذِ الْقَلِيلَ مِنَ الْخَيْرِ
 كَيْسٌ مَعْنَى غَنِيٍّ بَابٌ نَوَاطِقِي نَفْعٌ مَعْنَى غَنِيٍّ وَتَوَكُّلٌ مَعْنَى غَنِيٍّ
 خَيْرٌ مِمَّنْ تَرَكَ الْكَثِيرَ مِنَ الشَّرِّ وَتَرَكَ الْجَمِيمَ مِنَ الشَّرِّ خَيْرٌ
 بَهْتَرٌ مِمَّنْ تَرَكَ الْكَثِيرَ مِنَ الشَّرِّ وَتَرَكَ الْجَمِيمَ مِنَ الشَّرِّ خَيْرٌ
 مِمَّنْ اخْذِ الْقَلِيلَ مِنَ الْخَيْرِ وَقَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ صَلَّى اللَّهُ
 عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَشْرُ أَصْنَافٍ مِنَ
 آمِنِيٍّ لَا يَدْخُلُونَ بَيْتَهُ الْأَمِنُ تَابٌ أَوْلَاهُمْ الْقَلَاعُ
 آمِنِيٍّ هُوَ مَنْ يَدْرُسُ مِنْ بَدَنِهِ أَنْ يَكُونَ كَمَا يَكُونُ الْخَلْقُ وَأَمِنَ الْخَلْقَ هُوَ مَنْ يَدْرُسُ مِنْ بَدَنِهِ أَنْ يَكُونَ كَمَا يَكُونُ الْخَلْقُ
 وَالْجُيُوفُ وَالْقِنَاتُ وَالذُّبُوبُ وَالذُّبُوثُ وَصَلِحٌ
 وَجُيُوفٌ وَجُيُوفٌ وَالذُّبُوبُ وَالذُّبُوثُ وَصَلِحٌ

این است و در این بودن از کفر است و این از مخلوق آزاد است و خوف مخلوق بر او است و در این است
 امید و در بودن از خدا تعالی تو انگری است که فقرا از ضرر نمی رسانند و امید بودن از فقر است که
 نیفعم مع غنی و قال الثالث لا يضرك مع غنی القلب فقر الكبير
 باین تو انگری نفع می بخشد و سوسم گفت ضرر نمی رساند باین تو انگری دل
 و لا یفعم مع فقر القلب غنی الكبير و قال الرابع لا یزدده غنی
 و نفع نمی بخشد با فقیری دل بری کیسه
 القلب مع الجود الاغنی و لا یزدده فقر القلب مع غنی
 دل سخاوت که در تو انگری و معنی از او با فقری دل بری
 الكبير لا یفقر و قال الخامس اخذ القلیل من الخیر
 کیسه گرفته فقیری ن و مجبمی گفت گرفتن اندکی از خیر
 خیر من ترک الكثير من الشر و ترک الجیم من الشر خیر
 بهتر است از ترک بسیار بدیها و ترک کردن جمله بدیها بهتر است
 من اخذ القلیل من الخیر و قال ابن عباس صل الله
 علیه و سلم عشر اصناف من
 امینی لا یدخلون بینه الامن تاب اولهم القلاع
 امینی هوست که در خوف نخواهند رفت مگر آنکه توبه کند یکی قلاع
 و الجیوف و القنات و الذبوب و الذبوث و صلح
 و جیوف و قنات و ذبوب و ذبوث و صلح

العَرَبِيَّةُ وَمَصَاحِبُ الْكُوفَةِ وَالْقَتْلُ وَالزَّيْبُ وَالْعَوَاتُ
 لَوْلَدِي قَبِيلُ يَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا الْقِتْلُ
 قَالَ لَنْبِي مَشِي بَيْنَ يَدَيَّ لِأَمْرَاءٍ وَقَبِيلُ الْجَيْوْفِ قَالَ النَّبِيُّ
 وَقَبِيلُ مَا الْقِتْلَاتُ قَالَ التَّمَامُ وَقَبِيلُ مَا الدَّيُّوبُ قَالَ النَّبِيُّ
 جَمْعٌ فِي بَيْتِهِ الْغَيْبَاتُ لِلْجَوْرِ وَقَبِيلُ مَا الدَّيُّوْبُ قَالَ النَّبِيُّ
 لَا يَغَارُ عَلَى أَهْلِهِمْ وَقَبِيلُ مَا صَاحِبُ الْعَرَبِيَّةِ قَالَ النَّبِيُّ
 يَضْرِبُ بِالطَّبْلِ وَقَبِيلُ مَا صَاحِبُ الْكُوفَةِ قَالَ الَّذِي
 يَضْرِبُ بِالطَّبُورِ وَقَبِيلُ مَا الْعَنْتَلُ قَالَ لَنْبِي لَا يَعْفُونَ
 النَّبِيَّ وَلَا يَقْبَلُ الْعَذْرُ وَقَبِيلُ مَا الزَّيْبُ قَالَ الَّذِي وَلَا
 مِنَ الزَّيْبِ وَيَقْعُدُ عَلَى قَارِعَةِ الطَّرِيقِ فَيَغْتَابُ النَّاسَ
 الْعَوَاتُ مَشْهُورٌ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَشْهُورَةٌ

العربية
 الكوفة
 القتل
 الزيب
 العوات
 لولد
 قبيل
 يا رسول الله
 صلى الله عليه وسلم
 ما القتل
 قال لنبى
 مشى بين يدي
 لامراء
 وقبيل الجيوف
 قال النبى
 وقبيل ما القتل
 التمام
 وقبيل ما الديوب
 قال النبى
 جمع في بيته
 الغيبات
 للجرور
 وقبيل ما الديوب
 قال النبى
 لا يغار على
 اهلهم
 وقبيل ما صاحب
 العربية
 قال النبى
 يضرب
 بالبطل
 وقبيل ما صاحب
 الكوفة
 قال الذى
 يضرب
 بالطبور
 وقبيل ما العنتل
 قال لنبى
 لا يعفون
 النبى
 ولا يقبل
 العذر
 وقبيل ما الزيب
 قال الذى
 ولا من
 الزيب
 ويقعد على
 قارعة الطريق
 يغتاب الناس
 العوات
 مشهور
 قال النبى
 صلى الله عليه وسلم
 مشهوره

العربية
 الكوفة
 القتل
 الزيب
 العوات
 لولد
 قبيل
 يا رسول الله
 صلى الله عليه وسلم
 ما القتل
 قال لنبى
 مشى بين يدي
 لامراء
 وقبيل الجيوف
 قال النبى
 وقبيل ما القتل
 التمام
 وقبيل ما الديوب
 قال النبى
 جمع في بيته
 الغيبات
 للجرور
 وقبيل ما الديوب
 قال النبى
 لا يغار على
 اهلهم
 وقبيل ما صاحب
 العربية
 قال النبى
 يضرب
 بالبطل
 وقبيل ما صاحب
 الكوفة
 قال الذى
 يضرب
 بالطبور
 وقبيل ما العنتل
 قال لنبى
 لا يعفون
 النبى
 ولا يقبل
 العذر
 وقبيل ما الزيب
 قال الذى
 ولا من
 الزيب
 ويقعد على
 قارعة الطريق
 يغتاب الناس
 العوات
 مشهور
 قال النبى
 صلى الله عليه وسلم
 مشهوره

تَفْرَقَ يُقْبَلُ لِلَّهِ تَعَالَى صَلَاتُهُمْ حُلَّ صَلَةٍ وَجِدًا بغير قِرَاءَةٍ

بمستند که اینها تعالی نمازشان هرگز قبول نخواهد کرد مردی که تنها نماز میکند از بلا قرات

وَرَجُلٌ لَا يُؤَدِي الزَّكَاةَ وَرَجُلٌ يَوْمٌ قَوْمًا وَهُمْ لَكَ كَارِهُونَ

و کسی که او میکند زکوة را و مردی که امانت میکند قوم را و قوم مراد و ناخوش اند

وَرَجُلٌ مَلُوكًا ابْنٌ وَرَجُلٌ شَارِبٌ لِحَمْرٍ مَدِينٍ وَأَمْرَأَةٌ بَاكِتَةٌ

و مرد غلام که اگر بخندد است و مرد شراب خوار دانی و زن که شنبه گذراند

وَرَجُلٌ يَسْخَرُ مِنْهَا وَأَمْرَأَةٌ حُرَّةٌ تَصَلِّي بغير خَيْرٍ وَأَكِلٌ

و شوهر او بر او شتم گرفته باشد و زن از او که نمازی ندارد میکند و در

الرِّبَا وَالْأَمَامِ الْجَائِرُ وَرَجُلٌ لَا تَنْفَاهُ صَلَاتُهُ عَنِ الْفَحْشَاءِ

بود خوزه و بادشاه غلام و مردی که باز ندارد او را نماز او از بجای

وَمَنْ لَمْ يَزِدْ مِنْ اللَّهِ تَعَالَى إِلَّا بَعْدًا وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ

و نبی صلی الله علیه و آله از خدا تعالی که دردی رساند و نبی صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَتَّبِعُنِي لِلدَّخْلِ فِي الْمَسْجِدِ عَشْرَ حِصَالٍ وَهِيَ أَنْ

علیه سلام فرمود برای در ایذه در مسجد سه فضلت است که اول آن که

يَتَعَاهَدُ حَقِّيهِ أَوْ نَعْلِيهِ وَأَنْ يَسْبُدَّ بِرَجْلِي الْعَبْدِي وَأَنْ يَقُولَ

خبر در باشد از موزه و پاوش خویش است و اینکه ابتدا کند بجای رخت خویش و آن که

إِذَا دَخَلَ سَمِعَ اللَّهَ وَسَلَّمَ عَلَى سَوَالِ اللَّهِ وَعَلَى مَلَائِكَتِهِ

گوید وقتیکه داخل شود داخل بشنوم بنام و سلام است بر رسول الله و بر فرشتگان

اللَّهُ أَنَّهُمْ أَمَّتْ لَنَا أَبْوَابُ رَحْمَتِكَ إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ وَإِنْ

خدا این گفتن برای ما درهای رحمت خویش بینگ تو بخشایند هستی دانگ

سَلِّمْ عَلَى أَهْلِ الْمَسْجِدِ إِنْ يَقُولُ ذَا لَمْ يَكُنْ فِيهِ أَحَدٌ سَلَّمَ

سلام رساند بر اهل مسجد و اینکه بگوید اگر در مسجد کسی نباشد سلام است

بمستند که اینها تعالی نمازشان هرگز قبول نخواهد کرد مردی که تنها نماز میکند از بلا قرات
و کسی که او میکند زکوة را و مردی که امانت میکند قوم را و قوم مراد و ناخوش اند
و مرد غلام که اگر بخندد است و مرد شراب خوار دانی و زن که شنبه گذراند
و شوهر او بر او شتم گرفته باشد و زن از او که نمازی ندارد او را نماز او از بجای
بود خوزه و بادشاه غلام و مردی که باز ندارد او را نماز او از بجای
و نبی صلی الله علیه و آله از خدا تعالی که دردی رساند و نبی صلی الله
علیه سلام فرمود برای در ایذه در مسجد سه فضلت است که اول آن که
خبر در باشد از موزه و پاوش خویش است و اینکه ابتدا کند بجای رخت خویش و آن که
گوید وقتیکه داخل شود داخل بشنوم بنام و سلام است بر رسول الله و بر فرشتگان
خدا این گفتن برای ما درهای رحمت خویش بینگ تو بخشایند هستی دانگ
سلام رساند بر اهل مسجد و اینکه بگوید اگر در مسجد کسی نباشد سلام است

صلى الله عليه وسلم انه قال اذا اراد الله تعالى ان يدخل

صلى الله عليه وسلم روایت میکند که فرمود هرگاه خدا تعالی بخواهد که

اهل الجنة في الجنة بعث اليهم ملكا ومع بهدية وكسوة

من الجنة فاذا اراد وان يدخلوها قال لهم الملك قفوا ان

از جنت در هرگاه بخواهد که در جنت در آیند می گوید

مع هدية من رب العالمين قالوا وما تلك الهدية فيقول

لكم هي عشرة خواتم مكتوب على اخطاسكم عليكم

طيبتم فاذا دخلوها خلدن وفي الثاني مكتوب رفعت عنكم

الافران والهموم وفي الثالث مكتوب وتلك الجنة

التي اوتيتوهما بما كنتم تعملون وفي الرابع مكتوب اللسان

الحل والحل وفي الخامس مكتوب وزوجهم بخور عين

التي جزيهم اليوم بما صبروا انهم هم الفائزون وفي

السادس مكتوب هذا جزاؤكم اليوم بما فعلتم من

نوشته است این است عوض شما امروز بسبب اطاعت کردید

نوشته است این است عوض شما امروز بسبب اطاعت کردید

نوشته است این است عوض شما امروز بسبب اطاعت کردید

الطاعة وفي السابعة مكتوب صرتم شبابا لا تهرمون

ابدا وفي الثامن مكتوب صرتم امانين ولا تخافون ابدا

وفي التاسع مكتوب رافقتم الانبياء والصديقين والشهداء

والصالحين وفي العاشر مكتوب ساكنتم في جوار

الرحمن ذي العرش الكبري ثم يقول الملك ادخلوها بسدا

امين فيدخلون الجنة ويقولون الحمد لله الذي اذهب

عنا الحزن ان ربنا لغفور شكور الحمد لله الذي صدقنا

وعده واورثنا الارض نتو امن الجنة حيث نشاء فيعرف

اجر العاطلين واذا اراد الله ان يدخل هل التار في النار

بعث اليهم ملكا ومعه عشرة خواتم في اولها مكتوب

ادخلوها لا تموتون فيها ابدا ولا تحيون ولا يخرجون

در آينه در دوزخ كه گاي خواهد مرد در ان فرشته خواهد شد و در ميزان او دره خواهد شد

در هفتم نوشته است جوان شده گاي بر خويشت
در هشتم نوشته است شديده من يا فنگان گاي خويشت
در نهم نوشته است رفاقت برويد انبياء و صديقين
در دهم نوشته است سكونت كويد در ساكن
در يازدهم نوشته است بزرگ است باز نوشته خواه گلت در جنت رو به سايه
در چهاردهم نوشته است داخل خواهند شد و خواهند گشت ستارگان است مظهر انكه برود
از اعلم رايشك بروردگار ما امر زنده و سپاس فرايت ستايش است مفراد را كه در فلك
ما رادعه خوش و داد ما را زمين كه جا ميگيريم از جنت هر جا كه ميخوايم بيم خوب است
منو عمل كنندگان در هر كره ميخواهد كه دوزخيان را
همي فرشته بسوي او شان فرشته شده و باي عدده مهر خواهد بود در اول ان نوشته است
در آينه در دوزخ كه گاي خواهد مرد در ان فرشته خواهد شد و در ميزان او دره خواهد شد

در هفتم نوشته است
در هشتم نوشته است
در نهم نوشته است
در دهم نوشته است
در يازدهم نوشته است
در چهاردهم نوشته است
در پانزدهم نوشته است
در شانزدهم نوشته است
در هجدهم نوشته است
در نوزدهم نوشته است
در بيستم نوشته است

وَفِي الثَّانِي مَكْتُوبٌ خَوْضُوا فِي الْعَذَابِ لَا رَاحَةَ لَكُمْ فِيهِ

و در دوم نوشته است خردید در عذاب راحت نیست شمارا در

الثَّالِثِ مَكْتُوبٌ يَسْأَلُونَ مِنْ رَحْمَتِي وَفِي الرَّابِعِ مَكْتُوبٌ ادْخُلُوا

سوم نوشته نامیدند از رحمتها و در چهارم نوشته است داخل شوید

فِي لَهْمٍ وَالنَّمِّ وَالْحَزَنِ أَبَدًا وَفِي الْخَامِسِ مَكْتُوبٌ لِبَاسِكُمْ النَّارُ

در لقمه و نم و درد و اندوه و در دوازدهم نوشته است لباس نجات

وَطَعَامِكُمْ أَزْوَاجٌ وَشَرَّ بَيْتِكُمْ الْحَيْمُ وَمَهَادِكُمْ النَّارُ

و خوراک شما زوجه است و آنچه نژاد شماست آب گرم است و دست شما آتش است

وَعَوَائِشِكُمْ النَّارُ وَفِي السَّادِسِ مَكْتُوبٌ هَذَا جَزَاؤُكُمْ

و پوشش شما آتش و در ششم نوشته است این عوض نجات

الْيَوْمَ بِمَا فَعَلْتُمْ مِنْ مَعْصِيَتِي وَفِي السَّابِعِ مَكْتُوبٌ

امروز بچسبید آنچه کردید از نافرمانیها و در هفتم نوشته است

سَنَجِيْعُ عَلَيْكُمْ فِي النَّارِ أَبَدًا وَفِي الثَّامِنِ مَكْتُوبٌ

عذاب من دائمی است بر شما در آتش و در هشتم نوشته است

عَلَيْكُمْ اللَّعْنَةُ بِمَا تَعْمَلُونَ مِنَ الذُّنُوبِ الْكِبَارِ وَلَمْ تَتُوبُوا

لعنت است بر شما از آنکه بصد کردید گناهان کبیره و توبه نکردید

وَمَتَدَمُوا وَفِي التَّاسِعِ مَكْتُوبٌ قَرْنَا وَكُمُ الشَّيَاطِينِ

و پیچان شدید و در نهم نوشته است پیچانید شما شیاطین اند

فِي النَّارِ أَبَدًا وَفِي الْعَاشِرِ مَكْتُوبٌ تَبِعْتُمُ الشَّيْطَانَ وَ

در دوازدهم برای ما دوام و در دهم نوشته است پیروی کردید شیطان را و

أَرَدْتُمْ الدُّنْيَا وَتَرَكْتُمُ الْآخِرَةَ هَذَا جَزَاؤُكُمْ وَعَنْ بَعْضِ

خواستید دنیا را و گذارید آخرت را اینست جزا شمارا از بعضی حکما منقول است

ز قوم در حق
بسیار است

سند و قیوم
و انزیم
و اختیار کردید

وَطَلَبْتُ بِجَشْرَةٍ فِي عَشْرَةِ مَوَاطِنٍ فَوَجَدْتُهَا فِي عَشْرَةِ
 كَرِيمٍ كَرِيمٍ دَهْرٍ زَادَهُ جَابِئِ بَسِ يَأْتِمُ أَنْزَارُ دَهْدِهِ جَابِئِ كَرِيمٍ
 مَعْرَى طَلَبْتُ الرِّفْعَةَ فِي التَّكْبِيرِ فَوَجَدْتُهَا فِي التَّوَاضِعِ وَطَلَبْتُ
 طَلَبْتُ كَرِيمٍ بِمَنْدِيٍّ أَدْرَسِكُمْ بَسِ يَأْتِمُ أَنْزَارُ دَرِ الْبِكَارِ وَطَلَبْتُ
 الْعِبَادَةَ فِي الصَّلَاةِ فَوَجَدْتُهَا فِي الْوَرَعِ وَطَلَبْتُ الرَّاحَةَ فِي
 عِبَادَاتِ رَاوِزِ نَمَازِ بَسِ يَأْتِمُ أَنْزَارُ دَرِ بِيْزْكَارِي فَطَلَبْتُ كَرِيمٍ أَرَامِ
 الْخُرُصِ فَوَجَدْتُهَا فِي الرُّهْدِ طَلَبْتُ نَوْرَ الْقَلْبِ فِي صَلَاةِ
 حَرَمِ بَسِ يَأْتِمُ أَنْزَارُ دَرِ زَيْدِ بَرَكِ وَطَلَبْتُ كَرِيمٍ لَوْزِ رَاوِزِ دَرِ نَمَازِ
 النَّهَارِ حَمْرًا فَوَجَدْتُهَا فِي صَلَاةِ اللَّيْلِ سِرًّا وَطَلَبْتُ نَوْرَ الْقَلْبِ
 رَوْزِ دَرِ حَالَتِ طَرِ بَسِ يَأْتِمُ أَنْزَارُ نَمَازِ شَبَّ كَرِيمٍ يَأْتِمُ أَنْزَارُ دَرِ نَمَازِ
 فِي الْجُودِ وَالسَّنَاوَةِ فَوَجَدْتُهَا فِي الْعَطَشِ فِي الصَّبْرِ وَطَلَبْتُ
 دَرِ جَوَاهِرِ دِي وَنَخَادَتِ بَسِ يَأْتِمُ أَنْزَارُ تَشَكُّلِ كَرِيمٍ دَرِ رَوْزِ نَمَازِ
 الْجَوَازِ عَلَى الصِّرَاطِ فِي أَصْحَابِيَّةٍ فَوَجَدْتُهَا فِي الصَّدَقَةِ وَطَلَبْتُ
 دَرِ كَرِيمٍ رَوْزِ حَمْرًا دَرِ نَمَازِ بَسِ يَأْتِمُ أَنْزَارُ دَرِ صَدَقَةِ قَلْبِ وَطَلَبْتُ كَرِيمٍ
 الْجَنَّةَ مِنَ النَّارِ فِي مَلْبَحَاتٍ فَوَجَدْتُهَا فِي تَرْكِ الشَّهْوَانِ
 نَجَاتِ رَاوِزِ النَّارِ دَرِ شَبَّارِ مَبَاحِ بَسِ يَأْتِمُ أَنْزَارُ دَرِ بَرَكِ شَهْوَانِ
 وَطَلَبْتُ حُبَّ اللَّهِ تَعَالَى فِي الدُّنْيَا فَوَجَدْتُهَا فِي ذِكْرِ اللَّهِ تَعَالَى
 وَطَلَبْتُ كَرِيمٍ نَجَاتِ الْجِبَرِ دَرِ دُنْيَا بَسِ يَأْتِمُ أَنْزَارُ دَرِ يَأْتِمُ أَنْزَارُ تَعَالَى
 وَطَلَبْتُ الْعَافِيَةَ فِي الْجَمَاعِمْ فَوَجَدْتُهَا فِي الْعَزَائِمِ وَطَلَبْتُ
 وَطَلَبْتُ كَرِيمٍ أَرَامِ دَرِ مَجْمَعِ بَسِ يَأْتِمُ أَنْزَارُ دَرِ نَهَائِي وَطَلَبْتُ كَرِيمٍ
 نَوْرَ الْقَلْبِ فِي الْمَوَاعِظِ وَقِرَاءَةِ الْقُرْآنِ فَوَجَدْتُهَا فِي التَّفَكُّرِ
 رَوْزِ نَمَازِ دَرِ نَجَاتِ دَرِ نَمَازِ بَسِ يَأْتِمُ أَنْزَارُ دَرِ تَفَكُّرِ كَرِيمٍ

فَوَجَدْتُهَا فِي عَشْرَةِ مَوَاطِنٍ
 كَرِيمٍ كَرِيمٍ دَهْرٍ زَادَهُ جَابِئِ
 مَعْرَى طَلَبْتُ الرِّفْعَةَ فِي التَّكْبِيرِ
 طَلَبْتُ كَرِيمٍ بِمَنْدِيٍّ أَدْرَسِكُمْ
 عِبَادَاتِ رَاوِزِ نَمَازِ بَسِ يَأْتِمُ
 حَرَمِ بَسِ يَأْتِمُ أَنْزَارُ دَرِ زَيْدِ
 النَّهَارِ حَمْرًا فَوَجَدْتُهَا فِي صَلَاةِ
 رَوْزِ دَرِ حَالَتِ طَرِ بَسِ يَأْتِمُ
 دَرِ جَوَاهِرِ دِي وَنَخَادَتِ بَسِ
 الْجَوَازِ عَلَى الصِّرَاطِ فِي أَصْحَابِيَّةٍ
 دَرِ كَرِيمٍ رَوْزِ حَمْرًا دَرِ نَمَازِ
 نَجَاتِ رَاوِزِ النَّارِ دَرِ شَبَّارِ
 وَطَلَبْتُ حُبَّ اللَّهِ تَعَالَى فِي الدُّنْيَا
 وَطَلَبْتُ كَرِيمٍ نَجَاتِ الْجِبَرِ
 وَطَلَبْتُ الْعَافِيَةَ فِي الْجَمَاعِمْ
 رَوْزِ نَمَازِ دَرِ نَجَاتِ دَرِ نَمَازِ

وَالْبَكَاءُ وَقَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ مَضَى اللَّهُ عَنْهُ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى اُولَئِكَ
 ابْتَدَأَ بِرَهْدِ رَأْسِهِ بِكَلِمَاتٍ فَأَمَّا هُنَّ قَالَ عَشْرٌ خِصَالٍ مِنْ السَّنَةِ
 خَمْسٌ فِي الرَّأْسِ وَخَمْسٌ فِي الْبَدَنِ فَأَمَّا فِي الرَّأْسِ السُّؤَالُ وَالْمَعْصِيَةُ
 وَالْإِسْتِثْنَاءُ وَقَسُّ الشَّارِبِ وَالْحَقُّ وَأَمَّا فِي الْبَدَنِ تَقِفُ
 الْأَيْدِ وَالْتِقَامُ وَالْحَقُّ وَالْحَقُّ وَالْحَقُّ وَالْحَقُّ وَالْحَقُّ
 وَعَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ مَنْ صَلَّى عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
 وَسَلَّمَ وَاحِدَةً صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ عَشْرَةَ وَمَنْ سَبَّهُ مَرَّةً سَبَّ اللَّهُ
 عَلَيْهِ عَشْرَ مَرَّاتٍ الْآتِي لِقَوْلِهِ تَعَالَى لِلْوَالِدِينَ مِنْ غَيْرَةِ
 لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ حِينَ سَبَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
 مَرَّةً وَاحِدَةً سَبَّ اللَّهُ عَشْرَ مَرَّاتٍ فَقَالَ وَلَا تَطْعَمُ كُلَّ
 حَلَاوٍ وَمُهَيَّنَ جَاهُ مَسَاءً نَفِيمٍ مَسَاءً لِحَيْرٍ مَعْتَدِ آتِيهِ

وَالْبَكَاءُ وَقَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ مَضَى اللَّهُ عَنْهُ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى اُولَئِكَ
 ابْتَدَأَ بِرَهْدِ رَأْسِهِ بِكَلِمَاتٍ فَأَمَّا هُنَّ قَالَ عَشْرٌ خِصَالٍ مِنْ السَّنَةِ
 خَمْسٌ فِي الرَّأْسِ وَخَمْسٌ فِي الْبَدَنِ فَأَمَّا فِي الرَّأْسِ السُّؤَالُ وَالْمَعْصِيَةُ
 وَالْإِسْتِثْنَاءُ وَقَسُّ الشَّارِبِ وَالْحَقُّ وَأَمَّا فِي الْبَدَنِ تَقِفُ
 الْأَيْدِ وَالْتِقَامُ وَالْحَقُّ وَالْحَقُّ وَالْحَقُّ وَالْحَقُّ وَالْحَقُّ
 وَعَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ مَنْ صَلَّى عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
 وَسَلَّمَ وَاحِدَةً صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ عَشْرَةَ وَمَنْ سَبَّهُ مَرَّةً سَبَّ اللَّهُ
 عَلَيْهِ عَشْرَ مَرَّاتٍ الْآتِي لِقَوْلِهِ تَعَالَى لِلْوَالِدِينَ مِنْ غَيْرَةِ
 لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ حِينَ سَبَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
 مَرَّةً وَاحِدَةً سَبَّ اللَّهُ عَشْرَ مَرَّاتٍ فَقَالَ وَلَا تَطْعَمُ كُلَّ
 حَلَاوٍ وَمُهَيَّنَ جَاهُ مَسَاءً نَفِيمٍ مَسَاءً لِحَيْرٍ مَعْتَدِ آتِيهِ

در تعبیر این آیه گفته است
 از نمودن ابراهیم را برود کار او چند سخن پس کمال آورد آنرا گفت که هفت است از سنن است

عاشق رضوان
 عیاش
 عیاش

عاشق رضوان
 عیاش
 عیاش

عاشق رضوان
 عیاش
 عیاش

عاشق رضوان
 عیاش
 عیاش

عاشق رضوان
 عیاش
 عیاش

عاشق رضوان
 عیاش
 عیاش

عاشق رضوان
 عیاش
 عیاش

عاشق رضوان
 عیاش
 عیاش

عاشق رضوان
 عیاش
 عیاش

عاشق رضوان
 عیاش
 عیاش

عاشق رضوان
 عیاش
 عیاش

عاشق رضوان
 عیاش
 عیاش

عاشق رضوان
 عیاش
 عیاش

عاشق رضوان
 عیاش
 عیاش

عاشق رضوان
 عیاش
 عیاش

عاشق رضوان
 عیاش
 عیاش

عاشق رضوان
 عیاش
 عیاش

عاشق رضوان
 عیاش
 عیاش

عاشق رضوان
 عیاش
 عیاش

عاشق رضوان
 عیاش
 عیاش

عاشق رضوان
 عیاش
 عیاش

عاشق رضوان
 عیاش
 عیاش

عاشق رضوان
 عیاش
 عیاش

عاشق رضوان
 عیاش
 عیاش

عاشق رضوان
 عیاش
 عیاش

عاشق رضوان
 عیاش
 عیاش

عاشق رضوان
 عیاش
 عیاش

عاشق رضوان
 عیاش
 عیاش

عاشق رضوان
 عیاش
 عیاش

عقل بعد ذلك زعيم ان كان ذاك ال بليان اذ اتى عليه
سخت كوفى بعد از آن بدنام را كه بوده و صاحب اولاد هرگاه خونخوار بود

ايضا قال اساطير الاولين يعنى يكذب بالقرآن وقال
آيات المكيه اين نقلها پيشيان اند يعنى يكذب برآن ميكنند و

ابراهيم بن ادهم رحمه الله حين سأل عن قول تعالى
ابراهيم بن ادهم رحمه الله گفته هرگاه كه پرسيدند از او از اين آيت

ادعوني استجب لكم وانذروا انذروا انذروا فقال
دعا خواهد از ما قبول خواهم كرد براي شما كه ما دعا ميكنم پس قبول نميخورد براي ما گفت

ما تفلحوا من عشره اشياء اولها انكم عرفتم الله
مردند و لهاي شما از ده چيز اول اينكه بشناسيد خدا را

و لم تؤدوا حقه و قرأتم كتاب الله و لم تقبلوا
و ادا نكرديد حق او را و خوانديد كتاب خدا را و عمل نكرديد

به و ادعيتم عدو و ابليس و اليتيم و ادعيتم حب
بر آن دعوي كرديد دشمن ابليس را و دوست گرفتيد او را و دعوي كرديد محبت

الرسول و تركتم اثره و سنته و ادعيتم حب الجنة
رسول را و ترك كرديد ببردني او را و طريق سنت او را و دعوي كرديد محبت جنت را

و لم تعملوا لها و ادعيتم خوف النار و لم تنهوا عن
و عمل نكرديد بر آن دعوي كرديد خوف دوزخ را و باز نيامديد از

الذنوب و ادعيتم ان الموت حق و لم تستعدوا له
گناهان و دعوي كرديد كه موت حق است و نهيان نكرديد براي آن

و اشتغلتم بعيوب غيركم و تركتم عيوب انفسكم
در مشغول شديد در عيوب ديگران و گذاشتيد عيوب ذات خود را

وَيَا كَلْبُونَ بِرَبِّكَ لِلَّهِ وَلَا تَشْكُرُونَ وَتَدْفِنُونَ مَوْتَكُمْ

وینچوید زرق خدارا دجائی آن پر شکر اورا و دفن میکنید مردگان خودرا

وَلَا تَعْبُرُونَ وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا مِنْ

وعبرت نمئی پدیرید و شبی صلوات الله علیه وسلم منوادیت هیچ

عَبْدٍ أَمَدَعَا بِهَذَا الدُّعَاءِ فِي لَيْلَةٍ عَرَفَ الْفَرَمَةَ

بنده کسی که دعا کند این دعا در شب عرفه هزار بار

وَهِيَ عَشْرُ كَلِمَاتٍ لَمْ يَسْأَلِ اللَّهُ شَيْئًا إِلَّا أَعْطَاهُ مَا لَمْ

و این ده کلمات اند سوالی نکند از خدا چیزی را مگر بدیم اورا تا آنکه

يَدْعُ بِقَطِيعَةِ رَحِمٍ أَوْ مَائِثَةٍ أَوْهَا سُبْحَانَ الَّذِي فِي

دعا کند برای قطع رحم یا برای گناهی اول آن پاک است آن ذات که در

السَّمَاءِ عَرْشُهُ سُبْحَانَ الَّذِي فِي الْأَرْضِ مَلِكُهُ وَقَدَرُهُ

آسمان است عرش او پاک است آن ذات که در زمین است سلطنت او و قدرت او

سُبْحَانَ الَّذِي فِي الْبَرِّ سَيِّدُهُ سُبْحَانَ الَّذِي فِي الْهَوَى

پاک است آن ذات که در صحرا است راه او پاک است آن ذات که در هوا است

رُوحِهِ سُبْحَانَ الَّذِي فِي النَّارِ سُلْطَانُهُ سُبْحَانَ الَّذِي

روح حق او پاک است آن ذات که در آتش است غلبه او پاک است آن ذات که

فِي الْأَرْضِ حَامِلُهُ سُبْحَانَ الَّذِي فِي الْقُبُورِ قَضَاؤُهُ

افزون حکم است علم او پاک است آن ذات که در گور است حکم او

سُبْحَانَ الَّذِي قَعَّ السَّمَاءَ بِأَعْيُنِ سُبْحَانَ الَّذِي وَضَعَ

پاک است آن ذات که بلند ساخت آسمان را با ستون پاک است آن ذات که بست کرد

الْأَرْضَ سُبْحَانَ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَلَا يَمُتُّ مِنْهُ إِلَّا إِلَيْهِ

زمین را پاک است آن ذات که نمی میرد از دنیا و جای نجات مگر بسوی او

سُبْحَانَ الَّذِي فِي الْجَبْرِ

سُبْحَانَ الَّذِي فِي الْقُدْرَةِ

سُبْحَانَ الَّذِي فِي الْوَجْدِ
سُبْحَانَ الَّذِي فِي الْوَجْدِ
سُبْحَانَ الَّذِي فِي الْوَجْدِ

وَعَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا أَنَّهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى

وَأَزَّابَ ابْنَ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا عَنَّا وَابْتِهَاثَ كَفَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ذَاتَ يَوْمٍ لَا يَلْسَنُ عَلَيْهِ اللَّعْنَةُ كَرَّ

أَجَابُوا وَكَرَّ مِنْ أُمَّتِي قَالَ عَشْرُونَ نَفْرًا وَأُولَاهُمْ الْإِمَامُ الْبَاقُونَ

وَالْمُنْكَرُ وَالْفَتَى الَّذِي لَا يَمْلِكُ مِنْ آيِنٍ يَكْتَسِبُ

الْمَالُ فِي مَا ذَيْنِغُ وَالْعَالِمُ الَّذِي صَدَقَ الْأَمِيرُ

عَلَى جَوْرٍ وَالشَّجَرُ الْخَائِنُ وَالْحَتِيرُ وَالزَّانِي وَارْكُلْ

الرِّبَا وَالنَّجِيلُ الَّذِي لَا يَمْلِكُ مِنْ آيِنِ جَمْعِ الْمَالِ

وَشَارِبِ الْخَمْرِ مَدَّ مِنْ عَلَيْهِ قَاتِلٌ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

فَلَمْ يَكُنْ بَعْدَكَ وَكَرَّ مِنْ أُمَّتِي قَالَ عَشْرُونَ نَفْرًا وَأُولَاهُمْ

أَنْتَ يَا مُحَمَّدُ فَإِنِّي أَبِغْضِكَ وَالْعَالِمُ الْعَامِلُ بِالْعِلْمِ وَ

حَامِلُ الْقُرْآنِ إِذَا عَمِلَ بِمَا فِيهِ وَالْمُؤَدِّزُ لِلَّهِ فِي حَسْرَةٍ

صَلُّوا بِمَحَبَّةِ الْفُقَرَاءِ وَالسَّائِكِينَ وَالْيَتَامَىٰ وَذُرِّيَّةَ

نماز با دوست داند و فقرو و سائکین و یتیمان و صاحب دل

الرَّحِمِ وَالْمَتَّوِّضِ حَقِّهِ وَشَاكِبِ نَشَاقِي طَاعَةِ اللَّهِ تَعَالَىٰ

بزرگان و تواضع کننده بر امامی خدا و جوانی که کلان شد در طاعت ابد تعالی

وَكُلِّ الْحَلَالَ وَالشَّابَّانَ الْمُتَحَابِّانَ فِي اللَّهِ وَالْحَرِصَّ عَلَىٰ

و خورنده شی حلال دان دو جوان که دوست دارند برای خدا و حرص داند بر

الصَّلَاةِ فِي الْجَمَاعَةِ وَالَّذِي يُصَلِّي بِاللَّيْلِ وَالنَّاسِ نِيَامًا

نماز با جماعت و آنکس که نماز گذارد در شب و او میمان خفته باشد

وَالَّذِي يُمْسِكُ نَفْسَهُ عَنِ الْحَرَامِ وَالَّذِي يُنْجُو فِي

و آنکس که باز دارد خود را از حرام و آنکس که خیر خواهد کند در

رِوَايَةٍ يُدْعُو لِأَخِيهِ وَوَلَدِهِ وَوَلَدِ أَخِيهِ وَوَلَدِ

روایتی است که دعا کند برای برادران و نیت در دل او چیزی و آنکس

بِكُوزٍ أَيْدِيهِ عَلَىٰ وَضُوءٍ وَسُحْبِ وَحَسَنِ الْخَلْقِ وَالْمَصْدَقِ

که دانا با دست او باشد و بخشنده و نیک خلقی و آنکس تصدیق کند

رَبِّهِ بِمَا ضَمِنَ اللَّهُ لَهُ وَالْحَسَنِ إِلَىٰ مَسْتَوْرَاتِ الْأَرَامِلِ

پروردگار خود را بر آن چه ضامن شده است برای او و نیک رساننده زبان بی شوهر را و

الْمُسْتَعِينِ لِلْمَوْتِ وَقَالَ وَهَبُ بْنُ مَسْبُوحٍ مَكْتُوبٌ فِي

تواری گفته برای موت و وهب بن مسبوک گفته در تورات

التَّوْرَةِ مَنْ تَزَوَّدَ فِي اللَّهِ نِيَّاصًا رِيَوْمَ الْقِيَامِ حَبِيبٌ

نوشته است در هر که تو شد تیار کرد در دنیا که بر روز قیامت محبوب

اللَّهُ وَمَنْ تَرَكَ الْغَضَبَ صَارَ فِي جَوَارِ اللَّهِ وَمَنْ تَرَكَ

خدا خواهد بود هر که تو خورد غضب را بر در آید در دنیا خدا و هر که ترک کرد

نماز با دوست داند و فقرو و سائکین و یتیمان و صاحب دل
بزرگان و تواضع کننده بر امامی خدا و جوانی که کلان شد در طاعت ابد تعالی
و خورنده شی حلال دان دو جوان که دوست دارند برای خدا و حرص داند بر
نماز با جماعت و آنکس که نماز گذارد در شب و او میمان خفته باشد
و آنکس که باز دارد خود را از حرام و آنکس که خیر خواهد کند در
روایتی است که دعا کند برای برادران و نیت در دل او چیزی و آنکس
که دانا با دست او باشد و بخشنده و نیک خلقی و آنکس تصدیق کند
پروردگار خود را بر آن چه ضامن شده است برای او و نیک رساننده زبان بی شوهر را و
تواری گفته برای موت و وهب بن مسبوک گفته در تورات
نوشته است در هر که تو شد تیار کرد در دنیا که بر روز قیامت محبوب
خدا خواهد بود هر که تو خورد غضب را بر در آید در دنیا خدا و هر که ترک کرد

حَبَّ الْعَيْشِ فِي الدُّنْيَا صَارَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ آمِنًا مِّنْ عَذَابِ اللَّهِ
 محبت عیش را در دنیا از عذاب خدا امن یا باشد بدوز قیامت

وَمَنْ تَرَكَ الْحَسَاءَ صَارَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَحْمُودًا عَلَيَّ رُؤُوسِ
 دهر که ترک کرد حسد را محمود باشد بر دوز قیامت در مجمع

الْخَلَائِقِ وَمَنْ تَرَكَ حُبَّ الرِّيَاسَةِ صَارَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَزِيزًا
 خلق دهر که محبت ریاست ترک کرد بر دوز قیامت عزیز باشد

عِنْدَ الْمَلِكِ الْجَبَّارِ وَمَنْ تَرَكَ الْفُضُولَ فِي الدُّنْيَا صَارَ
 نزد بادشاه غالب دهر که ترک کرد فضول را در دنیا صاحب ناز و

نَاعِمًا فِي الْآبَرَارِ وَمَنْ تَرَكَ الْخُصُومَةَ فِي الدُّنْيَا صَارَ
 نعمت باشد در نیکوکاران دهر که ترک کرد خصومت را در دنیا

يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنَ الْفَائِزِينَ وَمَنْ تَرَكَ الْجُلْنَ فِي الدُّنْيَا
 بر دوز قیامت از مباد یا ننگان باشد دهر که ترک کرد بخل را در دنیا

صَارَ كَوْرًا عِنْدَ رَسُولِ الْخَلَائِقِ وَمَنْ تَرَكَ الرَّاحَةَ فِي
 ذرگش در جمیع خلق مشهور شد دهر که ترک کرد راحت را در

الدُّنْيَا صَارَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَسْرُورًا وَمَنْ تَرَكَ الْحَرَامَ فِي
 دنیا خوش باشد بر دوز قیامت دهر که ترک کرد حرام را در

الدُّنْيَا صَارَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي جِوَارِ الْأَنْبِيَاءِ وَمَنْ تَرَكَ
 دنیا بر دوز قیامت در همسنگی انبیا باشد دهر که ترک کرد

النَّظَرَ فِي الْحَرَامِ فِي الدُّنْيَا أَوْحَى اللَّهُ عَيْنَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي
 دیدن حرام را در دنیا خوش دارد خدا بر دوز قیامت هر که چشم او را

الْجَنَّةِ وَمَنْ تَرَكَ الْغَنَى فِي الدُّنْيَا وَاخْتَارَ الْفَقْرَ بَعَثَهُ
 جنت ف دهر که ترک کرد ثروتمندی را در دنیا و اختیار کرد فقر بفرستد او را

محبت عیش را در دنیا از عذاب خدا امن یا باشد بدوز قیامت
 دهر که ترک کرد حسد را محمود باشد بر دوز قیامت در مجمع
 خلق دهر که محبت ریاست ترک کرد بر دوز قیامت عزیز باشد
 نزد بادشاه غالب دهر که ترک کرد فضول را در دنیا صاحب ناز و
 نعمت باشد در نیکوکاران دهر که ترک کرد خصومت را در دنیا
 بر دوز قیامت از مباد یا ننگان باشد دهر که ترک کرد بخل را در دنیا
 ذرگش در جمیع خلق مشهور شد دهر که ترک کرد راحت را در
 دنیا خوش باشد بر دوز قیامت دهر که ترک کرد حرام را در
 دنیا بر دوز قیامت در همسنگی انبیا باشد دهر که ترک کرد
 دیدن حرام را در دنیا خوش دارد خدا بر دوز قیامت هر که چشم او را
 جنت ف دهر که ترک کرد ثروتمندی را در دنیا و اختیار کرد فقر بفرستد او را

اللَّهُ تَعَالَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ الْوَالِدِينَ وَالنَّبِيِّينَ وَمَنْ
 بِقَامَ بِجَوَائِبِ النَّاسِ فِي الدُّنْيَا فَضَرَّ اللَّهُ تَعَالَى حَوَاجَتَهُ فِي
 الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَكُونَ فِي قَبْرِهُ مَوْسِرًا
 فَليَقْمِرْ فِي ظِلِّهِ اللَّيْلَ وَيَصِلْ وَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَكُونَ
 فِي ظِلِّ عَرْشِ الرَّحْمَنِ فَلْيَكُنْ زَاهِدًا وَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَكُونَ
 حِسَابًا يَسِيرًا فَلْيَكُنْ نَاصِحًا لِنَفْسِهِ وَإِخْوَانِهِ وَمَنْ أَرَادَ
 أَنْ يَكُونَ الْمَلَأَنِيَّةَ زَائِرِينَ فَلْيَكُنْ وَرِعًا وَمَنْ أَرَادَ
 أَنْ يَسْكُنَ فِي مَجْبُوحَةِ الْجَنَّةِ فَلْيَكُنْ ذَاكِرًا لِلَّهِ
 بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ
 حِسَابٍ فَلْيَسْتَبِ إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً تَصَوُّغًا وَمَنْ أَرَادَ
 أَنْ يَكُونَ غَنِيًّا فَلْيَكُنْ رَاضِيًّا بِمَا قَسَمَ اللَّهُ تَعَالَى

بمخدا تعالی ظهور قیامت با اولیا و اینها و هر که برآرد

حاجت های خلق را در دنیا روا خواهد کرد خدا تعالی حاجت ها او را در

دنیا و آخرت و هر که خواهد که در قبر او مونس باشد

بسی باید که بر خیزد در شب تاریک و نماز گذارد و هر که خواهد که

در سایه عرش رحمن باشد پس باید که زاهد باشد و هر که خواهد که

حساب او سهل باشد پس باید که خود را و برادران خود را حیز خدای کند و

هر که خواهد که فرشتگان با او ملاقات کنند پس باید که پرستش کار باشد و هر که خواهد

که ساکن باشد در میان جنت پس باید که یاد الله کند

در شب و روز و هر که خواهد که بی حساب در جنت

دراید پس باید که توبه تصوح کند بسوی خدا و هر که خواهد که

توانگر باشد پس باید که راضی باشد بآنکه داده است خدا تعالی

وَمَنْ ارَادَ أَنْ يَكُونَ مَعَ اللَّهِ فَقِيمًا فَلْيَكُنْ خَاشِعًا

وهر که خواهد که فقید باشد نزد خدا پس باید که عاجز می گردد و باشد

وَمَنْ ارَادَ أَنْ يَكُونَ حَكِيمًا فَلْيَكُنْ عَالِمًا وَمَنْ ارَادَ

وهر که خواهد که حکیم باشد پس باید که عالم باشد و هر که خواهد

أَنْ يَكُونَ سَلَامًا مِنَ النَّاسِ فَلْيَذْكُرْ أَحَدًا إِلَّا خَيْرًا

که سلامت باشد از خلق فلان پس ذکر نکند کسی را مگر بخیر

وَلْيَعْتَبِرْ فِيهَا مِنْ أَيْ شَيْءٍ خُلِقَتْ وَمَا ذَا خُلِقَتْ

و عبرت گزیند در دنیا که از چه چیز پیدا کرده شده و ام در برای چه پیدا کرده شده و ام

وَمَنْ ارَادَ الشَّرَفَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَلْيَخْرُجْ إِلَى

وهر که بزرگی خواهد در دنیا و آخرت پس باید که بیرون آید

عَلَى الدُّنْيَا وَمَنْ ارَادَ الْفِرْدَوْسَ وَالنَّعِيمَ الَّذِي لَا

بر دنیا و هر که خواهد جنت فردوس و نعمت را

يَفْنَى لَا يَضْمَعُ عَمْرًا فِي فُسَادِ الدُّنْيَا وَمَنْ ارَادَ

فنا گردد عمر خود را در فساد دنیا تلف نکند و هر که خواهد

الْجَنَّةَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَعَلَيْهِ بِالسَّخَاوَةِ لِأَنَّ

جنت را در دنیا و آخرت واجب است پس لازم است بسخاوت را چرا که

السَّخَى قَرِيبٌ إِلَى الْجَنَّةِ وَبَعِيدٌ مِنَ النَّارِ وَمَنْ ارَادَ

مرد سخا نزدیک است از جنت و دور است از آتش و هر که خواهد

أَنْ يُنَوِّرَ قَلْبَهُ بِالنُّورِ لِتَأْمُرَ فَعَلَيْهِ بِالتَّفَكُّرِ

که روشن گرداند دل خویش از روشنی کامل پس لازم است فکر کردن

وَالْإِعْتِبَارَ وَمَنْ ارَادَ أَنْ يَكُونَ لَهْدًا صَابِرًا

و عبرت پذیر متن و هر که خواهد که باشد برای او مدین صبر کننده

و هر که خواهد که عالم باشد و هر که خواهد که حکیم باشد و هر که خواهد که بزرگی خواهد در دنیا و آخرت پس باید که بیرون آید و هر که خواهد جنت فردوس و نعمت را فنا گردد عمر خود را در فساد دنیا تلف نکند و هر که خواهد جنت را در دنیا و آخرت واجب است پس لازم است بسخاوت را چرا که مرد سخا نزدیک است از جنت و دور است از آتش و هر که خواهد که روشن گرداند دل خویش از روشنی کامل پس لازم است فکر کردن و هر که خواهد که باشد برای او مدین صبر کننده

وَلَيْسَانِ ذَاكِرٌ وَقَدْ خَشِعَ عَلَيْهِ وَكَرِهَ

و زبان ذکر کننده و دل می کشند پس لازم گیرد بسیاری

الاستغفار للمؤمنين والمومنات والمسلمين والمسلمات

آرزوی خواستن برای مؤمن مردان و مؤمن زنان و مسلم مردان و مسلم زنان

زيت الطبايع

بهدیه الحمد و البته که کتاب فیض الکتاب اعنی منبهات ابن حجر عسقلانی حسب کتب
شیخ ناصر علی صاحب تاج کتب در مطبع جنابان بانضمام و سعی امام کتبت
آفاق میرزا عبدالرزاق غفر الله ذنوبه و مستعین به تاریخ کیم شوال المعظم ۱۲۹۰
هجری بقالب طبع در آمده مطبوع طبابع خاص عام گردید +

قطعه تاریخ از تاریخ طبع و قادیان حوی و و داد منظر عنایت
کریم مطلق مولوی محمد سیف الحق صاحب تخلص بان دیر بکلمه هند

عبدالرزاق صاحب دو عطا داد	این روز که طبع نموده منبهات
دوروز پیش طبع من ارزده داد	ارشاد کرد از بی تاریخ و سال آن
بی ساخته بطرز طبعی تاریخ داد	تا خامه ادیب چنین ساخته رسم

قطعه تاریخ نتیجه فکر رسا و من در کجا صاحب فهم و فزیت همی سرا
محمود میرالدین صاحب تخلص به شوکت بسلمه الله تعالی

ابید عوی طبع و حسن محمد	کتاب عسقلانی شد جو مطبوع
زوی گنینه علم شریعت	زوی محمد تاجرخین خرد گفت

